



# عاشقانه

Asheghaneh Publication

29th Year • No. 346 • February 2014

سال بیست و نهم • شماره ۳۴۶ • بهمن ماه ۱۳۹۲

گفتگوی ویژه  
احمد آدم  
با داریوش اقبالی

خانواده‌ها با انکار و پنهان کاری بیماری اعتیاد را وسیع‌تر می‌کنند.



Amerejuve Medspa and Cosmetic Surgery founder, Dr. Morteza Naghavi, is a successful physician scientist and entrepreneur from Iran. Amerejuve is proud to serve the Houston community and welcomes Iranians.

**amerejuve**  
look good feel good



ASK ABOUT  
"AMEREJUVE ADVANTAGE"  
OFFERED AT 72% DISCOUNT

#### MedSpa Services

- Laser Hair Removal
- Non-Invasive Body Contouring
- Cellulite Treatment
- Sun Spot & Age Spot Removal
- Photofacial Skin Rejuvenation
- Non-surgical Skin Tightening
- Microdermabrasion
- Wrinkle Removal
- BOTOX® & Dermal Fillers
- Facials & Chemical Peels
- Sciton, eMatrix, Ultherapy
- Weight Loss & Wellness Management

#### Cosmetic Surgery

- Breast Augmentation
- Rhinoplasty (nose reshaping)
- Abdominoplasty (tummy tuck)
- Face Lift
- Blepharoplasty (eyelid lift)
- Liposuction

Call today to schedule a  
**Free Consultation!**

713.960.6262  
[www.amerejuve.com](http://www.amerejuve.com)

**HAPPY HOLIDAYS**



SIGN UP FOR  
THE AMEREJUVE  
INSIDER!

Houston's #1 MedSpa and Cosmetic Surgery Center with 10 Locations

CLEAR LAKE GALLERIA KATY KINGWOOD MEMORIAL RIVER OAKS NORTH SUGAR LAND WOODLANDS DUNVALE

LOOK GOOD FEEL GOOD

# MANA YEGANI



## ATTORNEY AT LAW

### AREAS OF PRACTICE

- IMMIGRATION LAW (CITIZENSHIP, GREEN CARD, FIANCE' VISAS, ASYLUM VISAS, DEPORTATION)
- CRIMINAL LAW (DRUG CHARGES, DWI, ASSAULT)
- DIVORCE

- ویزای نامزدی و ازدواج
- پناهندگی دینی و سیاسی
- مترجم رسمی امور مهاجرت
- فرار از اداره مهاجرت یا دستگیری توسط پلیس

LICENSED BY THE SUPREME COURT OF TEXAS  
CERTIFIED TRANSLATOR

1221 STUDEWOOD STREET • HOUSTON TEXAS 77008



## مانا یگانی

وکیل رسمی دادگستری تگزاس

MY@LAW-MANA.COM  
WWW.LAW-MANA.COM

OFC: (713) 481-6703

FAX: (281) 674-8320



# FARMERS

Auto . Home . Life . Business

## فریدون دهرکوردی

مشاور شما در امور بیمه

برای هر گونه امور بیمه خود از قبیل:  
ماشین . منزل . عمر . تجاری  
با یک متخصص آشنا تماس بگیرید.



www.farmersagent.com/fdehkordi  
Email : fdehkordi@farmersagent.com

## Dehkordi

Insurance Agency

Office : 713 - 781 - 4200

Cell : 713 - 628 - 1976

Address : 2825 Wilcrest Dr., Suite 461 - Houston, TX 77042

## هوایمایی

## SUPER TRAVEL

## آرزوس



KLM



TURKISH AIRLINES



QATAR  
AIRWAYS القطرية



Lufthansa

برای کلیه امور مسافرتی جهت استثنای ترین نرخ و بهترین سرویس با ما تماس بگیرید  
ما بهترین قیمت را در تابستان، برای مسافرت به ایران به شما پیشنهاد می کنیم.

## سفر به ایران از \$950 و بلیط های ایران ایر به کلیه شهرهای ایران

تلفن و دورنگار

713-914-9160

281-679-9160

تلفن همراه

713-530-4205

arezoo6282@yahoo.com

آرزو آزادی

Arezoo Azadi

12800 Briar Forest Dr. #102  
Houston TX 77077



Alfred Valdez



## SADEGHI LAW FIRM ATTORNEYS AT LAW



Aram Sadeghi

### Family, Criminal, Immigration Federal & State Courts

- Family Law
- Criminal Law
- Business Law
- Probate/Will/Trust
- PERM, H-B, E-2, L-1, Investment, Asylum, Immigration Court
- Mediation

Attorneys with more than 30 years of combined experience

Help is a Phone Call Away

Tel: 713-206-1920 / 713-899-6926

- امور جنائی
- امور مالی
- انحصار وراثت و وصیتنامه
- امور مهاجرت، ویزای کار، سرمایه داری، پناهندگی، دادگاه مهاجرت
- میانجیگری

10101 Harwin Dr. Suite 320  
Houston, TX 77036

Fax: 713-422-2162

www.sadeghilaw.com  
Email: asadeghilaw@gmail.com

Licensed by the Supreme Court of Texas. Not certified by the Texas Board of Legal Specialization.

## آژانس هواپیمایی پرشین گلف

نمایندگی کلیه شرکتهای هواپیمایی در هوستون  
با بهترین قیمت ها، همراه با کادر مجرب ایرانی  
و ۲۰ سال سابقه در خدمت شماست

ارزانترین بلیط از ایران به آمریکا  
ارزانترین بلیط از آمریکا به ایران



جهت تهیه بلیط با فرهاد صادقی تماس بگیرید

Cell: 713.517.4124

Tel: 281.499.8219

PersianGulfTravelAndTours@yahoo.com

10333 Harwin Drive, Suite #550  
Houston, Texas 77036

CHAMPIONS

REAL ESTATE GROUP

## امیر صالحیان

مشاور مجرب، فعال، متعهد و مطلع شما در امور  
خرید، فروش و یا اجاره املاک مسکونی و تجاری  
سرلوحه کارما، توجه کامل به ذوق و خواست متقاضیان است  
که درامز خرید و فروش املاک به ما مراجعه مینمایند

افتخار میکنیم اگر فرصت دهید در خدمت شما هموطنان گرامی باشیم

Amir Salehian

Your Full Service RealEstate  
Professional

Residential  
Commercial



Direct: 281-221-7253

Office: 713-785-6666

Fax: 713-785-6631

asalehian@sbcglobal.net

rpc3\254\amir salehian

February 1, 2014

29Th Year, No. 346



ماهنامه فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی  
**Asheghaneh Publication**

A Persian Monthly Review of Culture, Art, Literature & Social Affairs

فرهنگی - اجتماعی - سیاسی

- ۶ ..... سالی که گذشت: شهلا صمصامی
- ۱۰ ..... آیا ایران بار دیگر عقب می ماند؟ : کاظم علمداری
- ۱۷ ..... دریچه: خبرها و رویدادها
- ۲۸ ..... احزاب سیاسی ایران (اوضاع سیاسی و اجتماعی در نخستین سال های سلطنت محمدرضا شاه) : محمود نفیسی

ادبی - هنری

- ۲۲ ..... داستان سیاوش : امیر صادقی
- ۳۶ ..... آمیری برکا: ادبیات درگیری و مبارزه: مازیار اولیائی نیا
- ۵۶ ..... جهان هنر و ادب : حسن فرزانه
- ۶۴ ..... خولیو کورتاسار: ادبیات یک بازی است. : حسن فیاد
- ۷۴ ..... «نجات آقای بنکز» دو برداشت متفاوت از یک روایت واحد : جمال آریان
- ۷۶ ..... آجی خانم (داستان): صادق هدایت
- ۸۱ ..... وقت خنده
- ۸۷ ..... کتابخانه عاشقانه

گفتگو

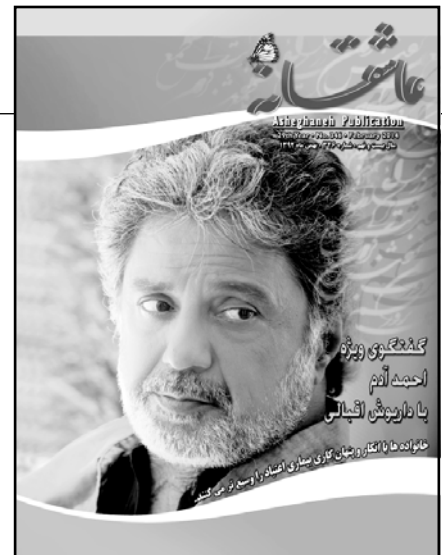
- ۴۸ ..... مصاحبه با داریوش اقبالی: احمد آدم

پزشکی - علمی

- ۸۴ ..... رابطه بین سرطان و کمبود ویتامین D : دکتر طناز ارمغانی

مطالب دیگر

- ۹۰ ..... فال ماه
- ۹۱ ..... جدول ماه
- ۹۲ ..... نت موسیقی
- ۹۳ ..... فرم اشتراک مجله و نیازمندی ها



صاحب امتیاز و مدیر: احمد آدم

سر دبیر: آریتا افهمی

Publisher: Ahmad Adam

Editor in Chief: Azita Afhami

Asheghaneh Publication, Inc

1403 Brittmoore Rd.

Houston, TX 77043

Tel: (713) 973-8686

Fax: (713) 722-0153

www.asheghaneh.com

email: asheghanehpublication @ gmail.com

Copy Right 2014 ©

ISSN 1536-6049

برای عاشقانه، خبر، مقاله، شعر، عکس و طرح بفرستید. مطالب از چهار صفحه بیشتر نباشد. عاشقانه در اصلاح و کوتاه کردن مقالات با حفظ نظر نویسنده آزاد است. مطالب ارسالی پس داده نمی شود. نقل مطالب عاشقانه به طور کامل و بدون تغییر با ذکر مأخذ آزاد است. مطالب ماهنامه عاشقانه اختصاصاً برای آن نوشته می شود و در صورت استفاده از منابع دیگر، مأخذ اصلی ذکر خواهد شد. مسئولیت آگهی ها در عاشقانه به عهده آگهی دهندگان است و عاشقانه هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت آگهی ها به عهده ندارد.

صفحه آرا: امیررضا امینی

طرح روی جلد: عمادالدین زند

# سالی که گذشت

## شہلا صمصامی

سال ۲۰۱۳ از نظر وقایع جهانی سال مهمی به شمار می‌آید.

روی کار آمدن اخوان المسلمین در مصر، کودتای ارتش، برکناری مرسى و در نهایت بازگشت خفقان و دیکتاتوری به مصر بار دیگر امید به دموکراسی را در این بخش از دنیا با شکست مواجهه کرد. ادامه جنگ در سوریه، کشتار مردم بی‌گناه توسط سلاح‌های شیمیایی ظاهراً توسط رژیم اسد چالشی بزرگ برای آمریکا و اروپا بود که در پاسخ چه باید کرد. با تغییر تصمیم اوپاما به حمله، روسیه قدمی به جلو برداشت و پیشنهاد پوتین برای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی مورد موافقت قرار گرفت. این برنامه ظاهراً با موفقیت در حال انجام است. از وقایع مهم دیگر سال که در نهایت خطر جنگ دیگری را در خاور میانه دست کم بطور موقت از بین برد، انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران و شروع مذاکرات ژنو بود. این مذاکرات هنوز ادامه دارد و حتی دولت ایران درخواست کرده است مذاکرات مستقیم با آمریکا داشته باشد. اگر این مذاکرات به نتیجه مثبت برسد، سال ۲۰۱۳ در این رابطه سال تاریخ سازی خواهد بود.

دو واقعه مهم دیگر در این سال خبر ساز بود. یکی فرار «ادوارد اسنودن» از آمریکا و آشکار شدن برنامه‌های جاسوسی این کشور و دیگری انتخاب پاپ جدید و نظرات وی در مورد مسائل با اهمیتی مانند فقر در دنیا و همجنس گرایان.

از نظر مسائل داخلی آمریکا می‌توان انتخاب مجدد براك اوپاما و ادامه درگیری دو حزب جمهوریخواه و دموکرات، تعطیل کردن دولت برای ۱۶ روز توسط سناتور تکزاس «تد کروزر»، شروع برنامه «اوپاما کر» و از کار افتادن وب سایت مربوط به آن را نام برد.

### \* شخص سال

نشریه تایم امسال پاپ فرانسیس را به عنوان شخص سال انتخاب کرده است. این انتخاب دلایل بسیاری دارد که در نحوه زندگی این فرد قدرتمند ولی درویش مسلک خلاصه می‌شود.

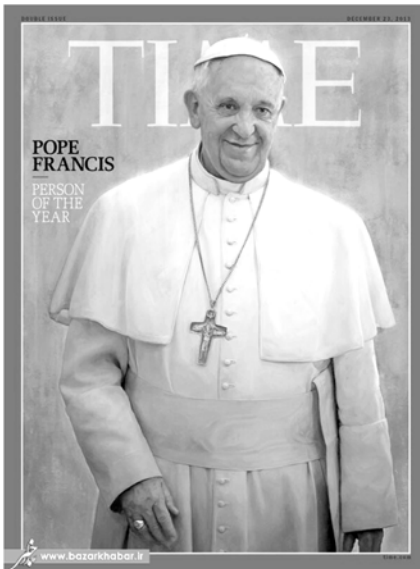
بندرت می‌بینیم که باز یگر جدیدی در صحنه جهانی چنین با سرعت توجه همگان را به خود جلب کند. پاپ فرانسیس فقط در مدت ۹ ماه توانسته است خود را در مرکز گفتمان مهمترین مسائل زمان قرار دهد؛ مسائل بسیار مهمی مانند ثروت و ثروتمندان، فقر، انصاف، عدالت، شفافیت، مدرنیته، جهانی شدن، نقش زنان، نقش ازدواج و همچنین وسوسه قدرت. در زمانی که بسیاری در پی قدرت طلبی هستند، مردی ظاهر می‌شود، بدون ارتش، بدون سلاح، بدون امپراطوری، در چند وجب خاک در وسط شهر روم، ولی با ثروتی بسیار که در اختیار کلیساست؛ یک سابقه تاریخی طولانی و در نتیجه چالشی بزرگ در مقابلش. با پیشرفت تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی الکترونیکی، منبر وی حتی در دورترین نقاط جهان قابل رؤیت است. زمانی که چهره مرد معیوبی را می‌بوسد و یا

پای زن زندانی را می‌شوید، این تصاویر فراتر از مرزهای کلیسای کاتولیک سفر می‌کند. البته تغییر وجهه کلیسای کاتولیک که یکی از قدیمیترین و ثروتمندترین مؤسسات جهان است با پیروانی بیش از یک میلیارد و نیم، هرگز کار ساده‌ای نبوده است.

در این سال‌های اخیر کلیسای کاتولیک به دلیل رسوایی‌های متعدد، فساد و کم شدن کشیش‌های مسیحی و همچنین رقابتی که بین این کلیسا و اونجلیست‌ها به وجود آمده است، این کلیسا قدر و منزلت خود را از دست داده است. بسیاری از کشورهای کاتولیک لاتین در خطر گرایش به اونجلیست‌ها هستند. در کشورهای کاتولیک، اصول مهمی مانند غیر شرعی بودن طلاق، منع هر نوع وسیله ضد حاملگی و نظیر آن نادیده گرفته می‌شود و اختلافات درون واتیکان به مشروعیت آن صدمه وارد آورده است.

ولی در کمتر از یک سال، فرانسیس کارهای بسیار مهمی انجام داده است. برای مثال، او برای اثبات عقیده‌اش لباس ساده می‌پوشد، مرسدس بنز خود را پس داده و یک فورد کوچک سوار می‌شود. به جای قصر واتیکان، غالباً در محل‌های کوچکی که کشیش‌ها زندگی می‌کنند می‌خوابد. وی برای نخستین بار اطلاعات در مورد امور مالی واتیکان را بیرون داده است.

«فرانسیس» پیچیدگی جامعه امروز را می‌پذیرد و معتقد است چنانچه مشغولیت کلیسا تنها حقوق آن و دستورات در مورد



گفته می‌شود در آن زمان برنامه‌اش این بود که در ۷۵ سالگی بازنشسته شود و حتی نامه استعفاي خود را به پاپ داده بود. ولی سرنوشت جدیدی در انتظار اسقف اعظم بود. در ۱۱ فوریه، «پاپ بندیکت» بدون اطلاع قبلی تصمیم گرفت بازنشسته شود. این نخستین بار در ۶۰۰ سال اخیر بود که پاپ از مقام خود استعفا می‌داد. اسقف اعظم «بویس آیرس» بار دیگر به روم بازگشت و در ۱۳ مارچ، پس از روزها انتظار، کسی که شاید کمتر از همه انتظار می‌رفت، به بالاترین مقام کلیسای کاتولیک انتخاب شد. اسقف اعظم بویس آیرس نام «فرانسیس» را برای خود برگزید. این اولین پاپ «ژوزئیت» کلیسا است.

### \* پیامبر تاریکی

کاندیدای دوم شخص سال نشریه تایم، «ادوارد اسنودن» بود؛ کسی که میلیون‌ها مدرک سری سازمان امنیت ملی معروف به «NSA» آمریکا را دزدید و در ماه می ۲۰۱۳ ابتدا به هنگ کنگ و سپس در ۲۳ جون به مسکو رفت و یک سال در آنجا پناهندگی گرفت. «اسنودن» بلافاصله از جانب دولت آمریکا به جرم جاسوسی و خیانت مورد تعقیب قانونی قرار گرفت و پاسپورت آمریکایی‌اش باطل شد. اسنودن که از مدت‌ها پیش با «جولیان آسانژ» مبتکر «ویکی لیکز» و طرفداران وی در تماس بود، می‌دانست هر کجا که برود، شبکه‌ای که «جولیان آسانژ» در سراسر دنیا از افرادی که به اصطلاح مبارز آزادی‌های فردی هستند، تشکیل داده، کمک خواهد شد. در حال حاضر نیز یک گروه وکلای بین‌المللی و چند نفر از

(یسوعی) «Jesuit» معروف است پیوست. بنیانگذار ژوزئیت یک کشیش اسپانیولی بود که در قرن ۱۶ میلادی جامعه ژوزئیت‌ها را به وجود آورد. وی دعاها و قواعد ویژه‌ای وضع کرد که می‌گفت زندگی را باید صرف امور خیریه، یادگیری و فروتنی کرد.

منبع الهام پاپ جدید، فردی ایتالیایی به نام «فرانسیس» بود که در قرن ۱۳ میلادی خانواده و شغل پردرآمد بازرگانی خود را رها کرد و به مستمندان پیوست. وی دستورات جدیدی به وجود آورد و به مصر نیز سفر کرد تا شاید بتواند به جنگ‌های صلیبی پایان دهد. فرانسیس پایه اصلی خدمات کشیشی خود را بر اساس بخشش و ترحم گذاشت. پاپ جدید، خود را «فرانسیس» می‌نامد زیرا منبع ارزش‌های اخلاقی و مذهبی‌اش کمک به مستمندان است. در ۱۹۹۸، «جرج ماریو» -پاپ جدید- به مقام اسقف اعظم «بویس آیرس» رسید؛ ولی همچنان در آپارتمان ساده‌ای زندگی می‌کرد و به جای ماشین‌های آخرین مدل، با اتوبوس رفت و آمد می‌کرد.

در ۲۰۰۵، زمانی که جان پل دوم درگذشت، «جرج ماریو» به روم آمد و در ردیف کاردینال‌هایی قرار گرفت که می‌توانستند به مقام «پاپ» برسند. پس از انتخاب «ژوزف راتزینگر» آلمانی، وی به آرژانتین بازگشت.

پارسیایی باشد، می‌تواند بیش از آنکه مرهمی شود زخم وارد کند.

وی می‌گوید: «کلیسا باید مانند بیمارستانی در میدان پس از جنگ باشد که بدون پرسش و وظیفه خود را در مورد رسیدگی به مجروحین بدانند.» نوع پرستی تأکید اوست. «فرانسیس» برای برقراری صلح در سوریه دعا می‌کند، اقتصادی را که موجب تجمع ثروت در طبقه مرفه می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌دهد و در دفاع از محیط زیست سخن می‌گوید. در عین حال اصول مذهب را که مخالف با سقط جنین، ازدواج نکردن کشیش‌هاست، و نظیر آن را همچنان قبول دارد؛ ولی تعهد او در مورد مردم فقیر جهان است و معتقد است نمی‌توان کاپیتالیسم را مؤثرترین برنامه تاریخ دانست زمانی که ۵۰ درصد از ثروت توسط تنها یک درصد از جمعیت کنترل می‌شود. «فرانسیس» یک لیبرال نیست، ولی توجه مردم دنیا را به خود جلب کرده است؛ زیرا منبر خود را از قصر به خیابان آورده و بزرگترین کلیسای جهان را متعهد به تعادل بین قضاوت و بخشش و مهربانی کرده است. این بویژه در زمانی که مذهب در بسیاری از نقاط عامل ترور، خفقان، کشتار و جنایات هستند، می‌تواند امیدوار کننده باشد.

### \* فرانسیس کیست؟

«جرج ماریو برهولیو» «Jorge Mario Bergolio» در «بویس آیرس» پایتخت آرژانتین به دنیا آمده است. پیش از آنکه کشیش شود، مشاغل مانند سرایدار، تکنیسین و معلم ادبیات داشته است. به عنوان کشیش به بخشی از کلیسای کاتولیک که به ژوزئیت

نزدیکان «آسانز» به او کمک می‌کنند.

میلیون‌ها مدرک سری که اسنودن در اختیار روزنامه «گاردین» و «نیویورک تایمز» گذاشت، موجی از اعتراض و شگفتی نه تنها در داخل آمریکا بلکه در خارج از این کشور به وجود آورد و تبدیل به یک بحران دیپلماتیک و سیاسی شد.

البته اسنودن در یکی از مصاحبه‌هایش گفت که آزادی خود را از دست نداده که نشان دهد «NSA» به تلفن «انجلا مرکل» گوش می‌دهد و یا با وسایل الکترونیکی مدارک مربوط به تماشای «پروونوگرافی» به اصطلاح جهادیون را ثبت و جمع آوری می‌کند.

وی گفته است که هدف اصلی‌اش اعلام خطر به جهان بوده است. اسنودن همچنین این عمل خود را به این گونه توجیه می‌کند که «NSA» دائماً مشغول جمع آوری اطلاعات بی‌نهایت زیادی حتی در مورد شهروندان آمریکایی، بدون توجه به قوانین آزادی‌های فردی، بوده است.

اسنودن همچنین گفته است بین برنامه‌های مجاز جاسوسی که در مورد افراد و یا گروه‌های ویژه انجام می‌شود و یک برنامه‌ای که تمام مردم را تحت نظارت قرار می‌دهد تفاوت زیادی هست. اسنودن جوان ۳۰ ساله‌ای که به لحاظ اطلاعات زیادی که در مورد کامپیوتر داشت توانست به «NSA» راه پیدا کند، شاید بزرگترین عمل جاسوسی و دزدی مدارک مهم دولتی را انجام داد. این داستانی است که تنها صفحات آغازین آن نوشته شده و ماه‌ها بلکه سال‌ها ادامه خواهد داشت و پایان آن هنوز مشخص نیست. در آخرین گزارش‌ها آمده است که یک قاضی فدرال در واشنگتن، برنامه جاسوسی «NSA» را که جمع آوری مکالمات تلفنی، مکاتبات ایمیلی و سایر ارتباطات افراد با یکدیگر در داخل و خارج آمریکا است، مغایر با قانون اساسی آمریکا دانسته است.

در عین حال یک قاضی دیگر در نیویورک در پاسخ «انجمن آزادی‌های فردی»



رأی داد که جمع‌آوری این اطلاعات توسط NSA غیر قانونی نیست ولی وسعت این برنامه باید توسط رئیس جمهور و کنگره تعیین شود. به نظر می‌رسد تعیین تکلیف این برنامه عظیم جاسوسی به دادگاه عالی آمریکا خواهد رفت. آنچه که اسنودن آغاز کرد بدون شک تغییراتی در نحوه کار سازمان مهم جاسوسی و جمع آوری اطلاعات به وجود خواهد آورد. نظرات متفاوتی در مورد اسنودن وجود دارد. «پیامبر تاریکی» یکی از آنهاست. زیرا وی پیام آور یک بخش تاریک از برنامه‌های دولتی آمریکا بوده است.

#### \* یک زندانی سیاسی

در ۵ دسامبر خبر درگذشت «نلسون ماندلا» رئیس جمهور و زندانی سیاسی پیشین آفریقای جنوبی، جهان را بار دیگر با داستان خارق‌العاده زندگی این مرد استثنایی آشنا کرد. مردی که ۲۷ سال از بهترین سال‌های زندگی‌اش را در زندان بسر برد.

ماندلا یک زندانی سیاسی مبارز بود که هرگز هدف اصلی‌اش را فراموش نکرد. در حالی که سفید پوستانی که در مسند قدرت بودند او را تروریست می‌خواندند، مردم جهان به طرفداری از وی دست به اعتراض زدند.

زمانی که در ۷۱ سالگی از زندان آزاد شد، اعلام کرد که هیچ نوع احساس دشمنی

نسبت به کسانی که او را برای چنین سالیان درازی در بند کردند، ندارد. و آنگاه به مبارزات صلح جویانه خود ادامه داد تا توانست آپارتاید را از بین برده و به عنوان اولین رئیس جمهور سیاهپوست آفریقای جنوبی انتخاب شود. ماندلا الهام بخش مردم کشورش و سایر مردم مبارز در سراسر جهان بود.

در ۲۱ دسامبر یک زندانی سیاسی دیگر که به دلایل متفاوتی شهرت جهانی داشت بطور غیره منتظره‌ای آزاد شد.

مکائیل خودروکوفسکی که زمانی ثروتمندترین مرد روسیه و رئیس کمپانی نفتی «یوکوس» (Yukos) بود، به جرم خیانت و توطئه علیه «پوتین»، ده سال گذشته را در زندان و اردوگاه کار روسیه بسر برده است.

آزادی این زندانی سیاسی بلافاصله پس از اینکه پوتین اعلام کرد وی را بخشیده انجام شد؛ بطوری که حتی وکلای مدافع او وقتی به زندان رسیدند، «میخائیل» رفته بود. وی را با هلیکوپتر به مسکو آورده و از آنجا با جت شخصی به برلین بردند. حتی مادرش که در مسکو بود از آزادی او خبر نداشت. نظر فعالین سازمان‌های حقوق بشر بر اینست که پوتین برای اینکه در زمان برگزاری المپیک زمستانی، این زندانی یک مشکل سیاسی نشود، با گرفتن ضمانت از وی که به سرعت از روسیه خارج شده و هیچ نوع فعالیت سیاسی نیز انجام ندهد، او را آزاد کرده‌اند. اگر چه دوران حبس وی شش ماه دیگر تمام می‌شد ولی صحبت از جرم‌های تازه‌ای علیه وی بود. میخائیل خودروکوفسکی در طول ده سال، از زندان به فعالیت‌های سیاسی خود علیه خفقان و نقض حقوق بشر در روسیه ادامه داد.

دو تن از نزدیکان وی و روسای کمپانی نفتی هنوز در زندان هستند. صرفنظر از اینکه میخائیل خودروکوفسکی یکی از ثروتمندترین افراد جهان است و ممکن است دزدی و تقلب کرده باشد، ولی جرمش مخالفت با استبداد بوده و این سال‌ها را به عنوان یک زندانی سیاسی در بند



بود. می‌دانستم روزی او را آزاد خواهیم دید. در زندان وقت خود را تلف نکرد. نمی‌دانم چگونه به فکر افتاد از خمیر نان ماشینی که به آنها می‌دادند، مرغ و خروس درست کند. کارش آنچنان هنرمندانه شده بود که آنها را با جزئیات زیبایی نقش و نگار می‌داد و رنگ می‌کرد. به یاد دارم که یکی از آنها را با احساس افتخار به معلم مدرسه‌ام هدیه دادم.

یک بار که به ملاقاتش رفته بودم از او پرسیدم آیا احساس تنهایی نمی‌کنی؟ لبخندی زد و گفت دل‌م برای تو، بچه‌های دیگر، مادرت و بقیه تنگ می‌شود ولی رفقایم با من در زندان هستند.

از تلخ‌ترین خاطراتم، آن روزهایی است که با مادرم به زندان می‌رفتم ولی اجازه ملاقات نمی‌دادند. دیدن پیرزن‌ها، پیرمردها و کودکانی که برای ساعات طولانی در بیرون زندان می‌ایستادند تا شاید بتوانند عزیزان خود را ببینند، از صحنه‌هایی است که هرگز فراموش نمی‌کنم. اگرچه بالاخره از زندان آزاد شد، ولی زخم‌های عمیق روحی و روانی که از دوران تاریک یک زندانی سیاسی مانند شبی همه عمر او را دنبال کرد، هرگز التیامی نیافت.

آن روز ۲۱ دسامبر وقتی روزنامه لوس آنجلس تایمز را باز کردم و عکس مردی را دیدم که با سر کم مو و چهره‌ای حاکی از یک رنج طولانی، ایستاده بود؛ مردی بنام «میخائیل خودروکوفسکی» که پس از ده سال به آزادی رسیده بود، بی‌اختیار به یاد آن سالیان دوری افتادم که یک زندانی سیاسی دیگری آزاد شد. این مرد روسی را نمی‌شناختم ولی در چهره‌اش احساس آشنایی دیدم. احساس درد سکوت. یک زندانی سیاسی در هر جا که باشد و به هر زبانی که سخن گوید با تمام زندانیان سیاسی جهان در تمام دوران احساس مشترکی دارد و آن اجبار به سکوت و تحمل بی‌عدالتی است.

با خود گفتم آزادی حتی یک زندانی سیاسی واقعه مهمی در سال است.



در آن زمان من تنها می‌خواستم احساسات خود را بازگو کنم و او را تشویق کنم که روحیه قوی خود را نگه دارد.

روزی که خبر دادند پس از آن همه تلاش فامیل، او اجازه ملاقات دارد، بزرگترین مزه زندگیم بود. ولی به زودی متوجه شدیم فعلاً تنها همسرش می‌تواند در حضور مأموران او را برای نیم‌ساعت ملاقات کند. با اندوه بسیار نامه‌های بیشتری نوشتیم. ماه‌ها بعد، بالاخره روز موعود فرا رسید. من و مادرم نیز به همراه همسرش به زندان رفتیم. در اتاقی ایستاده بودیم. می‌ترسیدم صدای طپش قلبم را جناب سروان بشنود. با من با مهربانی حرف می‌زدند ولی نمی‌دانستم چگونه جواب دهم. بغض گلویم را گرفته بود. با خود می‌اندیشیدم آیا مقصر دستگیری و حبس او این‌ها هستند.

از دور او را دیدم با قد بلند، ولی لاغر و رنگ پریده بود، موهای سرش به مقدار زیادی ریخته بود. بی‌اختیار اشک از چشمانم سرازیر شد.

آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم. مرا صدا کرد و سپس رو به جناب سروان گفت، آن نامه‌هایی که شما هر روز می‌خوانید این دختر کوچک نوشته است. حتی در زندان، روزهای خوشبختی ما بود زیرا که اعدام و حبس ابد به دو سال زندان انفرادی با شکنجه تبدیل شده

بوده است.

زندانی شدن به دلایل سیاسی در هر نقطه دنیا و هر زمانی که باشد یکی از دردناکترین تجربه‌های انسانی است.

اینکه شخصی برای ابراز عقیده و حتی مخالفت با آنچه به طور معمول اختناق و بی‌عدالتی است به زندان افتاده و شکنجه شود، بزرگترین نقض حقوق بشر است. خاموش کردن صدای هر نوع ابراز مخالفتی توسط رهبران خشن، بی‌رحم و دیکتاتور، هنوز یک تراژدی انسانی حل نشده در بسیاری از نقاط دنیا است. هدف رژیم‌های خودکامه و ظالم اینست که با دستگیری، حبس و شکنجه انسان‌های شجاع و عدالت‌جو، روح انسانی آنها را کشته و نابود کنند. هر زندانی سیاسی که در بند است، همسر، فرزند، مادر، پدر، خواهر، برادر، فامیل، و یاران وی نیز به نوعی در بند غم، درد و احساس ناتوانی همراه با خشم هستند. دختر کوچکی بودم هشت یا نه ساله که یکی از افراد نزدیک خانواده‌ام به جرم خیانت و توطئه علیه رژیم سابق به زندان افتاد. ابتدا به اعدام، سپس حبس ابد و پس از مدت‌ها دوندگی و کوشش فامیل و رفقایم بالاخره به دو سال زندان انفرادی همراه با شکنجه محکوم شد. پیش از این واقعه غالباً نزد او و همسرش می‌رفتم، دوستانش را می‌شناختم. از اینکه صحبت از کتاب و سیاست بود کنجکاو بودم. وقتی که به زندان رفت، غم بسیار بزرگی به خانه ما آمد. مادرم غالب شب‌ها گریه می‌کرد. همسرش بسیار غمگین و بیمار شده بود.

در آن سنین همیشه پرسش من این بود که گناه واقعی او چیست؟

گاه که از بزرگترها می‌پرسیدم، جواب این بود، زندانی سیاسی است. پدرم که مرا خیلی پریشان حال می‌دید، به من پیشنهاد کرد برایش نامه بنویسم. تحقیق کرده بود که حالا می‌تواند نامه دریافت کند. پدرم برای اطلاع من گفت که در ضمن همه نامه‌ها را بازرسی می‌کنند.

و امپراتور روم گردید. در این قدرت دو گانه سرانجام پاپ بر امپراتور غلبه کرد، و از آن پس کلیسا خود مأمور اجرای بی‌عدالتی و خشونت‌های دولتی، این بار به نام دین و «قوانین الهی» شد.

در سال ۳۸۰ میلادی تئودوسیوس اول، امپراتور روم، مسیحیت را دین رسمی دولت اعلام نمود. با ادغام دین و دولت و سرانجام سقوط امپراتوری روم، عمده‌تاً به دلیل اقتصادی، یعنی ناتوانی در پرداخت هزینه‌های گزاف نگهداری سرزمین‌های گسترده امپراتوری که روزی منبع کسب درآمد برای آنها بود و البته حمله قبایل ژرمن از شمال اروپا، مسیحیت جای امپراتوری روم را گرفت. ادغام نهاد دین و دولت همچنین روند اضمحلال تمدن روم و یونان باستان را تسریع نمود که در قرون وسطای میانه (هشتم تا سیزدهم) به تباهی کشیده شد و تا جدایی دوباره این دو نهاد قدرت از یکدیگر در دوره مدرن، به صورت یکی از موانع پیشرفت غرب باقی ماند.<sup>[۱]</sup> با سقوط امپراتوری روم، دولت دینی روم شرقی یا بیزانس در قسطنطنیه تا تسخیر آن توسط نیروهای اسلامی دوام یافت. با تسلط کلیسا بر تمام سرزمین‌های امپراتوری در قرن پنجم، امپراتوری پنتارکی (Pentarchy) یا حکومت جهان

گذشته از درستی و یا نادرستی این برداشت، وسوسه قدرت و ثروت و سلطه بر جان و مال مردم، آنچنان برای کلیسا جذاب بود که در توجیه نفی این اصل، به قوانین خود ساخته الهی متوسل شد؛ دین را به فجیع‌ترین انواع خشونت آلوده کرد و جوامع را به فساد و تباهی کشاند. جدایی دین از دولت یک ضرورت کارشناسی و کارکردی، یک اصل پیشرفت جامعه و نیاز حفظ سلامت هر دو نهاد است.

در آغاز پیدایش مسیحیت، کلیساها به نخستین تشکلهای مدنی در برابر تشکل سیاسی (دولت) و مدافع حقوق انسانی بدل شدند. در قرن نخست میلادی، مسیحیت از تعدادی از کلیساهای مستقل از هم (کلیسا به معنی اجتماع و کم‌کم محل اجتماع) در شهرها و استان‌ها زیر سیطره امپراتوری روم تشکیل می‌شد. اما دین مسیح پایه گرفت و در قرن چهارم، کلیسا به سیستمی با قدرت واحد و متمرکز و وسوسه کسب قدرت دولتی بدل گردید. تمرکز، نخستین گام در نفی نقش جامعه مدنی کلیساها و همچنین رها کردن نقش دفاع از حقوق شهروندان بود. از سوی دیگر، شکل‌گیری قدرت متمرکز کلیسا، باعث ایجاد تنش و رقابت بر سر قدرت میان پاپ

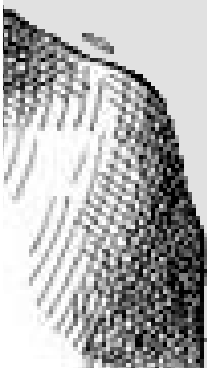
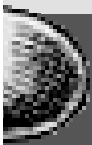
چکیده بخش نخست: در بخش نخست این مقاله نشان داده شد در حالی که برخی از کشورهای هم‌ردیف ایران در سی و پنج سال گذشته، از رشد اقتصادی ۷ تا ۱۰ درصد برخوردار بودند و به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند، رشد دهم و نیم درصدی ایران، پس از انقلاب ۱۳۵۷ به یک و نیم درصد و در سال گذشته به رشد منفی ۴/۵ درصد کاهش یافت. مقاله عوامل این وضعیت را نخست مدیریت روحانیان و نظامیان بر کشور، و دوم جدا افتادن ایران از اراهه تمدن غرب و اقتصاد جهان به دلیل اعتقادی، ایدئولوژیک و سیاسی دانسته است. در این بخش، تجارب تاریخی سلطه روحانیان و نظامیان بر قدرت سیاسی در جوامع دیگر، و در بخش سوم جدا افتادن ایران از اراهه تمدن غرب و اقتصاد جهانی توضیح داده خواهد شد.

#### \* سلطه روحانیان

در تاریخ مسیحیت، از عیسی مسیح نقل شده است که به پیروان خود گفته است: «کارهای مربوط به قیصر را به او واگذار کنید و کارهای خدایی را به خدا». برخی پژوهشگران این توصیه را پایه فکری و فلسفی جدایی دین از دولت (حکومت سکولار) در غرب دانسته‌اند.

# آیا ایران بار دیگر عقب می‌ماند؟

کازم علمداری



محافظ منافع ملی آن تهی ساخت. رشد و پیشرفت و رقابت دو ابرقدرت دینی اسلام و مسیحیت در سده‌های میانی، به نام دین و آزاد سازی سرزمین مسیحیت یا اسلام از دست کفار، طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ بشریت را به همراه داشته است. بطوری که می‌توان گفت زمانی که دین با انگیزه منافع مالی و قدرت سیاسی همراه شود، به همان اندازه که عامل وحدت بخشی میان مؤمنان است، عامل ایجاد تنش، خشونت و کشتار نوع بشر نیز بوده است. در اروپای قرون وسطا، پس از سال‌ها

روز مانند ایران، مصر و بیزانس (روم شرقی) را به تصرف درآورد. این امر در آغاز سبب شکوفایی «تمدن اسلامی» و دگرگونی‌هایی در فرهنگ قبایل عرب شد، ولی به دلیل ادغام دین و دولت، بعد از قرن چهارم هجری، این تمدن رو به افول گذاشت.

آمیخته شدن دین با سیاست و قدرت دولتی نه تنها عامل مناقشه‌های برون دینی، بلکه درون دینی نیز شد که هنوز و همچنان ادامه دارد. سراسر تاریخ مسیحیت و اسلام با اینگونه مناقشه‌ها و کشمکش‌های خشونت بار همراه بوده است. در اسلام همزمان با جنگ‌های برون دینی، مناقشه‌های خونین درون دینی نیز پس از فوت پیامبر بالا گرفت که هنوز ادامه دارد. این خشونت‌ها نه ناشی از دین، بلکه ناشی از سیاسی کردن دین و ادغام آن با قدرت دولتی بوده است. این واقعیت در دوره سی و پنج ساله عمر جمهوری اسلامی به وضوح دیده شده است که چگونه ادغام دین و دولت، دین را از ویژگی‌های مدنی، اجتماعی، اخلاقی آن دور و به ابزار توجیه و کاربرد خشونت و منافع گروه‌های حاکم بدل کرد و نهاد دولت را از کارکرد تخصصی، کاربردی و مرجع و

مسیحیت، با تکیه بر پنج پایه قدرت کلیسا (Cathedral of Bishop)، یعنی روم، قسطنطنیه، اسکندریه، اورشلیم، و جماعت یا امت مسیحی (Community) به وجود آمد. اما این فرمانروایی در قرن هفتم با چالش جدیدی روبرو شد.

فرمانروایی سیاسی جهان مسیحیت با پیدایش امپراتوری اسلام در قرن هفتم میلادی و تصرف بخشی از زمین‌هایی که مسیحیت بر آن حکمرانی داشت، با کشمکش‌های دینی، تاریخی و خسارت‌های بزرگ انسانی همراه شد. اگر مسیحیت در قرن چهارم میلادی با ادغام در دولت بر امپراتور پیروز شد، و با سقوط دولت روم صاحب امپراتوری آن شد، اسلام از آغاز با ادغام دین و دولت و کشورگشایی ظهور یافت و بخشی از تمدن‌های جهان آن

طرح از: مانا نیستانی



ویل دورانت می‌نویسد، تاریخ‌دانان کاتولیک در قرن ۱۶ یک سوم دارایی آلمان و یک پنجم دارایی فرانسه را متعلق به کلیسا می‌دانند. نزدیک به ده قرن (پنجم تا پانزدهم میلادی) دوره تاریک (Dark Ages) اروپا نام گرفته است. سلطه کلیسا بویژه در قرون وسطای میانی بر زندگی مردم، نقش ویرانگری در تاریخ اروپا داشته است. کلیسا در سده‌های ۱۱ تا ۱۳، اروپا را درگیر عملیات نظامی و کشورگشایی و جنگ‌های دویست ساله صلیبی، طولانی‌ترین جنگ در تاریخ بشریت کرد؛ و در دوره‌هایی دیگر، باز با توجیه دفاع از دین، مانع آزادی جامعه، رشد خلاقیت‌های علمی، ادبی، هنری، فلسفی شد؛ و با برپایی دادگاه‌های تفتیش عقاید، گستراندن خرافات، هزاران نفر را قربانی اراده دینی - سیاسی خود کرد و زندگی مردم عادی را نیز زیر کنترل خشونت بار خود قرار داد.

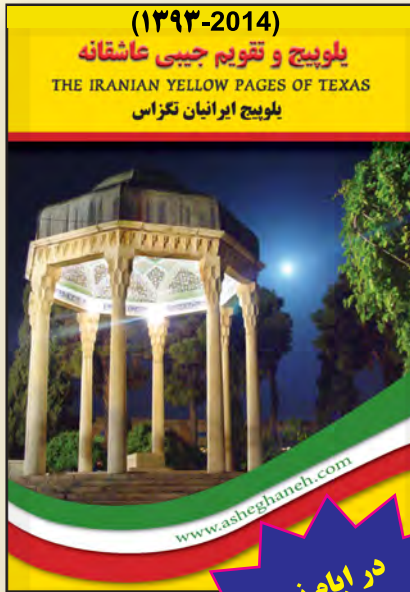
بقیه در صفحه ۸۸

کلیسا به دلیل اعتقادی با دمکراسی و همچنین سرمایه‌داری مخالف بود. ادعای کلیسا این بود که قانون‌گذاری توسط اکثریت با اخلاق مغایر است. توجیه این ادعا، آموزه (دکترین) مسیحیت به «گناه اولیه»، به دلیل خطای «آدم» و «حوا» در بهشت بود، که همه انسان‌ها را گناهکار و خطاپذیر کرده است و خواست آزاد بودن انسان را از بین برده است.<sup>[۲]</sup> این اعتقاد زمینه‌ساز فکری مخالفت کلیسا با آزادی و دمکراسی و توجیهی برای کنترل رفتار و افکار انسان و سلطه بر دستگاه قدرت سیاسی و قضایی بود. بدین معنی که رأی انسانی که گناه «آدم» به اولاد او منتقل شده است نباید ملاک امور دنیوی قرار بگیرد و تنها کلیسا می‌تواند برای آنها تصمیم بگیرد و «قوانین الهی» را به آنها ارائه دهد. با تکیه بر عدالت‌خواهی مسیح، سودبری سرمایه‌داری نیز مجاز نبود. این ادعاها زمانی اعمال می‌شد که کلیسای کاتولیک خود صاحب بزرگترین دارایی‌ها در کشورهای اروپایی، و خود متحد فتودال‌ها بود.

تقابل میان دولت کلیسا و دولت‌های ناحیه‌ای، سرانجام به قدرت سه‌گانه و موازی پادشاهان، فتودال‌ها و کلیسا انجامید. چنین تقسیم قدرتی در جهان اسلام رخ نداد؛ تقسیم قدرتی که در اولین پارلمان‌های انگلستان (۱۲۶۵) و فرانسه (۱۳۰۲) بازتاب یافت. در قدرت موازی این نهادها و رقابت آنها با یکدیگر، هسته‌های دمکراسی نیز وجود داشت، ولی خودکامگی سیاسی و جزم‌های دینی و ادغام آنها با یکدیگر مانع رشد آن شد. اگر کشورهای اروپایی در قرن سیزدهم میلادی صاحب پارلمان شدند، کشورهای اسلامی از جمله ایران در قرن بیستم نیز در برابر این نهاد قانون‌گذاری مردم مقاومت کردند و بخشی از روحانیت در کنار استبداد دولتی در صدد نابودی آن برآمدند و آنچه امروز باقی مانده است از محتوایی واقعی مجلس نمایندگان مردم بسیار فاصله دارد. زیرا این نهاد بیش از آنکه نماینده اراده آزاد مردم باشد، ابزار توجیه قدرت حاکم است و همانند دستگاه قضایی از استقلال برخوردار نیست.



طرح از: مانا نیستانی



(۱۳۹۳-۲۰۱۴)

یلوپیج و تقویم جیبی عاشقانه

THE IRANIAN YELLOW PAGES OF TEXAS

یلوپیج ایرانیان تگزاس

در ایام نوروز  
۱۳۹۳  
منتشر می شوند

انتشارات عاشقانه تقدیم می کند

The Iranian Yellow Pages of Texas

یلوپیج و تقویم جیبی عاشقانه

و

تقویم دیواری عاشقانه

آخرین مهلت درج آگهی ۱۵ فوریه می باشد

چرا نام و آگهی شغل شما در یلوپیج جیبی

و تقویم دیواری عاشقانه نباشد؟

713-973-8686

Call us Today to place your Ad!

www.Asheghaneh.com

بهترین هدیه  
نوروزی  
با تیرازی بالا



آژانس مسافرتی اسکای ویز

Where in the world .... You Are Going!

نمایندگی شرکتهای هوایی

- لوفتانزا
- ک - ال - ام
- ایر فرانس
- شرکت هواپیمائی ترکیه
- شرکت هواپیمائی قطر
- بریتیش ایر ویز
- شرکت هواپیمائی اطیش
- شرکت هواپیمائی کویت
- هواپیمائی امارات

ارزانترین قیمت و بهترین  
شرایط را از ما بخواهید!

با امکانات و قراردادهائی که بین اسکای ویز تراول و شرکتهای  
بین المللی هوایی وجود دارد، مسافری می توانند از نقاط مختلف  
جهان به مقصد خود مسافرت کنند.

(713) 621-9300

Fax: (713) 621-9391

10550 Richmond Ste#150 Houston, TX 77042

سفره عقد رویا

زیباترین و رویایی ترین شب زندگی خود را با ما تجربه کنید



مجری سفره های عقد سنتی ومدرن ایرانی  
قبول سفارشات سفره آرای شمع آرای و گل آرای رایگان  
بهمراه هدیه به یاد ماندنی وخاطره انگیز به عروس و داماد

936-645-3531

936-462-9864

royarazavi@gmail.com

سرویس برتر در مشاوره املاک

مهندس شهرام ابری

مسکونی - تجاری - سرمایه گذاری

در صورت خرید خانه  
یک ماه وام (Mortgage) شما را  
پرداخت میکنیم

لطفاً این کوین را هنگام بازدید با خود بیاورید

SHOWCASE PROPERTIES  
OF TEXAS

1708-B Washington Ave.  
Houston TX 77007

**Sean Abri (Broker) 281-380-0438**  
**www.iAssistRealty.com**

LOTUS TAX SERVICES

TIME FOR TAXES



www.lotus-groups.com/tax

\* فایل Tax در اسرع وقت

\* هر گونه مشاوره در زمینه مالیات سالیانه بصورت رایگان

\* اگر به هر دلیلی نمی توانید به آفیس ما بیایید، نگران

نباشید ما به آفیس یا منزل شما می آییم و Tax شما را

فایل می کنیم.

Call us Today: 832.273.0761

12527 WHITTINGTON DR, Houston, TX 77077

Fabfaces

Makeup Artist  
Hair Designer  
آرایش و گریم عروس

Weddings  
Occasions  
Events  
Parties

832.755.8428

آزاده - Azadeh

تماشای تلویزیونهای ایرانی، ارمنی، افغانی، هندی، پاکستانی، عربی و کانالهای متنوع خارجی  
**با نصب دیش و بدون نصب دیش**

**ماهواره بین المللی**  
 International Satellite

بدون پرداخت هزینه ماهواره  
 فروش فوق العاده رسیورهای ایرانی

**برای خرید و نصب:**

**دیش و رسیورهای ۲۴ ساعته ایرانی**

با تلفن زیر تماس بگیرید.

**خسرو ۷۱۳ - ۷۷۱ - ۱۱۰۴**

**manoto** 1  
من و تو

**FARSI**  
فارسی

**GEM USA**  
GEM

**PMUSIC**  
MUSIC  
PMC MUSIC

**BBC**  
فارسی

بی بی سی فارسی

**V.A**  
صدای آمریکا

**PNG**  
PNG

**IRIB 2**

**ITN**  
ITN

**IDN**  
IPN

**MTC**  
Melli

**ITC**  
ITC

**Channel One**

**NITV**

**Pars**  
Pars Estimating TV

**TAPESH**  
TAPESH

**PB TV**  
Persian Bazar

**AV**  
Andisheh

**OMID IRAN**  
Omid e Iran

**DIDAR**

**Time TV**  
Time

**Appadana**

**Ten**

**Iran Music**

**Sitars**  
 Photography & Video

فیلمبرداری  
 عکسبرداری

جشن تولد  
 نامزدی  
 عقد و عروسی  
 سالگرد ازدواج  
 فارغ التحصیلی

**HD**

**شهره**  
 713-771-1104

تخم مرغهای جادویی نوروزی

مژده مژده  
 تخم مرغ جادویی رسید  
 مژده مژده

با ۱۲ طرح و رنگ مختلف بدون نیاز به رنگ و نقاشی در کمتر از ۵ ثانیه

قنادی آرموند (جنب فونیشیا)  
 ۲۸۱ - ۶۷۹ - ۹۴۴۴  
 ۷۱۳ - ۷۷۱ - ۱۱۰۴

## سالن آرایش Elegant Cuts



- جدیدترین کوپ های
- فشن با استایل برای خانم ها
- و آقایان
- کالر و هایلایت و لولایت
- اکستنشن مو
- صاف کردن مو با کراتین
- شنینون و میکاپ عروس
- همراه گریم
- بند ابرو
- وکس کامل بدن

افسانه امین با تجربه کار در ایران و آمریکا

Tell : (832) 252 - 8026 1523 WALNUT BEND LN  
Cell : (832) 646 - 6810 HOUSTON, TX 77042

## سفره عقد پیوند

ارائه کننده زیباترین انواع سفره های عقد

تزیین زیبا ترین و سنتی ترین سفره عقد در مدت کوتاه



**Elegant Persian  
Wedding Decoration**  
by Monir

سفره هفت سین

سفره عقد و عروسی

دکوراسیون برای جشن تولد

و فارغ التحصیلی و جشن نامزدی

انواع سفره های سنتی

منیره هدایت نژاد

281-579-3380

832-646-3001

## AA Remodeling & Repars

تجاری و مسکونی

- Plumbing
- Painting
- Sheetrock
- Fencing
- Flooring
- Roofing
- Siding
- Electrical

- لوله کشی
- نقاشی ساختمان
- تعمیرات ساختمان
- نرده
- کفپوش و موکت
- تعمیرات سقف
- نمای ساختمان
- برق کاری



با مدیریت قاسم

**Gus Afhami**

Tell: 281-398-4323

Cell: 832-788-9324



## حسن روحانی: سه دهه دشمنی با آمریکا را می توان به دوستی تبدیل کرد



سرمايه‌گذاري اقتصادي در ايران تاكيد كرد و از سياستمداران و سرمايه‌گذاران خارجي خواست به ايران سفر كنند. در چهل و چهارمين اجلاس داووس؛ كه همواره با محوريت اقتصاد برگزار مي شود، بيش از چهل تن از روساي جمهور و نخست وزيران كشورهاي مختلف شركت كردند. البته شايد ذكر است كه در كنار شخصيت هاي اقتصادي و سياسي برجسته جهان، بيش از تن از شخصيت هاي علمي و فرهنگي نظير برندگان جايزه نوبل، برخي رهبران مذهبي، نمايندگان سنديكاهها و سازمان هاي مختلف جهاني نيز در اين اجلاس حضور داشتند.

حسن روحاني پيش از سخنراني در اجلاس اقتصاد جهاني داووس، با شبكه تلويزيوني «آر.تي.اس» سوئيس مصاحبه كرد. به گزارش رويترز، او در اين گفت و گو در پاسخ به سوالي مبني بر اينكه آيا امكان بازگشايي سفارت آمريكا در تهران وجود دارد؟ گفت: «هيچ دشمني اي تا ابد پايدار نمي ماند، همچنين هيچ دوستي نيز ابدي نيست. بنا بر اين بايد دشمني ها را به دوستي تبديل كنيم. با كمی تلاش از هر دو طرف، امكان رفع سه دهه دشمني بين ايران و آمريكا و ارتباط دوستانه وجود دارد.» روحاني در مراسم افتتاحيه چهل و چهارمين اجلاس اقتصاد جهاني داووس نيز سخنراني كرد. او در بخشي از سخنراني خود گفت: «حوادث و تحولات شش سال اخير در اقتصاد جهاني نشان داد كه هيچ كس نمي تواند تنها زندگي كند. هيچ كشوري نمي تواند بي اعتنا به ديگران مسائل خود را حل كند و هيچ بنگاه اقتصادي نمي تواند بدون ايفاي مسووليت اجتماعي خود به رشد پايدار دست يابد.» او همچنين بر ضرورت

## برگزاری دور بعدی مذاکرات اتمی ایران و ۱+۵ در نیویورک



ماه نوامبر گذشته امضا شد، ايران در يك برنامه شش ماهه فعاليت هاي اتمي خود را محدود خواهد كرد و در مقابل بخشي از تحريم هاي اقتصادي جامعه جهاني عليه ايران کاهش مي يابد.

ايران و قدرت هاي جهاني اميدوارند كه توافقنامه موقت اتمي راه را براي يك قرارداد نهايي بين دو طرف هموار سازد. قرار است دو طرف براي گفتگو در باره اجرائي كام نهايي، در اواخر بهمن ماه به پای میز مذاکره بازگردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، در دیدار محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، با کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در حاشیه اجلاس داووس در ژنو اعلام شد که «مذاکرات برای گام نهایی توافق ژنو اواخر بهمن ماه بین ایران و ۱+۵ ادامه خواهد یافت.»

گام اول توافقنامه اتمی ایران با قدرت های جهانی از ۲۰ ژانویه به مرحله اجرائی رسید. بر اساس توافقنامه اتمی ژنو که در



## تنها مؤسسه «پیشگیری از آزار جنسی کودکان در ایران»



موسسه «پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان» برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط خانم شهین علیایی زند، استاد دانشگاه علامه، دکتر روان‌شناس، به دلیل اهمیت تاثیر مخرب سوء استفاده جنسی در تغییر مسیر زندگی کودکان در ایران، تاسیس شد و تاکنون تنها با امکانات شخصی به کار خود ادامه داده است.

اهداف این موسسه:

الف- پیشگیری اولیه و ثانویه از آزار جنسی کودکان و نوجوانان با استفاده از تشکیل کارگاه های آموزشی، سخنرانی و نشست های انفرادی

ب- تحقیق در باره مسایل جنسی

ج- انتشار کتاب و نشریه درباره مسایل جنسی

فعالیت فعلی موسسه به زمینه های گوناگون آزار جنسی کودکان و آگاهی رسانی متمرکز شده است و این کارگاه ها برای پدران و مادران، آموزگاران، مربیان مهد کودک ها و کودکان تشکیل می شود. آدرس خانم دکتر شهین علیایی زند:

shahin.oliyaezand@gmail.com

## آمریکا تحریم علیه ۱۴ شرکت پتروشیمی ایران را لغو کرده است



واشینگتن سال گذشته صنعت پتروشیمی ایران را مورد تحریم قرار داد، و یکی از مقام‌های دولت باراک اوباما نیز اعلام کرد که اقدام فوق به این جهت انجام شد که پتروشیمی به «یکی از منابع اصلی درآمد خارجی ایران» تبدیل شده است.

خبرگزاری ایسنا روز دوشنبه از قول اداره بازرگانی شرکت پتروشیمی جم واقع در عسلویه در جنوب ایران نوشت که در راستای لغو تحریم صادرات پتروشیمی، نام ۱۴ شرکت پتروشیمی ایرانی از جمله شرکت جم، از لیست دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) حذف شد. این لغو شامل کلیه محدودیت‌های مالی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل می‌باشد.

نام ۱۴ شرکت مذکور در این گزارش عبارت است از: بندر امام، بوعلی سینا، مبین، نوری، پارس، تندگویان، شازند، تبریز، جم، قائد بصیر، مرجان، پولی نار، صدف عسلویه، آریا ساسول.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، شرکت ملی نفت ایران و شرکت پایانه‌های نفتی ایران نیز از فهرست تحریم‌ها خارج شده‌اند.

از ابتدای بهمن ماه سال جاری و پس از توافق ایران و گروه ۵+۱ تحریم پوشش‌های

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ایران تا پیش از افزایش تحریم‌ها سالانه ۵۰۰ هزار تن متانول به اروپا صادر می‌کرد که هم اکنون بخش عمده این محصولات پتروشیمی در بازارهای هند و چین عرضه می‌شود.

## بالا بودن جرائم مرتبط با مواد مخدر و مصرف آن در میان زنان



زهرای بنیایان مشاور دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در امور زنان و خانواده با تشریح فعالیت‌های این ستاد در کاهش اعتیاد زنان، به آمار ۹.۳ درصدی اعتیاد زنان، بالا بودن جرائم مرتبط با مواد مخدر در میان زنان، پایین آمدن سن مصرف مواد مخدر تا ۱۵ سالگی، گفت: بیشترین زنان معتاد در رده سنی ۲۰ تا ۳۶ هستند که بیشتر گرایش آنها به استفاده از مواد مخدر تریاک، شیشه، الکل و کراک افغانی است؛ و از ۷ هزار و ۳۷۷ زن زندانی در کشور، ۶۰ درصد آنها به دلایل مرتبط با جرایم اعتیاد و مواد مخدر به زندان راه پیدا کردند که بیشتر آنها خود از این مواد مخدر استفاده می‌کردند. وی با بیان اینکه بیشترین سوء استفاده از زنان در حوزه جابجایی

مواد مخدر است، توضیح داد: بیشترین جرم زنان، مرتبط با مواد مخدر است که در نهایت آنها به زندان راه پیدا کرده و عموماً نیز بازگشت به زندگی این گروه از زنان با توجه به نگاه و فرهنگ عمومی جامعه سخت‌تر از مردان است. وی در توضیح میزان سواد زنان معتاد گفت: در آمارهای به دست آمده ۳ درصد از زنان معتاد بی سواد مطلق، ۱۵ درصد سواد ابتدایی، ۱۵ درصد راهنمایی، ۴۱ درصد دیپلمه، ۹ درصد فوق دیپلم، ۱۰ درصد مدرک کارشناسی دارند که این آمار نشان دهنده آن است که اعتیاد دیگر تنها به سراغ افراد بی سواد و ناآگاه نمی‌رود بلکه اعتیاد تمام آحاد جامعه بویژه افراد تحصیل کرده را تهدید می‌کند. مهمترین علل گرایش زنان به مصرف مواد مخدر، کسب لذت، کنجکاوی، تفریح، اختلافات روحی روانی، در دسترس بودن مواد مخدر، اصرار دوستان، کاهش علائم بیماری، اختلافات خانوادگی و رفع مشکلات جنسی اعلام شده است.

## روزنامه‌نگاران خواستار بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران شدند



بیش از ۷۷۰ خبرنگار و روزنامه‌نگار در نامه‌ای به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، خواستار بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران شدند.

این روزنامه‌نگاران در نامه خود گفته‌اند که انتظار داشتند «بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به عنوان یکی از اقدامات انجام شده در کارنامه ۱۰۰ روز اول فعالیت دولت

تدبیر و امید اعلام می‌شد» و از اینکه «این اتفاق به هر دلیلی رخ نداد»، ابراز تاسف کرده‌اند. این روزنامه‌نگاران ابراز امیدواری کرده‌اند که «پیش از پایان صد روز دوم دولت»، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بازگشایی شود تا «نسیم تدبیر و امید بیش از هر زمانی در کالبد روزنامه‌نگاری کشور دمیده شود.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران که در آغاز روی کار آمدن دولت محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ تأسیس شد، چند ماه پس از آغاز دولت دوم محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۸، با فشار وزارت کار و امور اجتماعی و به حکم سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران تعطیل شد.

حسن روحانی در نخستین نشست خبری خود با رسانه‌ها پس از انتخاب به عنوان رئیس دولت یازدهم وعده داد که «نه تنها» انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بلکه «همه انجمن‌ها را باید بر اساس قانون فعال کرد» اما غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، دادستان کل کشور و سخنگوی قوه قضائیه، ۱۶ دی ماه امسال گفت که بخاطر سیاسی بودن کار قبلی انجمن، بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تنها «با اعضای جدید و اساسنامه تازه» امکان‌پذیر خواهد بود.

## ارکستر سمفونیک پیتزبورگ آمریکا در فکر سفر به ایران

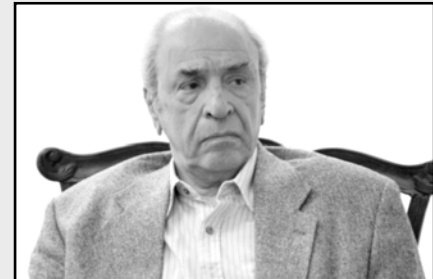


به گزارش خبرگزاری آسوشیتد پرس، ارکستر سمفونیک شهر پیتزبورگ و «انستیتو خاورمیانه» در آمریکا در مورد سفر احتمالی این ارکستر، پس از نیم قرن، برای اجرای برنامه در ایران که قرار است در ماه سپتامبر اجرا شود با مقامات ایرانی در حال مذاکره هستند.

«رابرت مویر» از مسئولان ارکستر سمفونیک پیتزبورگ می‌گوید: «سفر یک ارکستر می‌تواند از نظر تماس فرهنگی و گشودن درهای دیپلماسی بین دو کشور نقش مهم و تاریخ‌سازی ایفا کند. در صورت اجرای یک چنین برنامه‌ای ارکستر سمفونیک پیتزبورگ تلاش خواهد کرد در ایران آثار موسیقیدان‌های ایرانی و آمریکایی را با بهره‌گیری از تکنوازان ایرانی اجرا کند. مسئولان ارکستر نیز تأکید می‌کنند که دریافت یک دعوتنامه رسمی از سوی دولت ایران و موضوع امنیت از جمله مسائل مهمی هستند که روی پیشبرد این برنامه تأثیر تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت.»

## درگذشت مازیار پرتو،

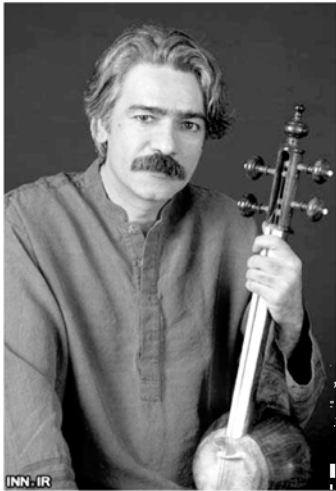
### فیلمبردار قدیمی سینمای ایران



مازیار پرتو، فیلمبردار قدیمی سینمای ایران چهارشنبه دوم بهمن (۲۲ ژانویه) در کالیفرنیا آمریکا درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. فیلم‌های مشهوری چون قیصر، «طوقی»، «روز واقعه»، «تهران روزگار نو»، «بخش‌هایی از سریال هزار دستان»، «آدم برفی»، «باباشمل»، «برزخی‌ها»، «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «کفش‌های میرزانوروز»، «سفر جادویی» و «اصحاب کهف» از فیلم‌ها و سریال‌هایی بود که او فیلمبرداری کرده بود. در فیلم مستند «قیصر، چهل سال بعد» مازیار پرتو، خاطراتش را در مورد فیلمبرداری فیلم «قیصر» ساخته مسعود کیمیایی نقل کرد. مازیار پرتو دارای مدرک تحصیلی دیپلم هنرستان صنعتی تهران بود و با گذراندن دوره فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز در تهران (در سال ۱۳۳۲) در وزارت فرهنگ و هنر به عنوان فیلمبردار فیلم‌های گزارشی، خبری و مستند، استخدام شد.

پرتو چند فیلم سینمایی را هم کارگردانی و تدوین کرده بود. گرگ بیزار (۱۳۵۲)، پخمه (۱۳۵۱) و مردان روزگار (۱۳۴۸) سه فیلمی است که او کارگردانی آن را بر عهده داشت. خانه سینمای ایران به پاس قدردانی از این هنرمند مراسم یادبودی را برای او در تهران برگزار کرد.

## «کیهان کلهر» و «اردال ارزنجان» برندگان جایزه بهترین آلبوم «موسیقی جهان»



ارکستر فیلارمونیک نیویورک وی را به هنرمندی جهانی تبدیل کرده است و شنوندگان بسیاری در بین غیرایرانی‌ها دارد.

وی مدتها عضو گروه «دستان» بود و در کنسرت‌های این گروه به همراه شهرام ناظری به نوازندگی و تنظیم پرداخت. از میان این آثار می‌توان به «سفر به دیگر سو» و دو اثر دیگر که در ایران انتشار نیافته‌اند، اشاره کرد.

پس از جدایی از گروه دستان و آغاز فعالیت‌های مستقل با موسیقیدان‌های خارجی، با همکاری اساتید موسیقی سنتی ایران، محمد رضا شجریان و حسین علیزاده آثاری را پدید آورد که شامل شش آلبوم «زمستان است»، «بی تو به سر نمی‌شود»، «فریاد»، «ساز خاموش»، «شب، سکوت، کویر» و «سرود مهر» می‌شوند.

وی همراه با نوازنده بائلامای ترکیه، اردال ارزنجان، کنسرت‌هایی را هم در مناطق مختلف جهان در حال اجرا دارد و آلبومی نیز با این نوازنده ترک به نام The Wind منتشر کرده است.

آلبوم موسیقی «Kula Kulluk Yakisir Mi» که اثر مشترک کیهان کلهر نوازنده چیره‌دست کمانچه و اردال ارزنجان (نوازنده بائلاما اهل ترکیه) محسوب می‌شود، از سوی منتقدین موسیقی آلمان عنوان بهترین آلبوم «world music» را دریافت کرد.

این در حالی است که پیش از این، همین اثر مشترک، در فهرست مجله «سانگ لاینز» جزو بهترین آلبوم‌های سال ۲۰۱۳ معرفی شده بود. «کیهان کلهر»، یکی از پرکارترین نوازندگان کمانچه در عرصه بین‌المللی است که نقش بسیار مهمی را در معرفی موسیقی ایرانی به جهانیان داشته، و تاکنون چهاربار نامزد جایزه «گرمی» شده است. کیهان کلهر در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای کرمانشاهی و موسیقی‌دوست در تهران چشم به جهان گشود. آموزش موسیقی را از پنج سالگی به صورت آزاد آغاز کرد. دوازده ساله بود که به صورت حرفه‌ای به موسیقی پرداخت و در ۱۳ سالگی با ارکستر رادیو تلویزیون کرمانشاه آغاز به همکاری کرد. مدتی کوتاه با گروه «شیدا» همکار بود. در هفده سالگی مقیم ایتالیا شد و سپس به نیت ادامه تحصیل راهی کانادا شد و در رشته آهنگسازی از دانشگاه کارلتون اتاوا فارغ‌التحصیل شد.

همکاری او با هنرمندان هندی از جمله «شجاعت حسین خان» (غزل) و با کوارتت کرونوس (Kronos Quartet) (جاده ابریشم)، یویوما و

## شیرین نشاط جایزه کریستال اجلاس داووس را دریافت کرد



سه شنبه اول بهمن ماه ۹۲، شیرین نشاط، عکاس و فیلمساز ایرانی، به همراه مت دیمن، بازیگر هالیوود و آندیگو فلورز، هنرمندی از کشور پرو، جایزه کریستال را که سالانه در آغاز مجمع جهانی اقتصاد به هنرمندان متعهد در عرصه‌های اجتماعی، محیط زیست و حقوق بشر اهدا می‌شود، دریافت کرد.

نشاط در سخنرانی خود به هنگام دریافت این جایزه ضمن اشاره به وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و دینی در کشور و فشار حکومت بر هنرمندان و آزار و اذیت آنها، خطاب به حسن روحانی گفت که اگر در چند دهه گذشته هنرمندان و روشنفکران ایرانی از منزلت ملی ما در جهان محافظت کرده‌اند حالا این وظیفه به او محول شده و این بار نوبت رئیس‌جمهور است که «نجات‌دهنده ملت ما» باشد.

ما علی‌رغم طبقات اجتماعی و مذهبی که داریم، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه یهود، همه ایرانی هستیم. یک تصویر جدید از کشور ارائه بدهید که بتواند الگویی برای صلح و دموکراسی و عدالت باشد.»

شیرین نشاط پیام خود به حسن روحانی را چنین ادامه می‌دهد: «ایرانیان داخل و خارج از کشور به شدت آسیب دیده‌اند، دچار تفرقه شده‌اند. به آنها اتحاد و دموکراسی را نشان بدهید. نشان بدهید که

## دعوت آمریکا از تیم ملی والیبال ایران

فدراسیون والیبال آمریکا با ارسال نامه ای از تیم ملی والیبال ایران برای انجام چهار دیدار دوستانه و برگزاری یک اردوی آمادگی از ۷ تا ۱۷ آگوست ۲۰۱۴ به طور رسمی دعوت کرد.

به گزارش سایت فدراسیون والیبال ایران، بر اساس برنامه اعلام شده، تیم ملی کشورمان در تاریخ های ۹، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ آگوست با تیم ملی والیبال آمریکا چهار دیدار دوستانه در شهر لس آنجلس برگزار خواهد کرد. لازم به ذکر است، آمریکایی ها کلیه هزینه های تیم ملی ایران را برای ۱۹ نفر در این سفر ۱۰ روزه تقبل کرده اند.

## مجید سعیدی و عکس‌هایی که جایزهٔ دوله‌گا را برد



جمعه ۲۷ دی‌ماه ۹۲، مجید سعیدی، عکاس خبری ایرانی، به خاطر مجموعه عکس «زندگی در جنگ» به عنوان برندهٔ سومین جایزهٔ «لوکاس دوله‌گا» معرفی شد. او در این مجموعه عکس به زندگی مردم افغانستان پرداخته است.

کریستف دولوار دبیر اول

مجموعه عکس سعیدی که از میان ۱۴۸ کاندید برگزیده شده، به موضوعاتی غیر از جنگ تعلق دارد. موضوع آن ها، مردمی هستند که قربانی جنگ شدند و در کنار این جنگ دارند زندگی می‌کنند.

ریاست داوران امسال را اتریس توپین، سردبیر بخش عکس مجلهٔ «نول ابزواتور» برعهده داشت. این جایزه جمعه شب در محل شهرداری پاریس به مجید سعیدی اهدا شد.

سازمان گزارشگران، عکس‌های مجید سعیدی را «تصویری حقیقی» از مردمی توصیف کرد که در مناطق جنگی به گروگان گرفته شده‌اند. جایزه لوکاس دوله‌گا هر سال به عکاسان خبری مستقلی اهدا می‌شود که به گفته این انجمن در راه دفاع از «آزادی اطلاع رسانی» تلاش می‌کنند. این جایزه شامل نشان دوله‌گا و مبلغی حدود ده هزار یورو پول نقد است و همچنین یک بدنه دوربین عکاسی نیکون.

# ATLAS

International Travel, Inc

**Best fare to Europe, Middle East,  
Africa, and Tehran**

**آژانس مسافرتی اطلس اینترنشنال**  
بهترین قیمت به ایران و دیگر نقاط جهان

6065 Roswell Rd, Suite 525 Atlanta, GA 30328

[www.flyatlas.com](http://www.flyatlas.com)

800-230-4726

404-252-6877

## Carpet Cleaning & more! Truck-Mounted Unit

انجام کلیه خدمات شستشو، خشک کردن  
و لکه گیری موکت، مبلمان در کوتاهترین مدت

Air Duct Cleaning



هدف ما جلب رضایت شماست

افشین 713.855.0317

## دکتر مهناز مسکوب

**MAHNAZ MESSKOUB**

**D.D.S, M.S.**

متخصص درمان ریشه دندان

*Root Canal  
Therapy*

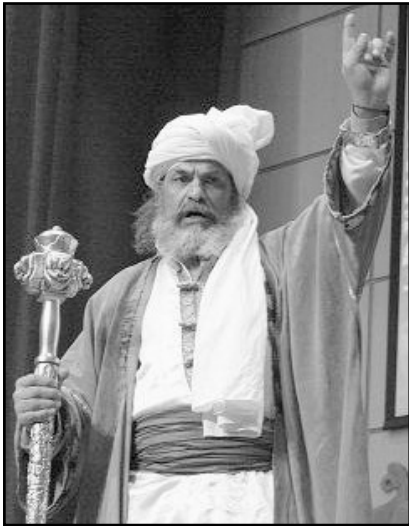
9400 Westheimer

Suite #1

Houston, Texas 77063

با تعیین وقت قبلی

**713-932-7730**

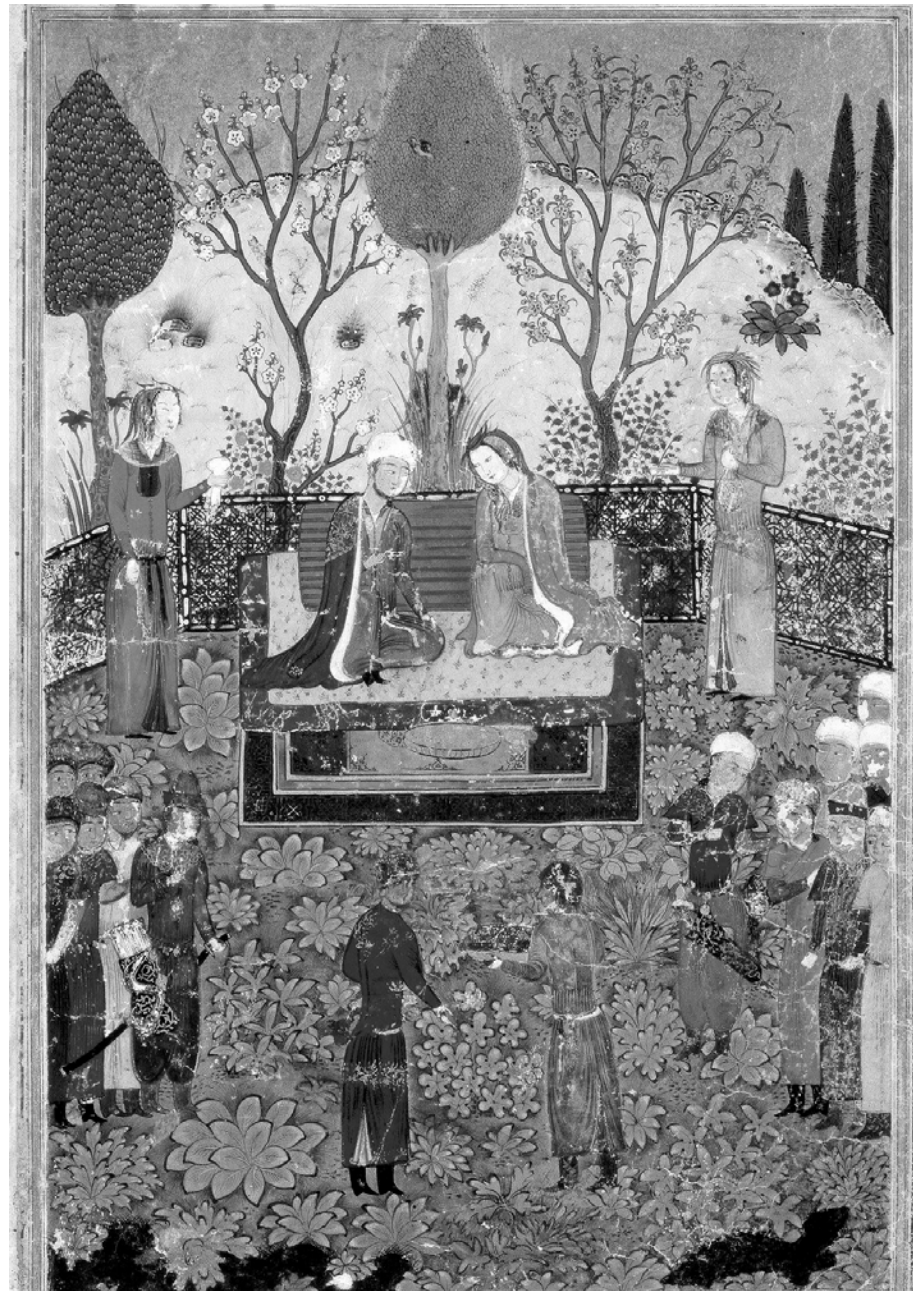


امیر صادقی

# داستان سیاوش

## بخش پانزدهم

خواندیم که سیاوش تصمیم می‌گیرد که برای دور بودن از کاووس شاه، به توران زمین برود؛ و از طرفی افراسیاب با رایزنی پیران، موبد توانا، بهترین کار را در این می‌بیند که سیاوش را که شاهزاده‌ای شایسته و خردمند است به توران بخواند چون در این صورت جنگ‌های توران و ایران هم به پایان می‌رسد. سیاوش نامه‌ای برای پدرش کاووس شاه می‌فرستد و پدر را از رفتن خود به توران زمین آگاه می‌سازد و سپس راهی توران زمین می‌شود در آنجا مورد استقبال گرم قرار می‌گیرد و بسی زر و گهر به زیر پای او می‌ریزند. سیاوش از دوری ایران زمین غمین و ناراحت است و افراسیاب می‌کوشد محیط را برای او مهیا سازد و کاخی بدو اختصاص می‌دهد. و با او به چوگان بازی و شکار می‌پردازد. سرانجام پیران به سیاوش پیشنهاد می‌دهد که ازدواج کند و از میان دختران خود او و افراسیاب و گرسیوز، همسری برگزیند. سیاوش که دل در گرو جریره دختر پیران دارد، او را به همسری خود در می‌آورد. اما پس از مدتی، پیران برای پایبندی بیشتر سیاوش در توران و محافظت از او، صلاح را در این می‌بیند که سیاوش با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج کند. لذا به سیاوش پیشنهاد می‌دهد. سیاوش ابتدا راضی نمی‌شود و می‌گوید:



ز تیغ و ز مهر و ز تخت و کلاه  
پیران پاسخ می‌دهد که برای خود چیزی  
نمی‌خواهم و به برکت وجود شاه، در بی نیازی  
کامل روزگار می‌گذرانم:

خردمند پاسخ چنین داد باز  
که از تو مبادا جهان بی نیاز  
مرا حاجت از خواهش خویش نیست  
کس از مهتران تو درویش نیست  
بلکه به جهت سیاوش است که به حضور شاه  
رسیده‌ام و خواسته‌ای دارم که اگر شاه فرمان  
دهد بسی سرفراز خواهم شد و دیگر آرزویی  
در دل نخواهم داشت.

ز بهر سیاوش پیامی دراز  
رسانم به گوش سپهبد به راز  
مرا گفت با شاه ترکان بگوی  
که من شاد دل گشتم و نامجوی  
بپروردم چون پدر در کنار  
همه شادی آورد بخت تو بار  
کنون همچنین کدخدایی بساز  
به نیک و بد از تو نیم بی‌نیاز  
پس پرده تو یکی دخترست  
که ایوان و تخت مرا در خورست  
فرنگیس خواند همی مادرش  
شود شاد اگر باشم اندر خورش  
اکنون من به خاطر سازش و آرامش دو  
کشور از شاه تمنا دارم دخت زیبای خود  
فرنگیس را به عقد سیاوش در آورد که این  
کار بس پسندیده و مورد خرسندی بزرگان دو  
کشور است و کاوس شاه بزرگ نیز شادمان  
خواهد شد.

پیران تا سپیده صبح با افراسیاب به گفتگو  
می‌نشیند که اگر سیاوش و فرنگیس پیمان  
زناشویی ببندند و فرزندی از این دو پدید بیاید  
بر هر دو کشور فرمانروایی خواهد کرد. فرزند  
تو و فرزند کاوس، شادی را برای ما به ارمغان  
خواهند آورد.

از این دو نژاده یکی تاجور

همه این رادمردان را به خاطر کاوس و سودابه  
از نظر نهان می‌دارم و به توران زمین خانه  
می‌سازم و نیک می‌دانم این نیز خواسته  
یزدان بزرگ و تواناست.

چو از روی ایشان ببايد برید  
به توران همی خانه باید گزید  
پدر باش و این کدخدایی بساز  
مگو این سخن با زمین جز به راز  
گر بخت باشد مرا نیکخواه  
همانا دهد ره به پیمان شاه  
همی گفت و مژگان پر از آب کرد  
همی بر کشید از جگر باد سرد  
بدو گفت پیران که با روزگار  
بسازد خرد یافته مرد کار  
و سیاوش را پند می‌دهد که:  
نیابی گذر تو ز گردان سپهر  
کزویست آرام و پرخاش و مهر

پیران، چرخ گردان و سپهر بلند را مسئول  
این دگرگونی‌ها می‌داند. سیاوش را تنگ در  
بر می‌گیرد و سر و رویش را دیر می‌بوسد و  
می‌افزاید:

به ایران اگر دوستان داشتی  
به یزدان سپردی و بگذاشتی  
بگفت این و بر تافت از پیش اوی  
چو آگاه شد از کم و بیش اوی  
به شادی بیامد به درگاه شاه  
فرود آمد و برگشادند راه

پیران پس از اینکه سیاوش را با پیوند با  
دخت افراسیاب راضی می‌کند، به کردار باد  
به سوی افراسیاب می‌خرامد تا مقدمات کار  
را فراهم سازد. افراسیاب با دیدن پیران، او  
را در نزدیکی خود به تخت می‌نشاند. پیران،  
گزارش کارها را بدو می‌دهد. افراسیاب پیران  
را می‌ستاید و به او می‌گوید:

سپاه و زر و گنج من پیش توست  
مرا سودمندی به کم بیش توست  
ز بسیار و اندک چه خواهی بخواه

ولیکن مرا با جریره نفس  
برآید نخواهم جز او هیچکس  
نه در بند گاهم نه در بند جاه  
نه خورشید خواهم نه روشن کلاه  
بسازیم با هم به نیک و به بد  
نخواهم جز او گر به من بد رسد  
بدو گفت پیران که من کار اوی  
بسازم تو بگذر ز تیمار اوی

پیران، اما، چاره کار سیاوش را درین  
می‌بیند که با دخت افراسیاب ازدواج کند چرا  
که افراسیاب ممکن است بر کار پیران خرده  
بگیرد و روزگار همه را سیاه و تپاه کند، پس یک  
راه بیشتر وجود ندارد، آن هم اینکه سیاوش با  
افراسیاب درآمیزد. پیران بزرگ واقعا سیاوش  
را دوست می‌دارد و برای آرامش او از هیچ  
کاری روی گردان نیست حتی اگر به زیان خود  
و دخترش تمام شود.

درین کار، ناکام بهبود توست  
زیان من است این ولی سود توست  
سیاوش گفت ای خردمند پیر  
اگر بود خواهد سخن ناگزیر

من در ایران زمین جای ندارم و کاوس هم  
شوق دیدار مرا ندارد پس هرچه می‌خواهی  
بکن که فرمان تراست چرا که من نیز تو را  
مانند پدر دوست می‌دارم.  
سپس سیاوش آهی از جگر بر می‌کشد و  
می‌گوید:

اگر من به ایران نخواهم رسید  
نخواهم همی روی کاووس دید  
اما نیک بدان که دلبستگی من به ایران زمین  
و رستم دستان است و عشق این دو از دل من  
بیرون نخواهد شد. همچنین دوستانی دارم که  
هرگز از یاد من بیرون نخواهند شد.

چو دستان که پروردگار من است  
تهمتن که خرم بهار من است  
چو بهرام و چون زنگه شاوران  
جزین نامداران و کنداوران

بیاید برآرد به خورشید سر  
 به ایران و توران بود شهریار  
 دو کشور برآساید از کارزار  
 ز تخم فریدون و از کیقباد  
 فروزنده‌تر زین نباشد نژاد  
 سرانجام افراسیاب با اصرار پیران  
 درمی‌یابد که این پیوند به صلاح دو ملت است  
 و هر دو کشور روی آسایش خواهند دید. پس  
 کلام خود را با خرد می‌آمیزد و،  
 به پیران چنین گفت پس شهریار  
 که رای تو بر بد نیاید به کار  
 به فرمان و رای تو کردم سخن  
 تو شو، هرچه دانی و خواهی بکن  
 به پیران اختیار تام داده او را مامور این مهم  
 قرار می‌دهد. پیران، زمین ادب می‌بوسد و،  
 دوتا گشت پیران و بردش نماز<sup>۱</sup>  
 بسی آفرین کرد و برگشت باز  
 پاسی به سپیده صبح نمانده که پیران  
 شادمان به سوی سیاوش می‌شتابد و خبر  
 رضایت افراسیاب را از پیوند سیاوش و  
 فرنگیس بازمی‌گوید.  
 به نزد سیاوش خرامید زود  
 بر او برشمرد آن کجا رفته بود  
 نشستند شادان همه شب به هم  
 به باده بشستند جان را ز غم  
 روز بعد پیران دست به کار می‌شود و به  
 فرمان افراسیاب کمر می‌بندد و همراه گلشهر،  
 همسرش،  
 ز سیمین و زرین شتروار سی  
 طبق‌ها و از جامه پارسی  
 یکی تخت زرین و کرسی چهار  
 سه نعلین زرین زبرجد نگار  
 پرستنده سیصد به زرین کلاه  
 ز خویشان نزدیک صد نیک‌خواه  
 پرستار با جام زرین دویست  
 تو گفתי به ایوان درون جای نیست  
 همی صد طبق مشک و صد زعفران  
 همی رفت گلشهر با خواهران  
 به زرین عماری به دیبا جلیل

برفتند با خواسته خیل خیل  
 بیاورد بانو ز بهر نثار  
 ز دینار با خویشتن صد هزار  
 همه این خواسته‌ها و هدایا را جمع آوری  
 می‌کنند و به همراه بزرگان کشوری و لشکری  
 به کاخ افراسیاب رهسپار می‌شوند و سرانجام  
 به کاخ فرنگیس می‌رسند.  
 به نزد فرنگیس بردند چیز  
 زبان‌ها پر از آفرین بود نیز  
 زمین را بوسید گلشهر و گفت  
 که خورشید را گشته ناهید جفت  
 گلشهر زن بزرگواری است که به جهت  
 صلاح کار دامادش، سیاوش، دخت افراسیاب  
 را برای او خواستگاری می‌کند. پیوند سر  
 می‌گیرد و افراسیاب و پیران در مورد چگونگی  
 این وصلت به رای می‌نشینند و سخن‌های  
 شایسته به جای می‌آورند.  
 وزان روی پیران و افراسیاب  
 ز بهر سیاوش همه پرشتاب  
 بدادند دختر به آیین خویش  
 چنان چون بود در خور دین و کیش  
 خور و ماه با هم چو پیوسته شد  
 دل هر دو بر یکدیگر بسته شد  
 سیاوش چو روی فرنگیس دید  
 سراپای آن ماه چون بنگرید  
 قدی دید سرو و رخی دید ماه  
 فروهشته دیده دو زلف سیاه  
 دو رخسار زیباش همچون قمر  
 دو چشمش ستاره به وقت سحر  
 دهانی پر از دُر لبی چون عقیق  
 تو گفתי ورا زهره آمد رفیق  
 دهان و لبش بود گوهر نشان  
 سخن گفتنش بود گوهر نشان  
 فرشته به خوی و چو عنبر به بوی  
 به دل مهربان و به جان مهرجوی  
 نبود اندرو نیز یک چیز زشت  
 تو گفתי مگر حور بود از بهشت  
 سیاوش فرنگیس را چو ماه، و از هر جهت  
 آراسته و شایسته می‌یابد و سرشار از عشق،

به روزگار خویش می‌اندیشد. سرنوشت، او را  
 به کجا خواهد برد؟  
 سیاوش چو خورشید و او ماه بود  
 خور و ماه با هم چه دلخواه بود  
 بیودند با یکدیگر شادمان  
 فرودی همی هر زمان مهرشان  
 یک هفته به شادی می‌گذرد. رامشگران  
 دمی آسایش ندارند و مردم توران، شب و روز  
 به هلهله مشغول هستند. زیر سم اسبان عود  
 و زعفران می‌ریزند. افراسیاب سر به ابر کشیده  
 و دیگر آرزویی ندارد. فرزند او با سیاوش، فرزند  
 کاوس شاه بزرگ، پیوسته است و دو کشور را از  
 آن خود می‌داند.  
 پیران و گلشهر به کردار مادر و پدر  
 سیاوش خرسند از این ازدواج دمی به آرامی  
 نمی‌گذرانند و شادمانی، تمامی توران زمین را  
 در بر می‌گیرد. خواب از چشمان تورانیان رخت  
 بر بسته است.  
 و شب و روز به خوشی می‌رود.  
 به یک هفته مرغان و ماهی نخفت  
 نیامد سر یک تن اندر نهفت  
 زمین گشت خرم کران تا کران  
 ز شادی و آواز رامشگران  
 افراسیاب بخشی از کشور توران را به  
 عنوان هدیه به سیاوش و فرنگیس می‌دهد تا  
 برای خود شهری بسازند. سیاوش، سخاوت  
 افراسیاب را سپاس می‌گوید.  
 برین کار بگذشت یک هفته نیز  
 سپهبد بیاراست بسیار چیز  
 ز اسبان تازی و از گوسفند  
 هم از جوشن و خود و گرز و کمند  
 ز دینار و از بدره‌های درم  
 ز پوشیدنی‌ها و از بیش و کم  
 وز آن مرز تا پیش دریای چین  
 همه نام بردند شهر و زمین  
 به فرسنگ صد بود بالای اوی  
 نشایست پیمود پهنای اوی

۱. نماز بردن: کرنش کردن، تعظیم کردن





**SORUSH  
MONTAZARI**  
دستیار فارسی زبان

# THE FORESTER LAW FIRM

DON FORESTER WITH 38 YEARS OF EXPERIENCE

## AREAS OF PRACTICE:

**IMMIGRATION:**

**ASYLUM**, FAMILY PETITIONS, CITIZENSHIP,  
FIANCÉ VISAS, & DEPORTATION

**CRIMINAL:** (DWI, DRUG CHARGES)

**AUTO ACCIDENTS** امور مهاجرت: پناهندگی دینی و سیاسی

**DIVORCE** امور جنائی

**WILLS & PROBATE** امور تصادفات

**CORPORATIONS** و طلاق



Licensed by U.S. Supreme Court

**DON FORESTER**

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

**OFFICE: (713) 528-4668**

**DIRECT: (713) 408-9403**

3015 CAROLINE ST., HOUSTON, TX 77004

[WWW.DONFORESTERLAW.COM](http://WWW.DONFORESTERLAW.COM)

Licensed by TX Supreme Court. Not Certified by TX Board of Legal Specialization in any one area.

## ADVANCED ENGLISH and PROFESSIONAL TRAINING for FEDERAL CAREER OPPORTUNITIES

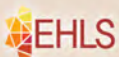
**Full scholarships available** for US citizens with a college degree who are native speakers of **Persian Farsi, Dari, Tajik**, and other languages.

**EHLS** trains advanced English speakers to be **effective communicators** and **strong candidates for federal jobs**. Courses and training take place in Washington, DC.

### Attend an informational online webinar!

Thursday, Feb. 20 2:00-3:00 PM CST    Monday, Mar. 17 1:00-2:00 PM CDT    Wednesday, Apr. 16 3:00-4:00 PM CDT

More information and dates at [www.ehlsprogram.org](http://www.ehlsprogram.org)



202-384-1265



PEDIATRIC  
X-RAYFAMILY CLINIC  
HILLCROFT  
WOMEN'S CENTERPHYSICIAN  
LAB  
DENTISTPHARMACY  
PHYSICAL  
THERAPY

## مرکز پزشکی ایرانیان در هوستون

### مطب پزشکی دکتر فروغ فریزنی ، پزشک خانواده

اغلب بیمه های درمانی خصوصی و دولتی  
(Medicare, Medicaid) پذیرفته میشود.



مشاوره پزشکی، درمان، و مراقبت های پزشکی  
در زمینه های مختلف پزشکی

- Check-Up سالانه بچه ها و بزرگسالان
- واکسیناسیون سالانه بچه ها
- Check-Up سالانه زنان، Pap-S و آزمایش حاملگی
- جلوگیری از حاملگی و درمان یائسگی
- تزریق واکسن سرماخوردگی
- معالجه Pneumonia ( ذات الریه )
- تشخیص و درمان بیماریهای زنان
- صدمات ناشی از کار
- سوانح اتومبیل و ورزش
- تشخیص و درمان آلرژی
- آزمایشات خون وادرار
- Strep Throat
- EKG (نوار قلبی)
- درمان اضافه وزن • ترک سیگار



- آزمایشات بدنی برای گزارش به مدارس ، اداره مهاجرت ، شرکتها و غیره
- آزمایشات بدنی برای تشخیص و جلوگیری از بیماریها ازقبیل:
- بیماری قند • فشار خون
- ناراحتیهای کبدی و کلیوی
- ناراحتیهای غده تیروئید
- دردهای روماتیسمی و آرتروز
- دردهای استخوانی و بویکی استخوان
- پروستات در آقایان • کلسترول
- سوء هاضمه و ناراحتیهای معده و روده
- کم خونی • بیماریهای پوستی
- امراض بیماری ادرار
- بیماریهای عصبی • سر درد
- اضطراب • افسردگی

medical center.cdr

# (713) 988-3921

6400 Hillcroft • Houston, Tx 77081

Weekdays 8:30 - 5:00 • Sat.: 9:00 - 12:00



دکتر علی شعاعی



دکتر لیلا ضیافت

مطب دندانپزشکی

خدمات دندانپزشکی برای هموطنان گرامی

**ALSA DENTAL**

Ali Shoae D.D.S.  
Leyla S. Ziafat D.D.S.

Family and Cosmetic Dentistry

**Phone: 832-230-5222**

**Fax: 832-200-3161**

1013 Dairy Ashford Houston, Texas 77079

[www.alsadental.com](http://www.alsadental.com)

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

**LAW OFFICES  
OF  
MARSHALL TAHERI**

CIVIL AND COMMERCIAL LITIGATION  
CRIMINAL DEFENSE - FEDERAL AND STATE COURTS  
INTERNATIONAL BUSINESS LITIGATION  
PERSONAL INJURY AND WRONGFUL DEATH  
U.S. CUSTOMS, IMMIGRATION, AND INTERNATIONAL TRADE

Houston	713.871.0000
Dallas	214.871.0000
Los Angeles	310.557.0000
New York	212.247.0000
Washington, D.C.	202.333.0000

[www.marshalltaheri.com](http://www.marshalltaheri.com)

More than 40 years experience and Professor of Law

Consultation by appointment only

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.



**Pain Relief**

Chiropractic Clinic

دکتر همایون مهاجر

دکتر پریسا مهاجر

دارای برد تخصصی در کایروپراکتیک

عضو انجمن کایروپراکتیک آمریکا و ایالت تگزاس

**صدمات ناشی از کار و تصادفات**

- زمین خوردگی
- درمان دردهای گردن، کمر و دست و پا
- صدمات ناشی از ورزش
- ← درمان ناراحتی های مفصلی، عضلانی و عصبی
- ← دیسک گردن و کمر و کمر دردهای پس از زایمان
- ← سر دردهای مزمن و میگرن

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته میشود.

6223 Richmond Ave, Ste. 105  
Houston, TX 77057

**713-784-8189**

**دکتر آزیتا مجیدی**

**جراح پلاستیک**

با تخصص از فرانسه و آمریکا  
[www.DrAzitaMadjidi.com](http://www.DrAzitaMadjidi.com)

جراحی زیبایی و ترمیمی:

• صورت • سینه • شکم

- Botox™
- Fillers
- Breast implants
- Breast lift
- Tummy tuck
- Lip Implant
- Liposuction



Azita Madjidi, MD, MS, PA

Plastic Surgery  
6624 Fannin, Suite 2390  
Houston, TX 77030

**713 797 1000**

# احزاب سیاسی ایران

## احزاب سیاسی ایران در نخستین سال‌های سلطنت محمد رضا شاه

### محمود نفیسی

دیکتاتوری رسیده بود، به منظور توجیه رژیم جابر و غاصب خود و ایجاد یک پایگاه توده‌ای، فکر تشکیل احزاب سیاسی - احزاب دولتی - را مطرح کرد و دو نفر از خدمتگزاران خود، منوچهر اقبال و اسدالله علم را به ایجاد احزاب میلیون و مردم گماشت. درباره نحوه تشکیل این دو حزب و ترکیب اعضا و مرامنامه و اساسنامه آنها بحث نمی‌کنیم؛ این خود بحثی جداگانه است و ولی همین قدر می‌گوئیم که یکی از دلایل مهم تشکیل این دو حزب، وجود حزب توده ایران بود.

شاه به منظور انحراف توجه عمومی از حزب توده ایران، به منظور جلوگیری از بسط فعالیت و قدرت آن، به شبه احزابی برای اغفال احتیاج داشت. او، احزاب «ملیون» و «مردم» را در درجه اول برای آن به وجود آورد تا وجود حزب توده ایران و سایر احزاب ملی را منتفی کند؛ ولی سیر حوادث نشان داد که نظر شاه تا چه اندازه دور از واقعیت بوده است.

«حزب سازی شاه: تا سال ۱۳۳۶ جز یک دوره کوتاه - دوران حکومت احمد قوام - دولت‌ها و دربار ایران از احزاب سیاسی تبری می‌جستند و احزاب سیاسی را سازمان‌های نفاق انگیز و مخرب به شمار می‌آوردند. در سال ۱۳۲۵ احمد قوام، نخست وزیر وقت، حزب دموکرات ایران را تشکیل داد. غرض او از تشکیل این حزب مقابله با حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان بود.

قوام در تشکیل سازمان‌های این حزب از حزب توده ایران تقلید کرد. او در قبال هر سازمان حزب توده، سازمان مشابهی به وجود آورد و با استفاده از انواع امکانات دولتی عده‌ای را در این سازمان‌ها گرد آورد. انتخابات دوره پانزدهم مجلس نیز به وسیله همین حزب انجام گرفت و عده‌ای از دستیاران قوام به مجلس راه یافتند.

قوام تصور می‌کرد به وسیله اکثریتی که در مجلس به وجود آورده است، خواهد توانست لااقل تا ختم دوره پانزدهم مجلس به نخست وزیر ادامه دهد ولی در همان نخستین روزهای افتتاح مجلس، وفاق نمایندگان منتخب او به نفاق انجامید و اکثریتش به اقلیت مبدل شد و همان‌ها که به وسیله او به مجلس راه یافته بودند، از روی گرداندن و موجبات سقوط دولت او را فراهم کردند. در سال‌های بعد، دیگر هیچ یک از زمامداران ایران به فکر تشکیل حزب نیفتادند.

تجربه قوام تجربه‌ای تلخ بود. حتی دکتر محمد مصدق نیز با اینکه به جبهه ملی متکی بود، به تشکیل حزب سیاسی تن نداد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه که به

مه‌ره‌ه‌ای رژی‌م و پاره‌ای تغییرات سطحی راه ترقی و سعادت ملت گشوده خواهد شد. افکار آشفته و متشتت بود.

مخصوصاً نسل جوان ایران، در آشفتگی روحی شدیدی بسر می‌برد. در همه جا جنب و جوش شدیدی محسوس بود. ولی کمتر کسی بود که هدف صحیح و روشنی در نظر داشته باشد. عده زیادی در صدد تشکیل احزاب سیاسی برآمدند ولی نخست آنکه مفهوم حزب معلوم نبود و دوم آنکه نمی‌دانستند که حزب چه وظایفی بر عهده دارد و برای اجرای این وظائف چه باید بکند.

جنگ دوم جهانی با شدت ادامه داشت و نیروهای هیتلری به قلب اتحاد شوروی نزدیک می‌شدند. کابوس وحشتناک تسلط فاشیسم دنیا را تهدید می‌کرد ولی مردم ایران از ماهیت فاشیسم بی‌خبر بودند و بسیاری از مردم ساده به خاطر نفرت از امپریالیسم انگلستان به پیروزی هیتلر و قوای جرار آن ابراز امید می‌کردند. این خود نیز خطر بزرگی بود. در چنین شرایط آشفته‌ای حزب توده ایران به وجود آمد. دشمنان حزب توده ایران درباره آن مطالب فراوان گفته‌اند. اتهامات فراوانی بر آن وارد کرده‌اند، ولی حقیقت چیست؟ صادقانه داور کنیم. حزب توده ایران یک مکتب بزرگ اجتماعی بود که به تشکیل و تنویر افکار و آموزش مردم زحمتکش و میهن پرست ایران همت گماشت و در بحبویه آشفتگی بعد از شهریور ۱۳۲۰ چون مشعل فروزانی در اجتماع ایران پرتو افکن شد. آنچه حزب توده ایران می‌گفت و می‌خواست برای اجتماع ایران تازگی داشت.

مردم ایران برای نخستین بار با مفاهیم تازه‌ای روبرو می‌شدند. و از اجتماع، طبقات اجتماع، مبارزه طبقاتی، درباره رژیم، دولت، قانون و درباره مظاهر گوناگون حیات، مطالب تازه و نویی می‌شنیدند.

حزب توده ایران با یک ایدئولوژی نوین اجتماعی مسلح بود. حوادث اجتماعی را از زاویه معین و به شکل مشخصی تحلیل می‌کرد. برای



## خدمات مهم اجتماعی و سیاسی

### حزب توده ایران:

حزب توده ایران مبشر دوران جدیدی در اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورها بود. حکومت استبدادی بیست ساله رضاشاه، خاک قبرستان بر ایران پاشیده بود. یک نسل ایرانی در بی‌خبری کامل از اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان بسر می‌برد. خروج رضاشاه از ایران پرده سکوت را پاره کرد، قلم‌ها آزاد و زبان‌ها باز شد. ولی آنچه نوشته و گفته شد، جز دم رژیم گذشته و اندرز به رژیم جدید چیزی نبود. ملت جویای آزادی، عدالت اجتماعی و حکومت قانون بود؛ ولی در اجتماع ایران کمتر کسی می‌دانست که مفهوم واقعی آزادی، عدالت اجتماعی و حکومت قانون و مفاهیم مشابه چیست. عده‌ای تصور می‌کردند که با خروج رضاشاه از ایران، آزادی ملت تأمین شده است. عده‌ای دیگر تصور می‌کردند که با پس و پیش کردن بعضی از

**حزب توده ایران  
مبشر دوران جدیدی  
در اوضاع سیاسی و  
اجتماعی کشورها  
بود. خروج رضاشاه  
از ایران پرده سکوت  
را پاره کرد، قلم‌ها  
آزاد و زبان‌ها  
باز شد**

مسأله ارضی و حل آن به طریق رادیکال، یعنی از راه تقسیم بلاعوض اراضی فئودالها و ملاکین بزرگ میان دهقانان برای نخستین از طرف حزب توده ایران مطرح شد. قبل از حزب توده ایران، مالکیت فئودالی و مالکیت بزرگ ارضی یک امر مقدس و تغییر ناپذیر به شمار می آمد. توده عظیم دهقانی ایران، یعنی قریب ۷۰ درصد از جمعیت کشور زیر فشار فئودالها و ملاکین بزرگ قرار داشت و وحشیانه استثمار می شد ولی تحمل فشار و استثمار را یک قانون طبیعی می دانست.

حزب توده ایران با شعار تقسیم بلاعوض اراضی فئودالها و مالکین بزرگ در بسیاری از روستاهای ایران راه یافت و به شکل بخش قابل توجهی از دهقانان در اتحادیه های دهقانی موفق شد. در دوران اوج نهضت در سال ۱۳۲۴، در اصفهان قریب ۱۵۰ هزار نفر در اتحادیه های دهقانی نام نویسی کردند. در شهرستان های یزد و ملایر، بروجرد، کرمان اتحادیه های نیرومند دهقانی به وجود آمد.

در آذربایجان فرقه دمکرات، قوای فدائی خود را از دهقانان تشکیل داد و به درهم شکستن قدرت سرمایه داران و مالکین بزرگ و تقسیم اراضی آنها میان دهقانان بی چیز و کم چیز توفیق یافت.

بسط مبارزه دهقانان در روستاهای ایران اندیشه اصلاح ارضی که امروز حتی در محافل حاکمه ایران نیز وجود دارد، محصول مبارزه حزب توده ایران است. این حزب توده ایران بود که به دهقان ایرانی گفت، رنج و شکنجه او یک امر محتوم نیست؛ رژیم اربابی - رعیتی امری است قراردادی که با مبارزه می توان آن را از میان برد.

این حزب توده ایران بود که رژیم مذکور را به عنوان مانع بزرگ تکامل صنعتی و اقتصادی ایران به جامعه ایران معرفی کرد. در زمینه سیاسی خدمات حزب توده ایران شگرف است، قبل از حزب توده ایران از انگلستان به عنوان عامل بدبختی و مُصیبت مردم ایران فراوان یاد می شد ولی معلوم نبود این انگلستان که اینگونه با کینه و نفرت از آن یاد می شده کیست؟ وسیله تسلط آن چیست؟ راه مبارزه با آن کدام است؟ گذشته از آن، امپریالیسم نیرومند آمریکا، آلمان و فرانسه را مردم ایران نمی شناختند.

عده ای حتی شکست انگلستان را به وسیله قوای هیتلری، وسیله نجات ایران به شمار می آوردند. گروهی فکر می کردند که آمریکا از اغراض استعماری خالی است. آنها تسلط نفوذ آمریکا را در ایران، وسیله تضعیف قدرت انگلستان و تقویت استقلال و حاکمیت ملی ایران به شمار می آوردند. حزب توده

شرکت کنندگان زیادتری عملی شد. رشد کمی صنایع ایران در دوران رضاشاه، ایجاد کارخانه های دولتی و شخصی، تکامل صنایع نفت و احداث راه آهن سرتاسری، پرولتاریای صنعتی ایران را به وجود آورده بود. حزب توده ایران، پرولتاریای صنعتی ایران را متشکل کرد و به تشکیل سازمان های صنفی آن کمک نمود. ماهیت سازمان های صنفی ارتجاعی و اتحادیه های زردکاری را فاش نمود

دردهای کشورهای، راه حل های خاصی پیشنهاد می نمود. در نخستین دوران فعالیت حزب، شیوه تحلیل و استدلال و عمل حزب توده ایران برای توده های مردم نا آشنا بود و به آن با اعجاب و غرابت می نگریستند. ولی پرده این شگفتی بزودی پاره شد و صدای حزب توده ایران نخست در پایتخت و سپس به تدریج در شهرستان ها انعکاس یافت. اقبال مردم، مخصوصاً توده های زحمتکش و روشنفکران میهن پرست



تعدادی از توده ای ها در زندان

و طبقه کارگر را به عنوان یک واحد متشکل به میدان مبارزات اجتماعی سوق داد. این تنها طبقه کارگر نبود که به ندای حزب توده ایران به میدان آمد، خرده بورژوازی شهر، قشرهای متوسط جامعه، بسیاری از روشنفکران میهن پرست نیز در اطراف حزب توده ایران گرد آمدند. بسیاری از آنها به صف های حزب پیوستند. قشری هم بدون پیوستن به حزب، شعارهای سیاسی و اجتماعی آن را مورد تأیید قرار دادند. کار حزب توده ایران در میان دهقان ها هم نیز قابل توجه است.

به حزب توده ایران روز افزون بود. یکی از مهمترین خدمات حزب توده ایران در اولین دوران حیات خود، متشکل کردن کارگران ایران و ایجاد اتحادیه های کارگری و شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان است.

پیش از تأسیس حزب توده ایران بویژه در سال های نخستین رژیم رضاشاه، بعضی اتحادیه های کارگری در ایران به وجود آمده بود ولی این بار اتحادیه های کارگری به شکل نوین و در مقیاس وسیع تر و با

نخستین بار در تاریخ مبارزات اجتماعی کشورها به تحلیل علمی و اجتماعی ایران همت گماشت و راه صحیح مبارزه ضد امپریالیستی و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ایران را نشان داد.

### حزب توده ایران از دیدگاه یک مخالف

همانگونه که در آغاز بحث و بررسی درباره حزب توده ایران نوشتیم، برای اینکه بی طرفی را رعایت کرده باشیم، دیدگاه یک موافق و یک مخالف را می نویسیم و داوری درباره آن را به خوانندگان وا می گذارم. اکنون که با دیدگاه یک موافق آشنا شدیم، دیدگاه یک مخالف را می خوانیم. محمد اُرسی از مخالفین حزب توده ایران چنین می نویسد: «در هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده، شماری از روشنفکران و فعالان سیاسی با نوشته های مختصر و مفید به تحلیل این قدیمی ترین حزب سیاسی ایران پرداخته و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داده اند. اینجانب که هیچ وقت عضو و همراه حزب توده نبوده و همیشه در مقابل آن بودم، در این مورد می خواهم به چند نکته بسیار مهم اشاره کنم.

نکته اول، نقش جامعه در تحولات حزب توده و تغییر و تحولاتی که در حزب توده پس از تأسیس در سال ۱۳۲۰ شمسی به مرور ایام رخ داد، تنها، برآمده از ایدئولوژی حاکم بر حزب، سیاست تیم رهبری آن و یا سلطه شوروی نبود. بل مخالفان سوگند خورده توده ای ها یعنی، خان ها، ارباب ها، حکومت های وابسته به استعمار انگلیس و آمریکا در ایران، ملایان وابسته به قدرتهای داخلی و خارجی، جریان های دست راستی افراطی، خاصه شخص محمد رضاشاه و دربار سلطنتی نقش تعیین کننده ای در آنها داشتند. زیرا همین مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی و مذهبی بودند که از ابتدای کار حزب توده با برخوردی به غایت درجه غیر دموکراتیک و غیر انسانی، به خصومت خونی با آن برخاستند و حزبی را که خواهان فعالیت در چارچوب قانون اساسی کشور، تداوم ارزش های مشروطیت و اصلاحات مترقیانه در مملکت بود با توطئه و توهین و سرکوب به حاشیه راندند و در چنان وضعی قرارش دادند که هر چه بیشتر به شوروی وابسته و متکی شد و به اپوزیسیون ایدی در برابر نظام سلطنتی بدل گشت و با غیر خودی و رقبای عقیدتی اش نیز برخوردهای نامناسب و مغایر با اصول سیاسی کرد.

یادمان باشد که رابطه یک حزب سیاسی بزرگ با جامعه و مخالفان و رقبای خود، رابطه ای یک سویه و یک جانبه نیست. هر دو بر هم اثر می گذارند و یکدیگر را شکل می دهند. اگر احزاب سوسیالیست و کمونیست اروپا و ممالک مترقی دنیا، سرچشمه خیر و خوبی و رفاه و ترقی برای توده ها شدند و در تحولات دموکراتیک جوامع خود مؤثر افتادند، خود نیز تحولی دموکراتیک یافتند. به این سبب بود که جامعه های توسعه یافته مردمانی آگاه،

آزادی کشور، وظایف نهضت ضد امپریالیستی را خلط می کردند و غالباً توجه آنها از هدف عمده به هدف های فرعی معطوف می شد. آنهایی که مبارزه با امپریالیسم را مقدم می شمردند دارای استراتژی و تاکتیک صحیحی در این مبارزه نبودند. مبارزه با امپریالیسم غالباً در کادر مبارزه شخصیت ها با آن محصور می شد. نمی دانستند نیروی ضد امپریالیستی

ایران بسیاری از این مشکلات را حل کرد. مردم را با ماهیت امپریالیسم آشنا ساخت و اشتباهی را که در مورد فاشیسم هیتلری و امپریالیسم آمریکا و فرانسه وجود داشت مرتفع نمود. حزب توده ایران نشان داد که عمده ترین تضاد موجود اجتماع ایران، تضاد میان امپریالیسم و عمال آن از یک طرف و طبقات و قشرهای ملی از طرف دیگر است و حل سیاسی تضادهای اجتماع ایران بطور اساسی



اجتماع ایران چیست. عوامل ترکیب کننده آن کدام است. از میزان پیگیری و خصایص این نیروها بی خبر بودند. نمی دانستند رهبری این مبارزه در دست کدام طبقه باید باشد. شرایط همکاری طبقات مختلف در این مبارزه کدام است.

به همین دلیل مبارزه بر ضد امپریالیسم در کشورها، سالیانی دراز بعد از انقلاب مشروطه، هیچ گاه صورت متشکل به خود نگرفت و از حدود مبارزات محدود و موضعی تجاوز نکرد. حزب توده ایران برای

وابسته به حل این تضاد عمده است. در صورتی که این تضاد عمده حل شود، یعنی استقلال و حاکمیت سیاسی و اقتصادی ایران تامین گردد، راه برای حل سایر تضادهای اجتماع ایران گشوده خواهد شد. در مبارزات اجتماعی بیست سال اخیر ایران، این نکته بسیار اساسی بود.

متأسفانه قبل از تأسیس حزب توده ایران این نکته مورد توجه جدی قرار نداشت. بسیاری از میهن پرستان ایران با وجود حسن نیت و علاقه وافر به استقلال و

ضروری دست در دست هم می‌گذارند و در جهت اهداف مشترک ملی و کشوری حرکت می‌کنند. در مورد حزب توده و در مجموع گروه‌های دست چپی، چنین برخورد دموکراتیکی هیچگاه صورت وقوع پیدا نکرده است. زیرا رجال عقب مانده دربار پهلوی از آغاز کار حزب توده، بنای سیاست خود را بر کوتاه کردن دست توده‌ای‌ها از قدرت سیاسی و مجلس و مردم ایران قرار دادند و عاقبت هم با اتهامی که در سال ۱۳۲۷ شمسی زدند - سوء قصد به شاه - آن را منحل اعلام کردند و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز سرکوب خونین اعضای حزب آغاز شد و حزب توده در واقع به قربانی اصلی کودتای آمریکائی - انگلیسی - پهلوی تبدیل گردید. نتایج مترتب بر خارج نشینی دایمی و ماندن در موضع اپوزیسیون همیشگی را می‌توان بعدها مورد بررسی بیشتری قرارداد.

نکته سوم: «نبود یک جریان راست مدبر و مدیر قوی برای حزب توده مشکل آفرید. نبود یک نیروی راست و مدبر و مدبر و منسجم در برابر حزب توده، برای حزب بطور ویژه و برای جامعه ایرانی در مجموع بسیار گران تمام شد. از یاد نبریم که دوره دیکتاتوری رضاشاهی - دوره‌ای بود که نیروی راست آگاه و مدبر و مؤثر و دانائی که از دل اشرافیت عصر قاجار بیرون آمده، در انقلاب



بعضی از افسران توده ای در زندان

مشروطه بالیده و آب دیده و سیاست شناس و سیاستمدار شده بود با سرکوب گری‌های قزاقان و پاسبانان دیکتاتوری پهلوی اول سخت ضربه خورده و از هم پاشید.

شخصیت‌های برجسته‌ای چون قوام السلطنه، تقی‌زاده، فروغی، مدرس، تیمورتاش، داور، بهار، دکتر محمد مصدق و رجال والای دیگر قربانی استبداد رضاخانی شدند و کشور ایران از این دولتمداران باتدبیر و توانا و خردمند محروم ماند.

دستگاه پلیس رضاشاهی برخی از این بزرگان را کشت و شماری را تبعید کرد؛ و برخی را نیز با مشاغل بی‌خاصیت حاشیه‌ای، از اثرگذاری بر جامعه دور کرد. پس از رفتن رضاشاه، باز در دهه ۱۳۲۰، راست خردگرا داشت جان تازه‌ای می‌یافت که با داس مرگ کودتای ۲۸ مرداد بطور کلی از ریشه بر افتاد و در نتیجه شبه راستی که جز بله بله قربان گوئی و نوکری در برابر شاه دیکتاتور هنر دیگری نداشت همه کاره شد و چرخ سیاست مملکت در مسیری قرار گرفت که عاقبت به ورطه انقلاب اسلامی و چاه حکومت فقهاتی در غلتید. «۳»  
پانویس:  
«ادامه دارد»

۱- درباره حزب ملیون و حزب مردم به تفصیل زیر عنوان «احزاب سیاسی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد» بحث و بررسی کرده‌ایم. به شماره‌های گذشته مجله عاشقانه مراجعه کنید.

۲- «یک حادثه مهم حیات اجتماعی کشور ما؛ داود نوری؛ از مقاله حزب توده ایران. ضرورت تاریخی میهن ما - قسمت‌هایی از دو مقاله بلند است که اولی در شماره ویژه بهار ۱۳۴۰ و دومی در شماره تابستان ۱۳۴۵، فصلنامه دنیا، نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران چاپ شده است.

۳- محمد ارسنی؛ ۱۴ اسفند ۱۳۹۰؛ تگزاس - آمریکا؛ به نقل از تارنمای «خسرو روزبه»

مخالفانی منصف و حکومت‌های مسئول و سازنده داشتند، فرضاً اگر به جای انگلیس، روس بر هند حاکم بود و یا آلمان هیتلری بر آن مسلط می‌شد، آیا حزب کنگره هندوستان به همین شکل و شمایل درمی‌آمد که درآمد؟ آیا می‌توانست آن نقش دموکراتیک را ایفا کند که ایفا کرد؟ آیا مهندس کارامجاند گاندی مهاتما گاندی می‌شد؟ اصلاً گاندی می‌توانست زمینه ظهور و ابراز وجود پیدا کند؟ جالب است که خردمندی هندی، با اشاره به همین واقعیت گفته است که: «ما هندی‌ها، مهندس کارامجاند گاندی را به انگلستان دادیم. انگلستان، مهاتما گاندی را به ما تحویل داد.» نمونه دیگر مارتین لوتر کینگ است. اگر کینگ به جای آمریکا در یک مستعمره پرتقال در آفریقا جنبش عدالت طلبانه خود را آغاز می‌کرد، آیا حرکتی که او آغاز گرش بود، به همین صورتی درمی‌آمد که در آمریکا درآمد؟ آری حق مطلب را حافظ ادا کرده است که:

مکن در این چه‌نم سرزنش به خودروئی

چنانکه پرورشم می‌دهند، می‌رویم.

نکته دوم: «تبدیل شدن به مخالف دائمی وبران گراست». می‌گویند دو چیز است که در عالم قدرت و سیاستمداری، ابدی و همیشگی شدنشان مایه اصلی خطاهای فکری و اخلاقی و سیاسی می‌شود. یکی نشستن بر تخت قدرت فرمانروائی و نهادهای حکومتی برای همیشه و تبدیل شدن به دولت ابد مدت و دیگری دور ماندن از قدرت سیاسی و مبدل شدن به مخالف همیشگی حاکمان و در موضع اپوزیسیون ابد مدت بودن.

راز رشد و سیر تکاملی احزاب و شخصیت‌های سیاسی در نظام‌های دموکراتیک و آزاد از دیکتاتوری و زورگوئی همین است که احزاب و حکومتگران دیار آزادان از مقام قدرت حکومتی به موضع اپوزیسیون و از اپوزیسیون به جایگاه قدرت دولتی دائماً در رفت و آمدند و بدینگونه است که دو طرف قضایای سیاسی و مملکتی، درک متقابلی از هم دارند و در زمان



Iranian Cultural Foundation-Houston Presents

# 2014 NOWRUZ FESTIVAL

First Day of Spring & Iranian New Year



نوروز جشن  
۱۳۹۳



# TARA

# SANDY



Live Music, Iranian Folk Dance, DJ, ICF School Performance, Children Games & Rides, Persi-gra, Food, Bazaar, Art Exhibition, and...

**با هنرنمایی اردوان مفید**

STAFFORD CENTRE  
SUNDAY  
MARCH 23RD  
2PM - 9PM

ICF-HOUSTON  
9703 Richmond Ave, Suite 105  
Houston, Tx 77042  
(832) 767 - 1636  
[www.icfhouston.org/nowruz1393](http://www.icfhouston.org/nowruz1393)



STAFFORD CENTRE  
Ballrooms and Festival Arena  
10505 Cash Rd, Stafford, TX 77477

**بیمه**  
**Allstate**  
You're in good hands



**Landlord  
Tenant**



اتومبیل



مسکن



تجاری



**Condominium  
Rent**



عمر

Phone: 281-261-7777  
Cell: 281-757-9747

[lidaaria@yahoo.com](mailto:lidaaria@yahoo.com)  
[lidaaria@allstate.com](mailto:lidaaria@allstate.com)

**املاک**  
**MAIN**  
**REALTY**



Lida  
Aria



RAY  
ORAZANI

خرید

فروش

سرمایه گذاری

مسکونی

تجاری

اجاره

**281-325-0000**  
**281-313-5555**

[lidaaria@yahoo.com](mailto:lidaaria@yahoo.com)  
[raycommercials@gmail.com](mailto:raycommercials@gmail.com)

**Lida & Ray**  
Proudly Announces  
**The Great Grand Opening**  
Our New Second Location  
Insurance Office

**ALLSTATE**

281-261-7777

281-949-4444

281-313-5555



[lidaaria@allstate.com](mailto:lidaaria@allstate.com)  
[rayorazani@allstate.com](mailto:rayorazani@allstate.com)

**Special Promotion**

- LIFE
- AUTO
- HOME
- BUSINESS OWNERS
- CANCER INSURANCE
- ACCIDENT INSURANCE
- CHILDREN LIFE INSURANCE



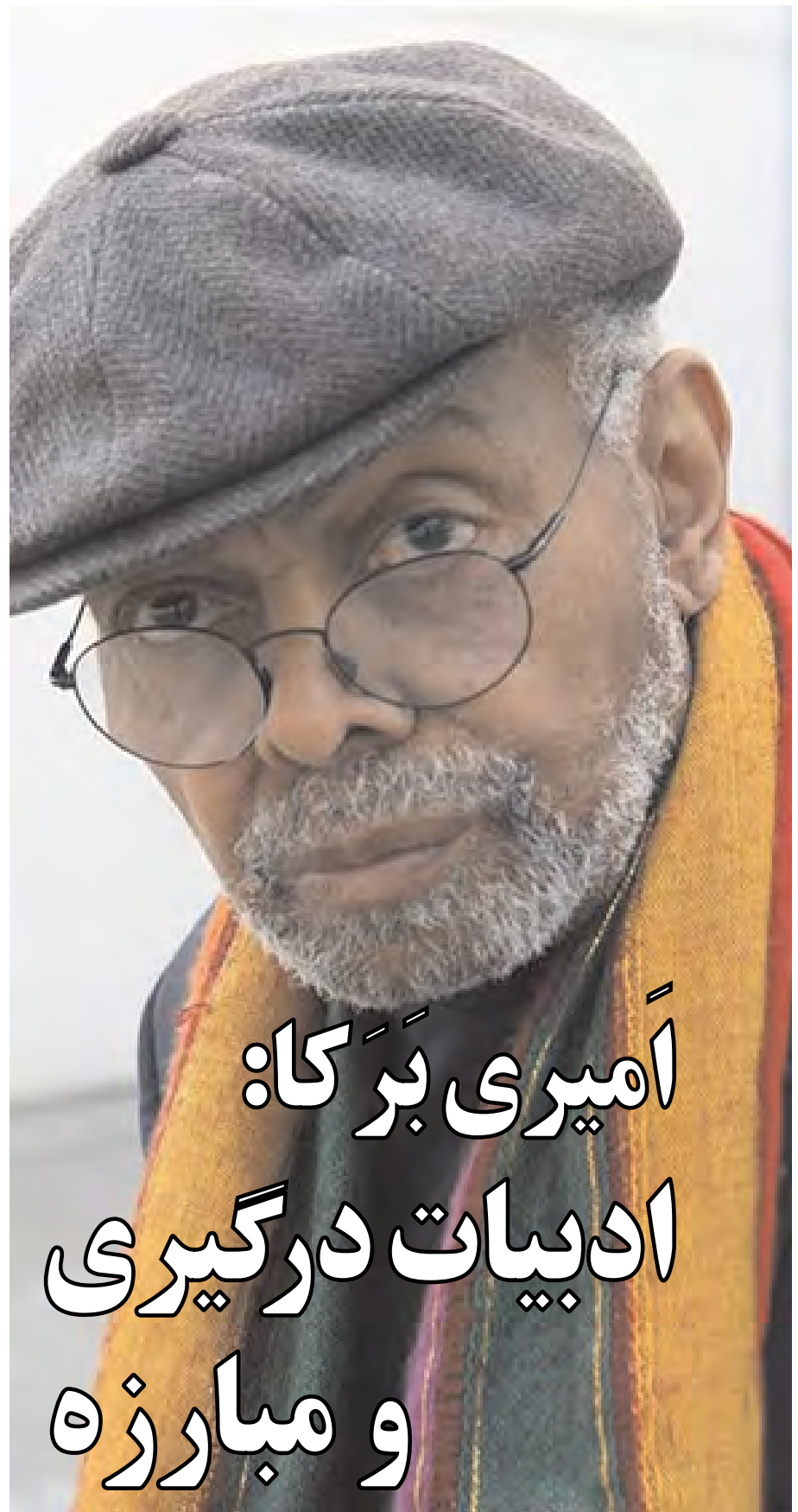
- عمر
- اتومبیل
- خانه
- تجاری
- سرطان
- تصادف
- بیمه عمر بچه

## مازیار اولیایی نیا

امیری برکا به عنوان یک فعال سیاسی، شاعر و روشنفکر اجتماعی، زندگی ماجراجویانه و پرنشیب و فرازی را پشت سر گذاشته است؛ مورد ضرب و شتم قرار گرفته است؛ به زندان رفته است؛ به موفقیت ادبی دست یافته است و در فعالیت‌های انقلابی شرکت داشته است. در مقایسه با اغلب شاعران معاصر، برکا بیش از هر کس دیگر، بی‌محابا خود را در وسط معرکه‌های سیاسی متعدد انداخته است. او بارها با تجدید نظر در جهان بینی خود، از یک موضع افراطی به موضع افراطی دیگر روی آورده است، زمانی با پشتیبانی از مبارزه مسلحانه سیاهپوستان و زمانی دیگر با فراخواندن مردم به انقلاب سوسیالیستی.

اُورت لی رُی (LeRoy) جونز در هفتم اکتبر سال ۱۹۳۴ در شهر صنعتی نیوآرک در ایالت نیوجرسی به دنیا آمد. مادرش مددکار اجتماعی و پدرش کارمند بازنشسته اداره پست بود. او از لحاظ پیش زمینه اجتماعی، خود را یک سیاه پوست طبقه متوسط (یک آمریکایی از طبقه متوسط پایین) ارزیابی می‌کرد. لی رُی به یک مدرسه ابتدایی رفت که اغلب دانش آموزان آن سیاهپوست بودند، اگرچه شماری از سفیدپوستان نیز شاگرد آن مدرسه بودند. از آنجا که دانش آموز برجسته‌ای بود، او را به دبیرستان برینجر فرستادند که مدرسه آمادگی برای ورود به کالج محسوب می‌شد و در سال ۱۹۵۱ به عنوان دانش آموز ممتاز از آن مدرسه فارغ التحصیل شد. خود برکا درباره دبیرستانش گفت که والدین اغلب دانش آموزان، ایتالیایی تبار بودند و تنها تعداد انگشت شماری از بچه‌های سیاه پوست در آن دبیرستان درس می‌خواندند. شاید یکی از دلایل اصلی احساسی که وی بعدها از آن رنج می‌برد - احساس گناه به این گمان که به نژاد سیاه خیانت ورزیده است - ناشی از تجارب همین دوران باشد.

در سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴، برکا به دانشگاه هوارد در واشینگتن دی. سی. راه یافت که در آن زمان یکی از مهم ترین مدارس آموزش عالی برای تحصیل سیاهپوستان بود. در آن دانشگاه با شاعر و ناقد معروف، استرلینگ براون آشنا شد و فهمید که می‌توان



# امیری برکا: ادبیات درگیری و مبارزه

ماساچوست زندگی می‌کرد.

در سال ۱۹۵۸، برکا با زنی یهودی به نام هتی کوهن ازدواج کرد که حاصل آن دو دختر دورگه بود. هتی شدیداً در جنبش بیت فعال بود و به همراه برکا از ویراستاران نشریه ادبی یوگن محسوب می‌شد که به چاپ آثار نویسندگان جدیدی همچون گینزبرگ، اُلسن، اُهارا و کرواک می‌پرداخت. ارتباطاتی که برکا به دلیل فعالیتش در این نشریه ادبی پیدا کرد، همگی چشم‌انداز ادبی وی را وسعت داد و همچنین او را در حلقه نویسندگان و شعرا معروف ساخت. آپارتمان او صحنه مهمانی‌های ادبی پر جنب و جوش گشت. برخی از افراد آس و پاس این جریانات ادبی گاهی روزها و هفته‌ها در خانه برکا و همسرش اُتراق می‌کردند و مبل آنها را به خوابگاه خود بدل ساخته بودند. بدین ترتیب برکا عمیقاً در صحنه ادبیات، هنر، ایده‌ها، مواد مخدر و حتی ارتباطات جنسی این روشنفکران نیویورکی دخیل شد.

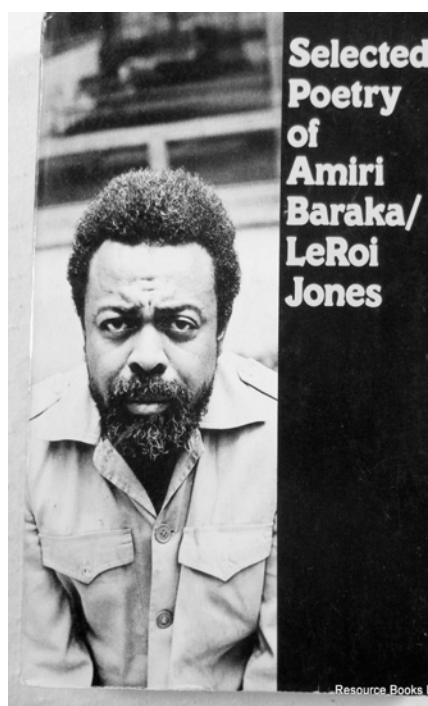
در جنبش آوانگارد، برکا قادر بود افراد و ایده‌هایی را مشاهده کند که می‌توانست با آنها ارتباط برقرار سازد. به قول خودش: «من به سوی آنها جذب شده بودم زیرا که به چیزهایی جنبه قانونی می‌بخشیدند که خواسته‌ها و تمایلات من نیز بود و می‌توانستم آنها را حس کنم.» مثلاً برکا قادر بود که شعر «زوزه» اثر گینزبرگ را به خوبی لمس کند زیرا جهانی که گینزبرگ توصیف می‌کرد و زبان او به خوبی برای برکا شناخته شده بود، همان ضرباهنگ خیابان‌هایی که برکا بارها در آنها قدم زده بود. برکا این شاعران نوپا را متفاوت از نویسندگانی می‌دید که در مجله نیویورکر قلم می‌زدند و سبک و سیاقی شسته رفته و برج عاج نشین داشتند. بدین ترتیب آوانگاردها نخستین الگوهایی را که برکا برای آغاز کار خود لازم داشت به او بخشیدند.

بزرگ برای من بود که در ادامه عمرم تأثیرش را احساس کردم.» این روایت در عین حال، جدیت روشنفکرانه وی را نشان می‌دهد و این چیز است که بسیاری از منتقدان برکا که تنها جنبه ظاهری رفتار و اعمال او را می‌بینند، از آن غافل می‌شوند.

پس از آنکه برکا در سال ۱۹۵۷ از نیروی هوایی مرخص - یا بهتر بگوییم اخراج - شد، در دهکده گرینج نیویورک اقامت گزید و با تمامی فعالان پس از جنگ جهانی دوم در جنبش آوانگارد ارتباط برقرار ساخت. از جمله دوستان و آموزگاران وی، آلن گینزبرگ از رهبران جنبش بیت و فرنک اُهارا از مکتب شعر نیویورک را می‌توان نام برد. اما یکی از نزدیک ترین افراد به وی چارلز اُلسن، رهبر گروه بلک ماتین بود که نه تنها دوست و پدر ادبی برکا محسوب می‌شد، بلکه آموزگار اکثر آوانگاردهای آمریکایی پس از جنگ دوم جهانی به شمار می‌آمد. اهمیت و تأثیر نظریه ادبی اُلسن در بخش پایینی منهدن به خوبی احساس می‌شد، اگرچه وی خود در

موسیقی جاز سیاه پوستان را به نحوی آکادمیک مورد مطالعه قرار داد. همچنین در دانشگاه هوارد، برکا ادبیات و مذهب را تحت نظر نی تِن اسکات مطالعه کرد و با آثار دانتِه آشنا شد. اما به جز چند استاد برجسته، برکا دانشگاه هوارد را چندان انگیزه بخش و چالش برانگیز نیافت. بویژه آنکه آنجا را مملو از سیاه پوستانی یافت که می‌خواستند به هر نحو ممکن به جامعه سفید پوست راه پیدا کنند و از نژاد خویش بگریزند. از همان سال اول اقامت در دانشگاه هوارد، وی شروع به نوشتن نام خود با املائی فرانسوی (Leroi) کرد. این خود نشان دهنده آن است که وی هویتی جدید را جستجو می‌کرد، شاید می‌خواست که نوعی بودلر سیاه پوست باشد. با وجود استعداد فراوان، وی در سال ۱۹۵۴ از دانشگاه اخراج شد زیرا که با عملکرد و دیسپلین دانشگاه هوارد همراهی نشان نمی‌داد.

بین سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷، برکا در نیروی هوایی آمریکا خدمت کرد. در زمانی که در مدرسه نیروی هوایی در جنوب ایلینوی تحصیل می‌کرد، در هر فرصت ممکن در تعطیلات آخر هفته به شیکاگو می‌رفت و تحول روشنفکری او بویژه در این دوره شکل گرفت. در دانشگاه هوارد، وی بی‌انگیزه بود، اما اکنون شروع به نوشتن مطالبی کرده بود که قبلاً آنها را نادیده می‌گرفت. روزی که برکا چشمش به ویتیرین یک کتابفروشی ادبی به نام «در سبز» در شیکاگو افتاد، احساس کرد که حیات روحی‌اش در مسیر جدیدی افتاده است. در آنجا او با آثار نویسندگانی آشنا شد که قبلاً نمی‌شناخت. به قول خودش: «تازه فهمیدم که چقدر اطلاعاتم در هر زمینه‌ای کم است. آنچه که مرا شدیداً تکان داد، اهمیت یادگرفتن بود که قبلاً درباره آن فکر نکرده بودم... از آن پس با خودم عهد بستم که هر روز چیز تازه‌ای یاد بگیرم و این یک بیداری



در سال ۱۹۶۰، برکا از کوبا دیدن کرد و بنا به گفته خودش، این سفر نقطه عطفی در زندگی وی بود. مشاهده این دنیای جدید که در آن زمان تازه انقلاب را پشت سر گذاشته بود و داشت به پرستشگاه جوانان چپ‌گرای دنیا بدل می‌شد، برکا را بر آن داشت که ایده ادبیات متعهد را با تمام وجود بپذیرد و به سمت یک دیدگاه جهان‌سومی درباره تغییرات سیاسی و مبارزه با ستم و نابرابری اجتماعی روی آورد. هنرمندانی که وی در کوبا ملاقات کرد، به او اهمیت هنر سیاسی را گوشزد کردند. او به شدت از روشنفکران هم‌نسل خود در آمریکا دلزده شده بود، زیرا که به گفته وی «تنها هنر آنها ریش گذاشتن، عدم دخالت در سیاست، استعمال مواد مخدر، ماجراجویی‌های کودکانه و انزوای کامل از توده‌های مردم اطرافشان بود.» در مقابل، گزینه کوبایی، روشنفکران را فرا می‌خواند تا انرژی خود را در جهت ساختن جامعه‌ای نو به کار اندازند. آنچه که برکا به آن توجه نداشت آن بود که حکومت کوبا تنها از فعالیت روشنفکران طرفدار انقلاب - که تعداد آنها کم نیز نبود - استقبال می‌کرد و هر حرف مخالف را دسیسه ضد انقلاب و نیروهای واپس‌گرا می‌خواند. از دید برکا، رادیکال‌های آمریکایی تنها در حرف، سخن از اصلاحات می‌راندند ولیکن در عمل قدمی برای عملی شدن این اصلاحات بر نمی‌داشتند. برکا، کوباییان را برای رادیکالیسم اجتماعی آنها تحسین می‌کرد و یادآور می‌شد که در کوبا کسی از سازش سخن نمی‌گوید. نادیده نباید انگاشت که اگر این دیدگاه، امروزه ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد، به دلیل آن است که تجربیات نیمه دوم قرن بیستم فرصت کافی برای آزمودن دیدگاه‌های انقلابی و تبعات آن را به انسان مدرن بخشیده است و ما امروزه بر نیم قرن تجاری تکیه زده‌ایم که در دهه شصت میلادی موجود نبود. کدام

### سفر برکا به کوبا نقطه عطفی در زندگی وی بود. مشاهده این دنیای جدید، او را بر آن داشت که ایده ادبیات متعهد را با تمام وجود بپذیرد و به سمت یک دیدگاه جهان‌سومی درباره تغییرات سیاسی و مبارزه با ستم و نابرابری اجتماعی روی آورد.

جوان پرشور دهه‌های پس از انقلاب کوبا را می‌توان یافت که دوره‌ای از جوانی خود را با ایده‌های جذاب برابری و برادری و آرزو و خیال آرمانشهر سوسیالیستی نرد عشق نباخته باشد.

در سال ۱۹۶۱، وقتی برکا هنوز در دهکده گرینیچ زندگی می‌کرد، نخستین جلد از اشعار خود با عنوان «مقدمه‌ای بر یک یادداشت خودکشی بیست جلدی» را منتشر ساخت. تقریباً در همین زمان، برکا همراه با داین دی پریمو نشریه «خرس شناور» را منتشر ساخت که کما بیش همان ایده‌های مجله ادبی یوگن را دنبال می‌کرد. علاقه برکا به فرهنگ و موسیقی سیاه‌پوستان منجر به نگارش کتاب «مردم بلوز» شد که تفکری عمیق در زمینه موسیقی سیاهان و هنر سیاهان به طور کلی بود. در سال ۱۹۶۴، برکا جایزه آبی را بُرد و به خاطر نمایشنامه «داچمن» مورد تحسین فراوان قرار گرفت. این نمایشنامه، معرفیتی یک‌شبه را برای او به ارمغان

آورد. اما با این معرفیت ناگهانی در جهان سفیدپوستان، ناگهان شک و شبهه برکا درباره علاقه‌اش در پیوستن به دنیای سفیدپوستان شدت گرفت. در کتاب «سخنران مرده» که در همان سال منتشر شد - اگر چه پیش از آن نوشته شده بود - شاعر، تناقضات درونی زندگی خود را آشکار می‌سازد. ناگهان زبان او نسبت به سفیدپوستان بسیار تهاجمی‌تر و جنگ طلبانه‌تر شد و در مواردی با توهین مستقیم و بی‌برده نسبت به سفیدپوستان، گویی که به عمد قصد درگیری با مخاطبان سفید پوست را داشت. در سال ۱۹۶۴ وقتی یک زن سفید پوست از برکا پرسید که چه کاری از دست سفیدپوستان برای کمک به مردم سیاه پوست ساخته است، برکا جواب داد که شما می‌توانید با مردن خود به سیاه‌پوستان کمک کنید، وجود شما درست مثل سرطان می‌ماند. به نظر می‌آمد همان جنبش‌هایی که زمانی برکا را از لحاظ هنری سخت به خود جلب می‌کردند، اکنون از لحاظ سیاسی مایه تهوع او بودند و برکا از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد تا دوری و تنفر خود را از آنها به اثبات رساند.

قتل مالکوم ایکس در سال ۱۹۶۵، از نظر برکا نشانه‌ای از شیطان صفتی نژاد سفید بود. پس او دهکده گرینیچ و نیز همسرش هتی کوهن را ترک کرد و بدین ترتیب کاملاً از دنیای سفیدپوستان کناره گرفت و به محله هارلم نقل مکان کرد و در آنجا به یک ناسیونالیست فرهنگی تبدیل شد که می‌خواست خود را کاملاً وقف نژاد، فرهنگ و ملت سیاه پوست نماید. فرضیه جدید وی آن بود که سیاه‌پوست بودن عنصر اصلی و مرکزی در زندگی یک سیاه‌پوست است و هر چیز دیگر، خصوصیت فرعی محسوب می‌شود. اگر چه این ایده برکا و پافشاری‌اش بر اینکه هنر بهترین ابزار برای ایجاد یک فرهنگ سیاه است، بر اساس زیبا‌شناختی



عنوان «در جهت وضوح ایدئولوژیک» گفت که از ناسیونالیسم سیاهان به سوسیالیسم بین المللی روی آورده است و از جهان بینی مارکسیستی پیروی می کند. پس از آن، برکا مجموعه‌هایی از اشعار و نمایشنامه‌ها با دیدگاه مارکسیستی تولید کرد که دیدگاه جدید او را بازتاب می‌دادند. اما منتقدان معتقدند که مقالاتی چون «خنجرها و نیزه‌ها» (۱۹۸۴) فاقد توان احساسی آثاری از برکا است که به دوره ناسیونالیسم سیاه پوستی وی تعلق دارند.

برکا در طول فعالیت ادبی و سیاسی خود همواره مایه بحث و مجادله میان موافقان و مخالفان بوده است. از یک طرف او را به خاطر مخالفت با استبداد تحسین کرده‌اند و از سوی دیگر به خاطر تبلیغ درگیری و نفرت نکوهیده‌اند. گروهی او را یکی از مستعدترین نویسندگان آمریکای قرن بیستم خوانده‌اند، عضوی از گروه نویسندگان و شاعرانی چون لنگستون هیوز، ریچارد رایت، رلف الیسون و ژرانیل هرستون، و گروهی دیگر در او چیزی جز یک مخالف خون که همواره نفرت و رویارویی را تبلیغ می‌کند، نمی‌بینند. باید گفت که موج افراطی گری و غضب نژادی برکا به ویژه پس از اوج گیری جنبش مدنی آمریکا و

کتاب‌های «زمان ملت است» و «ژله» در سال ۱۹۷۰ از او انتشار یافت.

در سال ۱۹۷۴، برکا کلاً ملی گرایی سیاهان را تخطئه کرد، در یک تغییر موضع ناگهانی نسبت به مواضع اولیه خود، در مانیفستی با

**برکا در طول فعالیت ادبی و سیاسی خود همواره مایه بحث و مجادله میان موافقان و مخالفان بوده است. از یک طرف او را به خاطر مخالفت با استبداد تحسین کرده‌اند و از سوی دیگر به خاطر تبلیغ درگیری و نفرت نکوهیده‌اند.**

آوانگارد شکل گرفته بود که در واقع گونه‌ای جهان بینی سفید پوستی بود. او می‌خواست آگاهی سیاه پوستان را نسبت به هویت نژاد سیاه افزایش دهد چنانکه آنان برای رسیدن به یک هدف جمعی، با یکدیگر متحد شوند. روشنفکران سیاه پوست دیگری نیز بودند که با او این هدف مشترک را دنبال می‌کردند، از جمله لری نیل، هکی مادوبوتی و ران کرنگا.

برکا مرکز هنری و تئاتر سیاه پوستان در هارلم را پایه گذاری کرد، یک الگوی بسیار پُر نفوذ که تئاتر سیاهان در سراسر آمریکا را انگیزه بخشید، اگر چه این مرکز برای دریافت بودجه دولتی دچار مشکل اساسی بود. در مجموع، برکا در هارلم با دشواری مواجه شد و در سال ۱۹۶۶ به نیوآرک (زادگاهش) بازگشت و در آنجا خانه روح، یک تئاتر سیاه پوستان و یک مرکز فرهنگی را بنا نهاد و با سیلویا رابینسون (که امروزه امینه برکا نام دارد) ازدواج کرد. در همان سال، کتاب مهم مقالات اجتماعی وی با عنوان «خانه» نیز انتشار یافت.

در سال ۱۹۶۷، وی نام اسلامی امام امیری برکا - ریشه گرفته از فرهنگ سواهیلی - را برای خود برگزید تا مهر تأیید دیگری بر سیاه پوست بودن خویش بزند. در ضمن شورش‌های نیوآرک در جولای ۱۹۶۷، در زمانی که برکا برای حمل اسلحه و مقاومت در برابر بازداشت، دستگیر شد، جراحاتی برداشت. در ضمن محاکمه، قاضی شعر «مردم سیاه!» اثر برکا را برای هیئت منصفه قرائت کرد و پاسخ برکا آن بود که «آیا آنچه شما می‌گویید آن است که من برای این شعر دارم مجرم شناخته می‌شوم؟» او در محاکمه به دو سال حبس و پرداخت یکصد دلار جریمه محکوم شد. اما حکم او پس از درخواست فرجام رد شد. در سال ۱۹۶۹ کتاب شعر او با عنوان «جادوی سیاه» منتشر شد و همچنین

خشونت و قتل رهبران سیاسی سیاه پوستان اوج گرفت، و در این راستا به مرور نظرات او درباره نقش هنر و ادبیات در جامعه نیز تغییر یافت و کاملاً رنگ سیاسی پیدا کرد. ملاقات برکا با هنرمندان جهان سومی در کشور کوبا، کسانی که نگرانی شان مبارزه با حکومت‌های استبدادی، قحطی و فقر بود، اولویت‌های ادبی برکا را کاملاً در مسیر جدیدی انداخت. در نوشته‌ها و اشعار سیاسی تر برکا، دیگر نگرانی اصلی وی ساختار بدون عیب شعر و یا نمایش نبود، بلکه وی خود را کاملاً متعهد به نمایش روح شکنجه شده خویشتن و نژاد خویشتن می‌دید. در چنین نوشته‌هایی، نقش خشونت در رسیدن به تغییر سیاسی، بیش از هر چیز مشهود است.

برکا به غیر از شاعر، داستان نویس و مقاله نویس، یک ناقد موسیقی نیز هست. وی در «مردم بلوز: موسیقی سیاهان در آمریکای سفید پوست» (۱۹۶۳)، سیر تاریخی موسیقی سیاه پوستان را از عصر برده‌داری تا موسیقی جاز معاصر دنبال می‌کند. برکا که به دنبال صدایی یگانه و اصیل برای شعر خود بود، موسیقی جاز را یکی از ناب ترین منابع زیبا شناخت سیاه پوستان ارزیابی می‌کرد. از این جهت برخی از منتقدان، مقالات برکا در زمینه موسیقی سیاه پوستان را یکی از ماندگارترین تأثیرات او و یکی از مهم ترین خدمات وی به فرهنگ سیاه پوستان آمریکا می‌دانند. ناگفته نباید گذاشت که بسیاری از آنها که نوشته‌های سیاسی و خشمگین برکا را ادبیات جدی و ماندگار ارزیابی نمی‌کنند، درباره استعداد بالقوه ادبی وی شک و شبهه‌ای ندارند. مثلاً کنت رِکس راث در «با چشم و گوش» نوشت که: «برکا تسلیم این وسوسه شد که نویسنده‌ای نژادی به بدترین وجه ممکن باشد... اما از دست دادن وی بدتر از تمامی تلفات ادبی جنگ جهانی دوم است.» آرنولد زَمپرسد در «مرور کتاب آمریکا» نوشت:

«بیش از هر شاعر سیاه پوست دیگری، برکا به شاعران جوان سیاه پوست معاصرش یاد داد که چگونه بر اساس تجارب زندگی خود شعر بنویسند، به جای آنکه در پی اعتبار مومیایی شده و سبک از مُد افتاده نویسندگانی باشند که اغلب از فرهنگی بسیار متفاوت می‌آیند.»

در جولای سال ۲۰۰۲ میلادی یعنی ده ماه پس از فاجعه یازدهم سپتامبر، برکا شعری با عنوان «کسی آمریکا را منفجر کرد» سرود و بار دیگر خشم بسیاری را برانگیخت. در این شعر که بر اساس نظریه بدبینانه توطئه نوشته شده است، حکومت اسرائیل مسئول انفجار برج‌های دوقلو در یازدهم سپتامبر خوانده شده است و این اتهام بی‌پایه تکرار شده است که حکومت وقت آمریکا از حملات خبر داشته است و به یهودیانی که در برج‌های دوقلو کار می‌کرده‌اند از قبل خبر داده بودند که آن روز در محل کارشان حاضر نشوند. مواضع ضد سفید پوستی، ضد یهودی، ضد زن و ضد هم جنس گرایی برکا همواره دشمنان بسیاری برای او به وجود آورده است، اگر چه در واکنش به اتهام ضد یهودی بودن، پاسخ برکا آن است که وی موضع ضد صهیونیستی و ضد اسرائیلی دارد و با یهودیان مشکلی ندارد. پس از چاپ این شعر، فرماندار ایالت نیوجرسی سعی کرد که برکا را از مقام شاعر برگزیده ایالت نیوجرسی عزل کند و اما زمانی که فهمید از نظر قانونی چنین امکانی وجود ندارد، سنای ایالت نیوجرسی لایحه‌ای را تصویب کرد که مقام شاعر برگزیده ایالت را به کل حذف کرد و سپس فرماندار ایالت نیز، آن مصوبه را امضا کرد و بدین ترتیب برکا از این مقام افتخاری خلع شد. اگر چه برکا بر ضد این اقدام به دادگاه شکایت کرد ولیکن شکایت وی به جایی نرسید و دیوان عالی کشور آمریکا نیز از بازنگری این حکم سر باز زد و در نتیجه آن حکم را تنفیذ کرد.

در طول سال تحصیلی ۸۳-۱۹۸۲، برکا استاد مدعو در دانشگاه کلمبیا بود و کلاسی با عنوان «زنان سیاه پوست و داستان‌های آنها» را تدریس کرد. در سال ۱۹۸۴، او به مقام استادی در دانشگاه راتگرز رسید ولیکن دانشگاه از اینکه یک کرسی دائمی استادی به وی اعطا کند، سرباز زد. در سال ۱۹۸۵، برکا به استونی بروک بازگشت، جایی که اکنون در آنجا یک استاد بازنشسته مطالعات آفریقایی است. در سال ۱۹۸۹، برکا جایزه ملی کتاب و نیز جایزه ادبی لنگستون هیوز را از آن خود کرد. برکا همچنین افتخارات و جوایز مختلفی را از بنیادهای معتبری همچون بنیاد گوگنهایم، بنیاد ملی هنر و نیز بنیاد راکفلر دریافت نموده است.

#### منابع:

1- Brown, Lloyd W. Amiri Baraka. Boston: Twayne Publishers, 1980.

2- Watts, Jerry G. Amiri Baraka: The Politics and Art of a Black Intellectual. NY: New York University Press, 2001.

#### فهرست نام‌ها به ترتیب ظاهر شدن در متن:

1- Amiri Baraka 2- Everett LeRoi Jones 3- Newark, New Jersey 4- Barringer 5- Howard University 6- Sterling Brown 7- Nathan Scott 8- Dante 9- Black Baudelaire 10- Green Door 11- Greenwich Village 12- Avant-garde 13- Allen Ginsberg 14- Beat 15- Frank O'Hara 16- Charles Olson 17- Black Mountain Group 18- Hettie Cohen 19- Yugen 20- Jack Kerouac 21- Howl 22- New Yorker Magazine 23- Preface to a Twenty Volume Suicide Note 24- Diane di Prima 25- Floating Bear 26- Blues People 27- Obie Award 28- Dutchman 29- Dead Lecturer 30- Malcolm X 31- Larry Neal 32- Haki Madhubuti 33- Ron Karenga 34- Spirit House 35- Sylvia Robinson 36- Amina Baraka 37- Black People 38- Black Magic 39- It's Nation Time 40- Jello 41- Toward Ideological Clarity 42- Daggers and Javelins 43- Langston Hughes 44- Richard Wright 45- Ralph Ellison 46- Zora Neale Hurston 47- Blues People : Negro Music in White America 48- Kenneth Rexroth 49- With Eye and Ear 50- Arnold Rampersad 51- American Book Review 52- Somebody Blew Up America? 53- Columbia University 54- Black Women and Their Fictions 55- Rutgers University 56- Stony Brook 57- Guggenheim Foundation 58- National Endowment For the Arts 59- Rockefeller Foundation





## Heydari Financial Group, Inc.

3120 S.W. Freeway, Suite 218 • Houston, Texas 77098 • 713-953-0404 • Fax: 713-975-1722

- › AUTO INSURANCE
- › HOME INSURANCE
- › HEALTH INSURANCE
- › BUSINESS INSURANCE
- › COMMERCIAL INSURANCE
- › STOCKS
- › IRA'S
- › MUTUAL FUNDS
- › FINANCIAL PLANNING
- › LIFE INSURANCE
- › COLLEGE SAVING PLAN
- › INVESTMENT SERVICES



### ALIREZA HEYDARI, MBA INSURANCE AGENT

TEL: 713.953.0404

FAX: 713.975.1722

3120 S.W. FREEWAY, SUITE 218 › HOUSTON, TX 77098

MAIL@HEYDARIFINANCIAL.COM › WWW.HEYDARIFINANCIAL.COM



فونشیا عرضه کننده بهترین مواد غذایی باب طبع ایرانی  
بزرگترین سوپرمارکت غذاهای ایرانی در شهر هیوستن

Phoenicia Specialty Foods carries more than 15,000 products  
with down-to-earth pricing from more than 50 countries.

12141 Westheimer Rd  
Houston, TX 77077  
(281) 558-8225

  
**Phoenicia**  
Specialty Foods

[www.phoeniciafoods.com](http://www.phoeniciafoods.com)

1001 Austin St  
Houston, TX 77010  
(832) 360-2222

نان  
سنگی



special orders for  
**Cake & Pastry**

- کیک و شیرینی
- انواع قهوه و چای
- نان بربری و شیرمال
- پیراشکی مخصوص آرموند
- انواع ساندویچ ایرانی (کوکو، کتلت، ژامبون)

**فال قهوه :**

شنبه ها ۱۱ صبح الی ۳ بعد از ظهر

برای سفارشات خود با ما تماس بگیرید

12151 Westheimer Rd. Suite L  
Houston TX 77077  
(Beside Phoenicia Foods)



Tel : (281) 679-9444  
(جنب فروشگاه فونیشیا)

# گروه مهندسی و معمارین مشاور وطنی

Commercial Residential مسکونی  
Board Certified Engineer



مشاور در امور طراحی و پروژه‌های ساختمانی  
ومهندسی مشاور و معماری



- ✓ رستوران
- ✓ ساب دویتزن
- ✓ سو له
- ✓ تان هاوسی
- ✓ پمپ بنزین
- ✓ آپارتمان
- ✓ ساختمان مسکونی
- ✓ ساختمان تجاری
- ✓ بازسازی
- ✓ ساختمان صنعتی

با استفاده از تجارب مهندسی و معمارین خیره ما  
پروژه های ساختمانی خود را به اجرا در آورید

[www.vatani.com](http://www.vatani.com)

[eshra@vatani.com](mailto:eshra@vatani.com)

Cell: 832-309-9154

Tel: 713-400-0005

Fax: 713-956-2555

محاسبه و طراحی ساختمان  
و کسب اجازه از شهرداری  
5200 Mitchelldale Ste. F-27  
Houston, Texas 77092

## تزئین سفره عقد به سبک های سنتی و مدرن و انواع گل آرائی برای کلیه جشن ها توسط خانم فیروزه

### TURQUOISE EVENT PLANNER



• Baby Shower • Bridal Shower • Birthdays  
• Graduation • Wedding Planning



832-877-7899

# Albrik Nazarian DDS, PA

## Cosmetic Dentistry



Serving Houston Community for over 25 years



For all your **DENTAL** needs



# 713.621.7777

9400 Westheimer Rd., Suite 3  
Houston, TX 77063

[www.albriknazarian.com](http://www.albriknazarian.com)



One stop health care Service



Hata@westcca.com

### دکتر همایون عطائی

- دارای برد تخصصی پزشکی خانواده (Family medicine)
- واکسیناسیون، چکاپ و screening کودکان و بزرگسالان
- تشخیص زودرس سرطان
- تشخیص و درمان بیماری های شایع از جمله دیابت، فشار خون و چربی خون
- برداشتن ضایعات پوستی



Tarm@westcca.com

### دکتر طناز ارمغانی

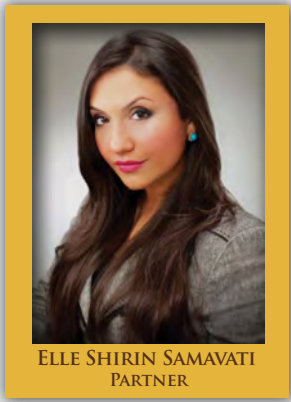
- دارای برد فوق تخصصی سرطان شناسی و خون شناسی
- دارای برد تخصصی داخلی
- متخصص طب جامع نگر (Holistic medicine)
- تشخیص و درمان بیماری های سرطانی و خونی
- شیمی درمانی
- مشاوره ژنتیکی برای بیماری های سرطانی
- پیشگیری از سرطان

در مجموعه ی Westchase ما معتقدیم وقتی یک خانواده سلامتی را تجربه می کند که تمام افراد آن خانواده طعم سلامتی را تجربه کنند.

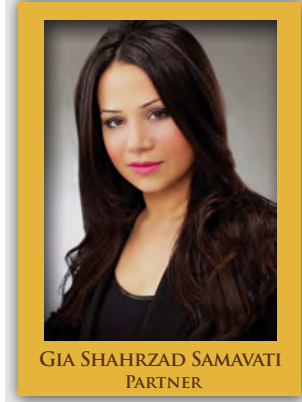
9701 Richmond Ave, Suite 250 Houston, Texas 77042

Tel: 713-523-6700 Fax: 713-523-2626

[www.westcca.com](http://www.westcca.com)



دفتر حقوقی سماواتی و سماواتی  
وکلا رسمی دادگاه های تگزاس



IMMIGRATION LAW FIRM

امور مهاجرت

(281) 999-9990

11511 KATY FREEWAY, SUITE 530 • HOUSTON, TX 77079  
WWW.SAMAVATILAWFIRM.COM



Samavati Insurance Agency



• تجاری

• عمر

• ماشین

• منزل

ESTABLISHED IN 1989

(281) 999-9990

11511 KATY FREEWAY, SUITE 530 • HOUSTON, TX 77079  
SAMAVATI@SBCGLOBAL.NET

عاشقانه

Asheghaneh Magazine

In Collaboration With

WORKSHOP 79 PRESENTS

A NEW PLAY BY HOUSHANG TOUZIE



هوشنگ توزیع



شیلای ونوق



رکسانا رستگار



محسن مرزبان



سورپازیر پارتی

نویسنده و کارگردان هوشنگ توزیع

Sunday, March 2, 2014

7:00 pm

WESTCHESTER ACADEMY  
901 YORKCHESTER  
HOUSTON, TX 77079

For More Info/Reservation:

713-973-8686

WWW.ASHEGHANEH.COM

محل فروش بلیط: دفتر مجله عاشقانه - قنادی آرموند - فوئیشا

TICKETS: \$35, \$45, \$55, \$65 AND VIP TICKETS

شب پرانه ۵ دلار اضافه

# داریوش: پیشگیری مهمتر از درمان است

داریوش اقبالی، دیگر فقط خواننده «یاور همیشه مومن» نیست؛ سالهاست که او یاور همه کسانی است که اعتیاد بر جسم و جانشان زخم زده و می خواهند خودشان را از چنگال این بیماری مهلک برهانند. او یاوری مومن برای یاری رساندن به آنهاست.

داریوش اقبالی، سالهاست که دیگر فقط اسطوره آدم‌هایی نیست که با آهنگ هایش جوانی کرده اند، عاشق شده اند، انقلاب کرده اند و خاطره بازی. او جدا از دنیای خوانندگی، اسطوره همه کسانی است که مواد را کنار می گذارند. تصویر او فقط در اتاق کسانی که عاشق صدایش هستند، به چشم نمی خورد. تصویر او، قاب شده بر دیوار دل و جان کسانی است که به واسطه او و حرف ها و تلاش های همدردانه اش، با بیماری اعتیاد مبارزه کرده اند.

داریوش اقبالی حدود سی‌زده سال پیش شال و کلاه کرد و به جنگ دیو اعتیاد رفت و زمانی که به سلامت از آن کویر وحشت گذشت، تصمیم گرفت که هرگز آن روزهای سخت را فراموش نکند و کمر همت ببندد و به کمک آنهایی بشتابد که در دام اعتیاد گرفتار شده اند. او در این سال ها، آنقدر از آن روزها و مبارزه با این بیماری سخن گفته، آنقدر از روش درست ترک اعتیاد سخن گفته که صدایش به اقصی نقاط دنیا رسیده و به دل خیلی از بیماران خوش نشسته است؛ گواش، معتادان بهبود یافته ای است که با عشق و شوق از او حرف می زنند؛ عشقی که از یک همدردی بزرگ سرچشمه می گیرد. «بنیاد آینه» سازمانی است که داریوش آن را برای مبارزه با اعتیاد، مادر آسیب های اجتماعی، تأسیس کرده است. در این گفت و گو، داریوش درباره این بنیاد و روزهای اعتیاد و دوران ترک سخن می گوید. سخنانی که چون از دل بر می آید، عجیب بر دل می نشیند.





مهم و زیبایی که بنیاد آئینه انجام داده، چون خودم در واقع الگویی شدم برای یک عده، دوستان در شهرهای آمریکا و در کشورهای اروپایی جلساتی برگزار می کنند که من به همراهی دوست خوبم آقای دکتر شمسیان و چند نفر دیگر که در بنیاد هستیم، در این جلسات شرکت می کنیم و با هموطنان به گفتگو می نشینیم.

### احمد آدم: شما این پیام را چگونه به آگاهی هموطنان می رسانید؟ یا از چه طریقی هموطنان می توانند کسب آگاهی کنند؟

داریوش اقبالی: از سال ۲۰۰۱ در برنامه رادیویی یاران، که مجری آن آقای میبیدی بود، من هر هفته برنامه داشتم که تقریباً دو سال ادامه داشت. در این برنامه سه چهار ساعته، دوستان روی خط می آمدند و حرف می زدند. همیشه می گویند معتاد چون دنبال مواد می گردد، پیدا هم می کند؛ این برنامه هم چون اجرا می شد، می گشتند و آن را پیدا می کردند و پیامش را می گرفتند. بعد از آن هم برنامه های تلویزیون بود که تداوم داشت؛ سه چهار سال، هر یک شنبه، در تلویزیون NITV و سپس به مدت شش سال، یک شنبه ها، در تلویزیون امید ایران برنامه داشتیم. الان

آنها همدرد بودم. این احساس همدردی مثل این می ماند که انگار همدیگر را سال هاست می شناسیم؛ در نتیجه، بدون آنکه اسم یکدیگر را بدانیم، فقط با گفتن اینکه من معتاد بودم و بهبودی پیدا کردم، به یکدیگر گرایش پیدا می کنیم و به هم نزدیک می شویم. من در سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفتم که تجربیات خودم را در راه ترک اعتیاد، و بهبودی، با دیگران سهیم شوم و برای این کار، بنیادی را به نام «بنیاد آئینه» به عنوان سازمانی غیر انتفاعی و غیر دولتی در آمریکا به ثبت رساندم. در اساسنامه بنیاد هم قید شده که چون اعتیاد مادر همه آسیب های فرهنگی و اجتماعی است، بنابراین همه فعالیت ها بر محور این مساله انجام می گیرد. به همین دلیل هم من با پناهنده ها و بچه های پناهنده ها زیاد کار می کنم. در سفرها سعی می کنم که به پدر و مادرها بگویم که بچه های خود را باید از اعتیاد دور نگه دارند. خود پناهندگی آسیب بزرگی است، و ما با سازمان های دیگر در رابطه با مسائل حقوق بشر کار می کنیم و از آنها برای شرکت در سمینارها دعوت می کنیم. از سال ۲۰۰۲ به بعد، سمینارهای زیادی در بسیاری از کشورهای برگزار کرده ایم. به غیر از این کارهای

**احمد آدم: داریوش عزیز! مردم شما را به عنوان اسطوره موسیقی پاپ ایران می شناسند؛ به عنوان آواز خوانی تکرار نشدنی که بر دل و اندیشه شان ماندگار شده ای. اما شاید خیلی ها از دیگر فعالیت های شما اطلاع نداشته باشند؛ بخصوص در مورد بنیاد آئینه که مرکز اصلی فعالیت های شماست. بنابراین موقعیت مناسبی است که حکایت بنیاد آئینه را از زبان خودتان بشنویم.**

داریوش اقبالی: حدود سی و دو سال پیش ترانه ای به اسم «سال ۲۰۰۰» خواندم که از سقوط و فرار و انتظار سخن می گفت، سال سقوط، سال فرار / سال گریز و انتظار / فصل شکفتن فلز / سال سیاه دو هزار ... ولی باید به شما بگویم که سال ۲۰۰۰، سال تولد دوباره من شد؛ سال رهایی و پیروزی من از چنگال بی رحم اعتیاد. من توانستم این بیماری را که بر جسم و جان و اندیشه من مسلط شده بود شکست داده و در مسیر بهبودی قرار بگیرم. در این مسیر دشوار اما روشن، دوستان و خیر خواهان زیادی حامی من بودند و به من یاری رساندند. من دو برادرم را که هر دو قربانی اعتیاد شدند، سال ها پیش از دست دادم، اما در مسیر بهبودی، صدها برادر و خواهر پیدا کردم که با



Photo by: Heather Dehghan

**حدود سی و دو سال پیش ترانه ای به اسم «سال ۲۰۰۰» خواندم که از سقوط و فرار و انتظار سخن می گفت؛ اما، سال ۲۰۰۰، سال تولد دوباره من شد؛ سال رهایی و پیروزی من از چنگال بی رحم اعتیاد بود.**

برنامه های رادیویی و تلویزیونی، اخبار، فیلم ها، سمینارهای مختلف و راهکارهای مختلف را دانلود کنند. کار دیگری هم که کردیم، این بود که از سال ۲۰۰۳، یک voice chat درست کردیم به نام behboodichat.com، که در سرتاسر دنیا، بچه هایی که دسترسی به جلسات و سمینارهای بنیاد آیینه ندارند، بتوانند با هم در ارتباط باشند. ما می گوئیم: تو اگر بخواهی که مواد را کنار بگذاری، می توانی، اما تنهایی نمی توانی. همه ما خواستیم تنهایی امتحان کنیم اما ناموفق بودیم؛ پس، حلقه ای از زنجیره بهبود یافته ها باش. از تمام دنیا به این چت روم می آیند، و می توانم بگویم که بسیاری از همین چت روم تولد دوباره ای می یابند. به من یا به بنیاد آیینه ایمیل می دهند که، چه کنم آقای داریوش؟ می گوئیم: «برنامه رادیو را گوش بده، به جلسات برو، به چت روم برو، در این چت روم، بچه هایی که بهبودی پیدا کردند به تو کمک می کنند؛ یعنی عاشقانه و همدردانه وقت می گذارند و کمک می کنند.» فرقی نمی کند که در کجای دنیا باشید، در ایران یا هر کشور دیگری؛ همه جا ما آشنا داریم؛ در ایران، مرکز رابط ها در تهران، کرج، اصفهان، شیراز است. حتی اگر در دهات هم یکی بگوید فلانی نیاز به کمک دارد، آنها آب دستشان باشد، می گذارند زمین و به کمک او می شتابند. برای اینکه این کار را مهمترین ماموریت خودشان در زندگی می دانند. همه می گویند که ما از زندان بیرون آمدیم و وظیفه مان است که این پیام رهایی را به یکی دیگر انتقال بدهیم. در نتیجه، کار بنیاد آیینه پیام رسانی است؛ آگاه ساختن است. سخن از ماهیت بیماری است و جامعه ای که آن را انکار، و پنهانکاری می کند. اعتیاد، بیماری روحی و روانی - رفتاری است. مواد مخدر، در واقع، مثل بنزین برای ماشین، موجب حرکت و پیشرفت بیماری



Photo by: Heather Deighan

هم در تلویزیون ایران با مدیریت آقای حمید شبخیز، هر هفته یک شنبه ها، از ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح به وقت لس آنجلس برنامه داریم که از طریق اینترنت هم می توانند آن را ببینید. در واقع برنامه های ما جنبه آموزشی دارد که بیشتر روی مساله پیشگیری و بچه ها تمرکز می کند، و اینکه خانواده ها بیشتر آگاه شوند. اپلیکشن های مختلفی هم هست که می توانند برنامه ها را روی تلفن های مختلف دانلود کنند. به این ترتیب که اگر اسم «آیینه فاندیشن (Ayeneh Foundation)» را در تلفن وارد کنند، می توانند تمام آرشیو

**اعتیاد، بیماری روحی و روانی - رفتاری است. مواد مخدر، در واقع، مثل بنزین برای ماشین، موجب حرکت و پیشرفت بیماری می شود. بنابراین برخلاف تصور بسیاری از مردم، اعتیاد فقط مصرف مواد مخدر نیست.**



**کاش جامعه ما از حالت انکار بیرون بیاید. همانطور که یک فرد مبتلا به سرطان، درباره بیماری اش صحبت می کند، یک فرد معتاد هم باید بداند که اعتیادش هم بیماری است و باید بتواند از بیماری اش حرف بزند و کمک بگیرد.**

می گویند چیزی به بچه نگویید چون چشم و گوشش باز می شود؛ در حالی که باید با بچه ها آشکارا صحبت کرد. الان متأسفانه اعتیاد یک بیماری گسترده و جهانی است. مواد مخدر اجتناب ناپذیر است؛ برای اینکه نوعی کسب و کار، نوعی تجارت است؛ و بچه ها بهترین خریداران مواد هستند. من به والدین توصیه می کنم که حتی مراقب داروخانه های منازل باشند.

بچه های چهارده، پانزده ساله فرمول را در می آورند و بعد دو تا دارو را ترکیب می کنند و به متامفتامین (Methamphetamine) می رسند. وظیفه ما پدران و مادران این است که درباره اعتیاد مطالعه کنیم؛ یاد بگیریم که چگونه با بچه ها درباره اعتیاد صحبت کنیم تا آنها بیماری اعتیاد را بشناسند و در دام اعتیاد نیفتند؛ اینکه چگونه از معایب سیگار برای فرزندانمان سخن بگوییم که اصلاً خودشان از سیگار فراری شوند. ما باید راه و روش آگاه کردن و اطلاعات دادن درباره مواد به آنها را بیاموزیم و از آلوده شدن آنها پیشگیری کنیم. بعضی مواقع پدر و مادری به ما مراجعه می کنند و می گویند: «فرزند ما در دام اعتیاد افتاده.» من به آنها می گویم: «آن زمان که نباید در این دام می افتاد، شما کجا بودید؟» بسیاری مواقع بچه ها معتادهای نامرئی هستند و خانواده چون از اعتیاد آنها اطلاع ندارد، خیالشان راحت است.

**احمد آدم: من فکر می کنم الان با پیشرفت تکنولوژی، فرمول ساخت مواد اعتیاد آور به راحتی در دسترس بچه هاست.**

داریوش اقبالی: دقیقاً، داروخانه ها برای بچه ها تبدیل به مواد فروشی های قانونی شده اند. به همین لحاظ، ما باید درباره این بیماری اطلاعات داشته باشیم، ضمن اینکه از ترس آبرو یا شرم وحیا نباید پنهانکاری کنیم. همان طور که وقتی خانه شما در معرض آتش سوزی هست به آتش نشانی زنگ می زنید و کمک می گیرید، در این باره هم باید کمک بگیرید.

بقیه در صفحه ۷۰

می شود. بنابراین، برخلاف تصور بسیاری از مردم، اعتیاد فقط مصرف مواد مخدر نیست؛ آن چیزی که باعث می شود یک فرد وابسته یا معتاد به مواد مخدر شود، بیماری اعتیاد است.

**احمد آدم: برای همین هم شما می گوید بزرگترین مشکلی که ما داریم این است که خانواده ها انکار می کنند؛ و باید از خانواده شروع کرد.**

داریوش اقبالی: اصلاً مهمتر از خود معتاد، خانواده است. شما اگر تشریف بیارید خانه من، خواهید دید که کتابخانه ام پر از کتاب هایی است که در رابطه با مسائل روحی و روانی این بیماری است. توصیه من به خانواده ها این است که هوشیار باشند و این مساله را ساده نگیرند.

با بچه ای که مواد مصرف می کند، شما نمی توانید مقابله کنید؛ چون بلد نیستید. شما اگر دندان تان کرم خوردگی دارد، باید به نزد دندان پزشک بروید؛ برای اینکه بیمار نشوید باید پیشگیری کنید. بنابراین در مورد بیماری اعتیاد هم در مرحله اول باید به مساله پیشگیری توجه کنید و درباره اعتیاد اطلاعات کسب کنید و ببینید اصلاً اعتیاد چیست. برای یاد گرفتن هم باید اول اعتراف کنید که چیزی نمی دانید. در فرهنگ ما متأسفانه مساله همه چیزدانی، ما را بیچاره کرده است. ما فکر می کنیم که می دانیم! بیاییم اعتراف کنیم که: من نمی دانم، می خواهم یاد بگیرم. این قدرت از ناتوانی سرچشمه می گیرد. شما اگر بگویی من ناتوانم، عاجزم، آن وقت اطلاعات می گیری، آن وقت این پرده انکار را کنار می زنی و می خواهی که یاد بگیری. توصیه ما در برنامه ها به جوان هایی که می خواهند خانواده تشکیل بدهند، جوان هایی که می خواهند بچه دار شوند، همین است. بچه من که ۹ ساله است از هم اکنون راجع به اعتیاد بسیار می داند؛ در حالی که در آن زمان که من جوان بودم، کسی چیزی به من نگفت، اطلاعات و آگاهی نداد.



# THE HADI LAW FIRM

Justice not defended is Justice not served.

دفتر وکالت هادی



حسین هادی / وکیل رسمی دادگاه های تگزاس

Husein Hadi / Attorney

رشید تایلور / وکیل رسمی دادگاه های تگزاس

Rasheed Taylor / Attorney

متخصص در صدمات جدی بدنی ناشی از سوانح اتومبیل،  
موتورسیکلت، آتش سوزی، زمین خوردگی، حمله حیوانات و ...

Personal Injuries, Auto and Motorcycle Accidents  
Drunk Driver Accidents, Burn Victims, Slip and Falls,

قتل غیر عمد، حقوق خانواده و قوانین مهاجرت  
با پشتوانه سال ها تجربه و تخصص

Animal Attacks, Wrongful Death,  
Family Law and Immigration

7100 Regency Square Blvd, Suite 140, Houston, TX 77036  
Phone: (832) 433-7977 Fax: (855) HADI-LAW (423-4529)  
e-mail: [Contact@TheHadiLawFirm.com](mailto:Contact@TheHadiLawFirm.com)  
[facebook.com/TheHadiLawFirm](https://www.facebook.com/TheHadiLawFirm)

Unless otherwise indicated, The above attorneys are Not Certified by the Texas Board of Legal Specialization

## Mahin's Samanoo



Authentic, quality Samanoo made just in time for the Norooz season.  
Order from 281.725.2622 or buy at Super Vanak.

سمنو با کیفیت عالی و مرغوب برای نوروز

برای سفارش سمنو به شماره 281.725.2622 تماس حاصل فرمایید و یا از

سوپر وانگ خریداری نمایید.

## Monalisa

### قنادی مونا لیزا

توجه بفرمایید:  
تهیه هر نوع کیک و شیرینی خشک و شیرینی تر  
فقط با سفارش قبلی انجام پذیر است.

**انواع شیرینی های ایرانی و فرنگی**

- نان خامه ای، رولت
- باقلوا، ناپلئونی و ...
- فالوده
- بستنی اکبر مستی

• عروسی ها • نامزدی ها  
• جشن تولدها • مهمانی ها

**By Order Only**  
Please place your order  
by phone, text or email  
1275 Eldridge Pkwy,  
Ste 120 (Next to CITGO)  
Houston, TX 77077

---

**281-804-6040**  
www.monalisacake.com  
order@monalisacake.com

Cake & Pastry

# Memorial Hair Salon

Best Products, Best Price



Please Call For Appointment

با مدیریت آذر فرجی و همکاری آرایشگران ایرانی  
آنیسا، ژیلا و همچنین مریم با ده سال سابقه در حالت دادن و تاتو ابرو

## Women & Men's

- Haircut
  - Perm
  - Style
  - Kertain System
  - Color
  - Waxing and Threading
  - Highlight
  - Hair Extensions
  - Tatoo
- آرایش عروس

**Men's Hair Cut**  
**\$5.00 off**

### Face Threading

بند صورت و ابرو ۱۰ دلار  
فقط در روزهای جمعه و شنبه  
New Customers Only

ما در این سالن زیبایی با استفاده از محصولات و رنگ های مرغوب  
در محیطی گرم و صمیمانه با آرایشگران ایرانی در خدمت شما می باشیم

## Special

رنگ مو از ۳۵ دلار به بالا  
کوتاه کردن موی خانم ها فقط ۲۰ دلار

New Customers Only  
Extra Charge for Long Hair

14475 Memorial Drive • Houston, Texas 77079 • Tel: 281-497-3303

# KASRA

Persian Grill

## چلو کبابی کسری

با مدیریت مرتضی افشار

با سابقه چندین نسل تهیه کباب در ایران

کباب های خوشمزه ما شما را به یاد کباب های شاه عبدالعظیم می اندازد

طعم واقعی کباب داغ، نان داغ تنها در رستوران کسری

9741 Westheimer  
Houston, TX 77056

kasrahouston.com

713-975-1810  
713-975-1801

## کلیسای ایرانیان هوستون



God Is Love

دوستان عزیز ایرانی

عیسی مسیح می فرماید:

(ای تمامی زحمتگشان و گرانباران)

نزد من بیایند و من به شما آرامی خواهم داد)

بدینوسیله از شما دعوت میکنیم که برای آشنائی با

زندگی عیسی مسیح و مطالعه انجیل به زبان فارسی

در جلسات هفتگی کلیسای ایرانیان هوستون شرکت فرمائید.

برای اطلاع از برنامه‌ها و دریافت رایگان انجیل  
مقدسی به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمائید.

کلیسای ایرانیان هوستون

Westbury Baptist Church, Room D208  
10425 Hillcroft • Houston, TX 77096

Tel: 281-992-2245

جلسات یکشنبه ها ساعت ۱۱:۳۰ صبح

For free Farsi Bible and more information  
call the above number

www.farsinet.com/icc/

SUGAR LAND  
HILLCROFT  
HIGHWAY 6  
WILCREST  
FM 1960  
COPPERFIELD  
KATY  
SIENNA



GALLERIA  
CINCO RANCH  
FIRST COLONY  
PEARLAND  
VET. MEMORIAL  
CLEAR LAKE  
HILLCROFT II  
WOODLANDS

# AISHA'S

## SALON & SPA

www.AishasSalonandSpa.com



NOW HIRING LICENSED  
COSMETOLOGISTS  
281-495-6665

THREADING • WAXING • FACIALS

HAIR CUT & COLOR • HIGHLIGHTS • 24K SKIN POLISH • MAKEUP

EXCLUSIVELY FOR WOMEN

16 LOCATIONS IN HOUSTON

## دفتر ترجمه و خدمات ایرانیان

## Office of Translation &amp; Iranian Services

Massoud Moayed

دستیار مشاور حقوقی  
Legal Assistant

- تعویض پاسپورت ایرانی - آمریکایی - عکس پاسپورتی • ترجمه رسمی کلیه مدارک
- تنظیم و کالتنامه و گواهی امضاء • خواندن خطبه - ثبت ازدواج و طلاق به طریقه اسلامی
- کارت سبز از طریق پدر و مادر - فرزندان - ازدواج
- Medicaid & Medicare برای سالمندان • ویزای نامزدی - تمدید ویزای توریستی

6420 Richmond Ave. Ste, # 430 Houston, TX 77057

Tel: 713-781-0900 Fax: 713-781-0943 Email: [farsi4farsi@yahoo.com](mailto:farsi4farsi@yahoo.com)

## PAUL MOODY LAW FIRM

ATTORNEY AT LAW

- Immigration - Asylum
- Family Law - Divorce & Custody
- Bankruptcy
- Civil Litigation
- Auto Accidents
- امور مهاجرت و پناهندگی
- طلاق و امور خانواده
- ورشکستگی
- اختلافات مدنی
- تصادفات اتومبیل

20 YEARS OF PRACTICE IN HOUSTON, TEXAS  
LICENSED BY THE SUPREME COURT OF TEXAS

6420 RICHMOND AVE., SUITE 215

HOUSTON, TEXAS 77057

PAUL@MOODYLAWFIRM.US

713-977-1800

دستیار فارسی زبان



# جهان ادب و هنر



حسن فرزانه

حسن فرزانه



## نگاهی به نامزدهای جوایز اسکار

«درون لوین دیویس» که از فیلم‌های محبوب منتقدان بودند، در طبقه بندی‌های مهم بکلی نادیده گرفته شدند و این نمایانگر اختلاف سلیقه و سنجش میان منتقدان و اعضای آکادمی است. گرچه فیلم «کاپیتان فیلیپس» به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های سال نامزد جایزه اسکار شده است، ولی پل گرین گرس، کارگردان آن که از سوی اتحادیه کارگردانان آمریکا نامزد بهترین کارگردان شده بود، از نامزدی جایزه اسکار باز ماند و الکساندر پین برای کارگردانی فیلم «نبراسکا» جایگزین او شد. اسپایک جونز نیز برای کارگردانی فیلم «او» که منتقدان آن را بسیار ستوده بودند، برای نامزدی جایزه اسکار برگزیده نشد. فیلم «پیشخدمت» لی دنیل که انتظار می‌رفت لاقلاً در زمینه بازیگری نامزد جوایز اسکار شود، ابداً مورد توجه اعضای آکادمی قرار نگرفت. اغلب فیلم‌هایی که به عنوان بهترین فیلم‌های سال نامزد جایزه اسکار شده‌اند، در همان سبک و سیاق فیلم‌های هالیوودی ساخته و پرداخته شده‌اند و داستان آنها داستانی است نه تازه. فیلم «کلاهبرداری آمریکائی» که نامزد ده جایزه

زن نیز صدق می‌کند: جودی دنچ (فیلمونا) مریل استریپ (آگوست: بخش آسیج) از هنرپیشه‌های نسل قدیم‌اند ولی کیت بلانشت (یاسمین غمگین) ایمی آدامز (کلاهبرداری آمریکائی) و ساندرایا بولاک (جاذبه) از هنرپیشه‌های نسل جدید محسوب می‌شوند. آنچه در این میان نسبتاً قطعی به نظر می‌رسد، با توجه به جوایز مختلفی که هرکدام از این هنرپیشه‌ها تاکنون دریافت کرده‌اند، خصوصاً جوایز اتحادیه هنرپیشه‌ها، کیت بلانشت برای بازی در فیلم «یاسمین غمگین»، متیو مک کاناهی برای بازی در فیلم «کلپ خریداران دالاس» در نقش‌های اول، و جارد لیتو، در نقش مکمل شانس بیشتری برای دریافت جایزه اسکار دارند. در بخش هنرپیشه‌های زن در نقش مکمل نیز، شانس لوجیتا نیونگ او برای بازی در فیلم «دوازده سال بردگی» و جنیفر لورنس برای بازی در فیلم «کلاهبرداری آمریکائی» از هنرپیشه‌های دیگر برای ربودن جایزه اسکار بیشتر است. فیلم‌های «نجات آقای بنکس» و خصوصاً

اعلام نامزدهای جوایز اسکار باز عده‌ای را خشنود و عده‌ای دیگر را ناخشنود کرد و آراء ضد و نقیضی در میان منتقدان سینمایی و دوستداران سینما برانگیخت و همه را متعجب کرد که چرا هنرپیشه‌های بزرگ و کارگشته‌ای مثل رابرت ردفورد برای بازی در فیلم «همه چیز از دست رفته است»، و تام هنکز برای بازی در فیلم «کاپیتان فیلیپس» نادیده گرفته شده‌اند و فقط به هنرپیشه‌های نسل جدید مثل لئوناردو دی کاپریو (گرگ وال استریت)، کریستین بل (کلاهبرداری آمریکائی)، متیو مک کاناهی (کلپ خریداران دالاس)، جیتویل اجیو فور (دوازده سال بردگی) توجه شده است. ولی با نگاهی به فهرست نامزدهای بهترین هنرپیشه‌های نقش اول مرد، از سوی دیگر، می‌بینیم اعضای بخش هنرپیشگی آکادمی، نسل قدیم را هم بکلی نادیده نگرفته‌اند و بروس درن، هنرپیشه کهنه کار را هم برای بازی جالبش در فیلم «نبراسکا» انتخاب کرده‌اند. این قضیه در مورد انتخاب بهترین هنرپیشه‌های نقش اول



وودی الن، که متاسفانه به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب نشده است، و فیلم «گرگ وال استریت» نام برد که هر دو بازتابی از اوضاع و احوال امروز جامعه منحنی، طمعکار و فاسد آمریکائی است. اما از آنجا که هالیوود نمی خواهد آب را گل آلود کند و پیوسته دنباله رو سیاست های روز آمریکاست، بعید نیست که مثل سال گذشته جایزه بهترین فیلم سال را به فیلم متوسطی مثل «کلاهدرداری آمریکائی» اهداء کند. مراسم اهداء جوایز اسکار در روز یکشنبه دوم ماه مارچ از تلویزیون های سراسر آمریکا برگزار خواهد شد.

داستان دو نفر را باز می گوید که در فضا گمشده اند و در آرزوی بازگشت به خانه اند؛ جز تصاویر زیبا و دل انگیز فضائی و تلاش برای بازگشت، دیگر چه حرف تازه ای دارد؟ کافی است این فیلم را با فیلم تفکر برانگیز «۲۰۰۱ سفر فضائی» استنلی کوبریک مقایسه کنید که نیم قرن پیش از فیلم «جاذبه» ساخته شده است. فیلم «دوازده سال بردگی» هم همان داستان «ریشه ها» است. تنها تفاوت آن، نحوه ارائه داستان است و بس؛ و این تنها امتیاز آن است. اما در اینجا باید از دو فیلم «یاسمین غمگین»

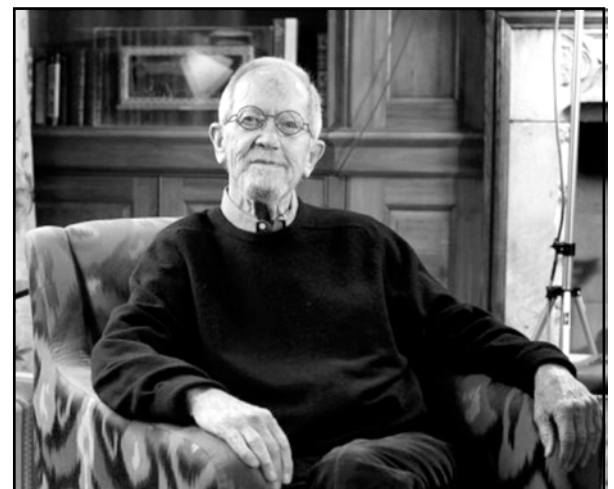
اسکار شده است و احتمال می رود که دست کم به عنوان بهترین فیلم سال جایزه اسکار را نصیب خود کند، داستان عده ای کلاهبردار، و همکاری آنها با اف.بی.آی برای به دام انداختن سیاستمداران فاسد و فریبکار در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ است. داستانی که سرانجام به پایانی خوش می انجامد؛ سیاستمدارها دستگیر می شوند و به زندان می افتند و به سزای اعمال زشت خود می رسند! فیلم «جاذبه» که شانس زیادی در ربودن جایزه بهترین کارگردان را دارد، گرچه نگاهی به تکنولوژی و آینده دارد ولی

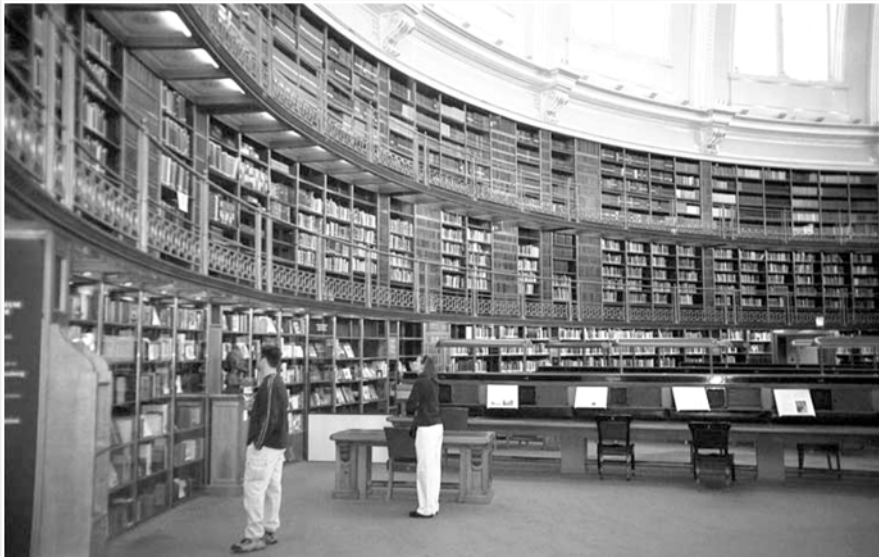


کرد و سبک و سیاق خاص خود را به وجود آورد. لئونارد سبک واقع گرایانه و سرسختانه داستان های جنائی داشیل همت و ریچارد چندلر را که در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بسیار عامه پسند بود، در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حیاتی دوباره بخشید. او نیز مثل همت و چندلر زندگی واقعی در شهرها و خیابان های میامی و دیترویت را در داستان های خود ترسیم کرد؛ داستان هایی که آکنده از خشونت و جنایت است. لئونارد تنها نویسنده سفیدپوستی بود که در داستان های جنائی خود، شخصیت های راستین سیاهپوستان و اسپانیائی ها را بدون تبعیض و تعصب ترسیم کرد. بسیاری از داستان های لئونارد به فیلم برگردانده شده است که موفقترین آنها *Get Shorty* با بازی جان تراولتاست. داستان های کوتاه «اعتراف» و «گناهکاران» را می توان از کتابفروشی های معتبر و آمازون خریداری کرد.

المور لئونارد نویسنده سرشناس داستان های جنائی، سال گذشته در ماه آگوست در هشتاد و هفت سالگی درگذشت. با این حال، لئونارد که استاد داستان های جنائی و سیاه مدرن لقب یافته است با دو داستان کوتاهی که اخیراً از او انتشار یافته است، به زندگی خود همچنان ادامه می دهد. انتشارات بایلیئر در سانفرانسیسکو که کتاب های خود را به صورت دیجیتال منتشر می کند، دو داستان کوتاه لئونارد را به نام های «اعتراف» و «گناهکاران»، ماه گذشته منتشر کرده و در اختیار علاقه مندان آثار لئونارد قرار داده است. این داستان ها را لئونارد در سال ۱۹۵۸ نوشته است. در آن زمان، او در یک موسسه آگهی های بازرگانی در دیترویت کار می کرد. این دو داستان را لئونارد تحت تاثیر سبک فشرده و تلگرافی همپنگوی نوشته است و در واقع آنها را می توان مرحله ای انتقالی در سبک کار او نامید؛ مرحله ای که بعدها لئونارد آن را به تدریج کامل و متحول

## دو داستان تازه از المور لئونارد





## اهمیت کتاب و کتابخانه‌های عمومی

طبق نظرخواهی تازه‌ای در برنامه‌ای به نام «پروژه زندگی آمریکائی و اینترنت»، ۹۵ درصد آمریکائی‌ها هنوز معتقدند که کتاب و کتابخانه‌های عمومی نقش موثری در زندگی آنها ایفا می‌کند. این بررسی که از آمریکائی‌های ۱۶ سال به بالا به عمل آمده است، حاکی از آن است که کتابخانه‌های عمومی نه فقط عشق به خواندن کتاب و سوادآموزی را تقویت می‌کند و پرورش می‌دهد بلکه یکی از منابع موثق برای پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. در

روزگاری که اغلب بر این باورند که کتاب‌های دیجیتال جایگزین کتاب‌های چاپی خواهد شد و کتابخانه‌ها جای خود را به اینترنت خواهد سپرد، این خبر دلالت بر اهمیت کتاب و کتابخانه‌ها می‌کند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که کتاب و کتابخانه همچنان به زندگی خود ادامه می‌دهند. علاوه بر این، برخلاف تصور عده‌ای، مجهز شدن کتابخانه‌ها به تکنولوژی جدید، فضای امن و مناسبی حتی برای علاقه‌مندان کامپیوتر و جستجوگران اینترنت به وجود آورده است.

## درگذشت لی روی جونز

### شاعر گستاخ سیاهپوست آمریکائی

کوتاه، یک رُمان، یک خودزندگی‌نامه، و نمایشنامه‌های متعددی نگاشته، و بررسی جامعی از موسیقی جاز آمریکا-آفریقائی نیز انتشار داده است. جونز مدرسهٔ تئاتر سیاهپوستان هنرمند آمریکائی را بنیان نهاد. کتاب‌ها و مجموعه‌های بسیاری از آثار آوانگارد سیاهپوستان آمریکائی را جمع‌آوری و ویرایش کرد و سردبیری بسیاری از مجله‌های معتبر آمریکائی را به عهده داشت. گذشته از این، جوایز و کمک‌هزینه‌های متعددی نیز دریافت کرده، در دانشگاه‌های آمریکائی به

لی روی جونز (Leroi Jones) شاعر گستاخ و جنجالی سیاهپوست آمریکائی که ابتدا به نسل شاعران و نویسندگان «بیت» پیوست و شهرت یافت و بعد به ناسیونالیسم سیاه و سپس به مارکسیسم گرایش پیدا کرد، ماه گذشته بر اثر بیماری در هفتاد و نه سالگی در بیمارستان نیوارک درگذشت. علت مرگ جونز افشا نشد.

گرچه لی روی جونز یکی از شاعران نامدار سیاهپوست آمریکائی است، اما شعرش را تنها بخشی از حرفهٔ ادبی‌اش می‌توان به شمار آورد. او مقاله‌ها، داستان‌های



مردمی آمریکائی، و تقلاي میان دنیای متضاد سیاه و سفیدی است که در آن زندگی می‌کند. شخصیت «من» در شعرهایش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، شعر جونز بیشتر تحت تأثیر شاعرانی چون والت ویتمن، ویلیام کارلوس ویلیامز، ازرا پاوند، گیوم آپولینر و نقاشان سوررئالیست فرانسوی است. با اینکه شعر جونز از سبک و محتوای متنوع و گسترده‌ای برخوردار است، وی همچنان می‌کوشید تا به تجربه‌های خود ادامه دهد، رشد کند، و نسل آینده را تحت تأثیر خود در آورد. با این حال، پس از لنگستون هیوز، لی‌روی جونز بیشترین تأثیر را بر شعر شاعران، بویژه شاعران جوان سیاهپوست آمریکائی نهاده است؛ آنچنان که به قول جرالد ارلی: «گمان نمی‌رود شاعر یا نویسنده سیاهپوست دیگری در آینده‌ای نزدیک یا دور بتواند چنین تأثیری بر نویسندگان و شاعران سیاهپوست بگذارد.»

مددکار اجتماعی بود که ترک تحصیل کرده بود. جونز که دبیرستان بارینجر را در سال ۱۹۵۱ با موفقیت تمام کرده بود، ابتدا با دریافت کمک هزینه تحصیلی به دانشگاه راتجر رفت و بعد در سال ۱۹۵۲ در دانشگاه هوارد در واشینگتن دی.سی. ثبت نام کرد. در سال ۱۹۵۶ از این دانشگاه به علت داشتن نمرات بد اخراج شد. جونز بی‌درنگ به نیروی هوایی ارتش آمریکا پیوست. آنگاه به درجهٔ گروهبانی رسید اما در سال ۱۹۵۷ به علت فرستادن اشعارش به چند نشریهٔ کمونیستی از نیروی هوایی ارتش آمریکا نیز اخراج شد. جونز سپس به گرینویچ و بلیچ کوچ کرد. در آنجا با شاعران سرشناسی چون الن گینزبرگ، فرنک اهارا، چارلز السن دوست شد و با هتی کوهن ازدواج کرد. پس از چندی با همسرش سردبیری یک مجله ادبی را به عهده گرفت.

شعر جونز بازتاب تجربه‌های فرهنگ

تدریس ادبیات اشتغال داشت. او یکی از بانفوذترین رهبران سیاسی و فرهنگی جامعه سیاهپوستان آمریکائی بود.

زندگی و دست آوردها، نوشته‌ها، و شعرهای جونز نه تنها به تعیین و تبیین چگونگی شکل‌گیری و تکامل سیاهپوستان آمریکائی کمک کرد، بلکه بازتاب گسترده‌ای از چنین تفکری در نیمه دوم قرن بیستم است. گسترش و رشد تفکرات سیاسی و فلسفی جونز را به چهار دوره متمایز می‌توان تقسیم کرد: درگیری با جنبش هنرمندان گرینویچ و بلیچ در دهه ۱۹۵۰؛ کاوش برای هویت خود و جامعهٔ سیاهپوستان آمریکائی در اوایل دههٔ ۱۹۶۰؛ دورهٔ پیوند با جنبش هنرمندان سیاهپوست و ناسیونالیسم سیاهپوستان؛ و سرانجام، دوره مارکسیست - لنینیست.

اورت لی روی جونز در سال ۱۹۳۴ در نیوارک، واقع در نیوجرسی، چشم به جهان گشود. پدرش کارمند ادارهٔ پست و مادرش

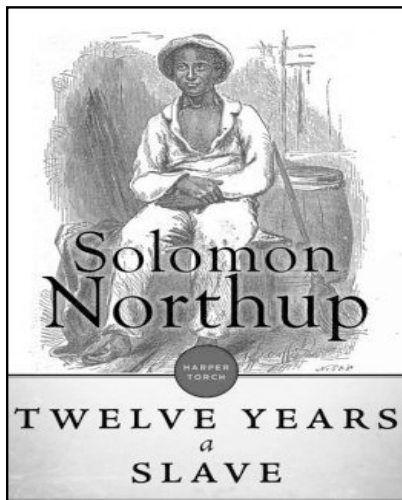
## از صفحه کتاب به پرده نقره‌ای: پیوند ادبیات و سینما



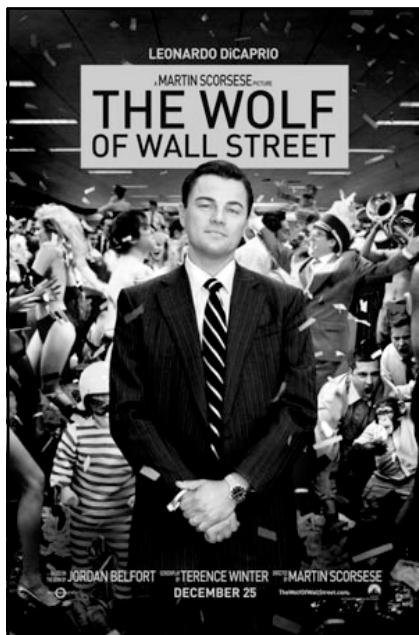
سال بردگی» نیز به شمار می‌آید. با اعلام نامزدهای جوایز اسکار که در معرفی و مطرح کردن فیلم‌ها تأثیری عظیم دارد، توجه به فیلم «دوازده سال بردگی» که نامزد ۹ جایزهٔ اسکار شده است، بی‌شک به فروش کتاب نیز کمک شایانی خواهد کرد.

این داستان که وقایع آن پیش از جنگ داخلی آمریکا می‌گذرد، مثل چند فیلم دیگری که امسال به نمایش عمومی در آمده و محبوبیت زیادی به دست آورده اند، زندگی تازه و دوباره‌ای یافته است. کتاب کم‌قطر نورتاپ سال‌ها گمنام مانده بود و جز مورخان و دانشگاهیان، اغلب دوستداران ادبیات از آن بی‌خبر بودند.

فیلم «دوازده سال بردگی» که سر و صدای زیادی ایجاد کرده است، بر اساس کتابی به همین نام ساخته و پرداخته شده است. این کتاب خاطرات گونه، در سال ۱۸۵۳، یک سال پس از شاهکار هریت بیچر استو، «کلبه عمو تام»، به وسیلهٔ سلیمان نورتاپ نوشته و منتشر شده است. «دوازده سال بردگی» در آن زمان در سایهٔ رمان کلاسیک بیچر استو قرار گرفت و از نظرها ناپدید شد. با این حال، خاطرات شخصی سلیمان نورتاپ (Solomon Northup)، پس از ۱۶۱ سال که از نخستین انتشار آن می‌گذرد، نه فقط جزو فهرست کتاب‌های پُر فروش در آمده است، بلکه از محصولات جنبی و مکمل فیلم «دوازده



تأثیر متقابل فیلم و کتاب بر یکدیگر نمایانگر این واقعیت است که سینما رابطه و پیوندی دیرینه با ادبیات دارد و بسیاری از فنون سینمایی از فنون ادبی مایه گرفته است (که جای بحث دیگری است) و برخلاف نظر عده ای که معتقدند سینما و تلویزیون مردم را از کتاب خواندن باز داشته اند، می بینیم که چنین عقیده ای چقدر نادرست است و سینما و تلویزیون در معرفی و ترویج کتاب ها، زمان ها و داستان های کوتاه و نمایشنامه ها تأثیری فوق العاده داشته اند.



«پادداشت های آن فرنک» جزو کتاب های درسی مدارس در آید.

کتاب دیگری که زندگی دوباره ای به علت برگرداندن آن به فیلم یافته است، «گرگ وال استریت» نام دارد.

این کتاب که خودزندگینامه عبرت انگیز جردن بلفورت است، در سال ۲۰۰۷ انتشار یافت و در همان سال جزو فهرست کتاب های پر فروش در آمد.

این کتاب هم از ماه دسامبر سال گذشته که فیلم آن به کارگردانی مارتین اسکورسیسی و با بازی جالب لئوناردو دی کاپریو به نمایش عمومی در آمد، به فهرست کتاب های پر فروش باز گشته است. بی شک، جنجالی که فیلم برانگیخته است، در فروش مجدد کتاب و مطرح کردن آن بی تأثیر نبوده است.



انتشارات پنگوئن بر آن شد تا پیش از اعلام خبر ساختن فیلمی بر اساس آن، نسخه تازه ای از این کتاب را در سال ۲۰۱۲ منتشر کند. طی یک سال، پنج هزار نسخه از این کتاب به فروش رفت. البته بیشتر در کالج ها و دانشگاه ها که کتاب نور تاپ جزو برنامه درسی بود. اما زمانی که اسم فیلم بر سر زبان ها افتاد، ورق برگشت و سی هزار

نسخه دیگر از کتاب به سرعت به فروش رفت. انتشارات پنگوئن، با توجه به موفقیت عظیم فیلم تصمیم گرفته است نسخه جدیدی با عکسی از فیلم به روی جلد کتاب، چاپ و روانه بازار کند. با اینکه کتاب دیگر در معرض حقوق مؤلف نیست و به مردم تعلق دارد، علاقه مندان برای خریدن نسخه پنگوئن به کتابفروشی ها هجوم می آورند. تاکنون بیش از صد و سی هزار نسخه از این کتاب در سال ۲۰۱۳ به فروش رفته است و اخیراً نیز در فهرست کتاب های پر فروش نیویورک تایمز قرار گرفته است. استیو مک کوئین، کارگردان فیلم که مقدمه ای بر نسخه اخیر این کتاب نوشته است و مرتب در باره آن تبلیغ می کند، معتقد است که این کتاب باید مثل کتاب



**GARY GREENE REALTORS**  
GaryGreene.com

**SOLD**

**BUYING  
SELLING  
LEASING**



فرشیده رجیبی راد  
(Farra)

مشاور صدیق شما در امور سرمایه گذاری املاک تجاری و مسکونی

- New or Resale Homes
- خانه های نوساز و غیره
- Luxury / Custom Properties
- منازل لوکس و اختصاصی
- Loan Assistance
- راهنمایی برای گرفتن وام
- Leasing
- منازل اجاره ای

281-389-2384

www.har.com/farra  
farra.rajabi@garygreene.com  
farshidehrajabirad@yahoo.com

2323 Town Center Dr. Sugarland, TX 77478



**P.M.A. Remodeling & Construction L.L.C**

خدمات ساختمانی و تغییرات دکوراسیون منزل

- نقاشی ساختمان
- ساخت حمام
- نصب کف پوشهای چوبی و سرامیکی
- تغییر دکوراسیون آشپزخانه
- نصب و تعمیر دربهای ورودی و پنجره ها
- نصب و تعمیر دیوارهای ساختمان
- خدمات الکتریکی
- خدمات لوله کشی
- تغییر دکوراسیون پله و نرده





بازدید و برآورد  
قیمت مجانی

پیمان (832) 860-3249

## Camden/Mitra Travel

Your Only Retail Consolidator

**We have the  
Lowest Fares in Town**

We are your Authorized Qatar Agent  
Call Us Now Special Low, Low Fares

We have special fares on Qatar and Emirates.

Please Call Us  
Special Cruises, Packages,  
Umrah and Hajj

**We Are Consolidators For :**








Preferred rates on Qatar, Emirates, Northwest, Delta, Turkish Airlines and Lufthansa

We Have  
Special Rates  
For  
HAJJ and UMRH

**Middle East and Tehran**

Come See our new office 12375 Bissonnet St Suite B, Houston Tx 77099

281-530-3000

Contact Syed | Fax: 281-530-3198 | Email: camdentravel@aol.com

PERSIAN DANCE - ARABIC - TURKISH - CLUB MUSIC - SALSA MUSIC -  
**DJ Shahrouz**  
 All occasions and every genre  
 INTERNATIONAL MUSIC - HIP HOP - TRANCE - DUBSTEP - TRAP -

\* Wedding جشن عروسی  
 \* Birthday Party جشن تولد  
 \* Graduation Party جشن فارغ التحصیلی  
 \* House Party پارتنی

Tel: (832) 567-1892

Email: djshahrouz@gmail.com  
 Facebook.com/djshahrouz

Laser Party Light  
 Effects Fog Machine  
 Photo Booth

INTERNATIONAL MUSIC - HIP HOP - TRANCE - DUBSTEP - TRAP -  
 PERSIAN DANCE - CLUB MUSIC -



## Smart Accounting Inc.

### خدمات حسابداری، مالیاتی، و دفتر داری Accounting, Payroll, Tax, Bookkeeping

انجام کلیه امور مالیاتی، مسابرداری شرکتها و اشخاص  
 با استفاده از پیشرفته ترین سخت افزارها و نرم افزارهای کامپیوتری  
 توسط با تجربه ترین متخصصین این امور با بیش از ۱۵ سال سابقه

- Provide Business startup services
- Corporate, Partnership, Sole proprietor Business Returns
- Limited Liability Companies - Federal and Multi-State
- Individual Tax Preparation - Federal and Multi-State
- Accounting and Bookkeeping
- Payroll and Financial Statements
- Payroll & Business Tax Fillings- Federal & Multi-State
- Profit and Loss Reports
- General Ledger and Cashbooks
- IRS and State Tax audit and presentation

**713-783-9100**

800 Wilcrest Dr. Suite 304  
 Houston, Texas 77042  
 Office: 713-783-9100  
 Fax: 713-783-9106  
 smartaccounting@yahoo.com

مشاوره رایگان

Ask for Fery Seirafi

296

## H & F Custom Remodeling



تعمیرات ساختمان • نقاشی ساختمان • نرده  
 کفپوش چوب • لوله کشی

Flooring • Dry Wall • Kitchen  
 Siding • Plumbing • Tile  
 Fencing • Painting

Tel: 281-496-1223  
 Cell: 281-814-6099  
 هوشنگ برزگار (Houshang)

296

## Iran Sattelite

برای اولین بار دستگاه گیرنده HD برای  
 تلویزیون HD با تضمین ۲ ساله جهت خرید و  
 نصب ماهواره با بهمن تماس حاصل فرمایید

بهمن 281-879-7979

با بیش از ۱۷ سال سابقه



با بیش از  
 ۲۵۰ کانال  
 بین المللی

RUMI SYMPHONY PROJECT  
**UNTOLD**

**SHAHRAM NAZERI**  
**HAFEZ NAZERI**

WITH AN ALL STAR ENSEMBLE

**HOUSTON**  
**CULLEN PERFORMANCE HALL**  
**UNIVERSITY OF HOUSTON**  
**SUNDAY APRIL 20TH**

STAR NATION ENTERTAINMENT **713-973-8686** **ماشا**

# خولیو کورتاسار:

ادبیات یک بازی است. اما از آن نوع بازی ها که انسان می تواند زندگی خود را یکسره وقف آن کند.

حسن فیاد

خولیو کورتاسار در سال ۱۹۱۴ در بروکسل، بلژیک به دنیا آمد. خانواده اش پس از جنگ جهانی اول به آرژانتین بازگشت و خولیو سال های کودکی خود را در بانفیلد (Banfield) سپری کرد که از بوئنس آیرس چندان دور نبود. کورتاسار زمانی که تحصیلات خود را به پایان رسانید به یکی از شهرهای بوئنس آیرس رفت و تا اوایل دهه ۱۹۴۰ به تدریس ادامه داد و در کنار آن نیز به نویسندگی پرداخت. *House Taken Over* یکی از داستان های کورتاسار در سال ۱۹۴۸ در مجله ای که خورخه لوئیس بورخس سردبیر آن بود، انتشار یافت. با این حال، پس از عزیمت کورتاسار به پاریس در سال ۱۹۵۱ بود که او موفق شد آثار عمده خود را انتشار دهد. کورتاسار در پاریس به عنوان مترجم و مفسر برای یونسکو و سازمان های دیگر به کار پرداخت. آثاری از ادگار آلن پو، دفو و مارگارت یورسنار را به فرانسه برگرداند. دومین زمان کورتاسار بنام *Hopscotch* در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. این رمان که سرگذشیا باید باشد (تجسوت جسته جوه های ماوراء الطبیعه ای و اگزستانسیالیستی یک آرژانتینی در زندگی شبانه پاریس و بوئنس آیرس بود، برای کورتاسار شهرتی عظیم فراهم آورد.

کورتاسار، در داستان های کوتاه است که شیفتگی خود را به خیال مستقیماً به نمایش می گذارد و گرچه او مهمتر از همه، به عنوان





کورتاسار: من «جدی» شدن را دوست ندارم، زیرا فکر نمی‌کنم که جدی هستیم؛ دست کم از این نظر که آدم صحبت از مردی جدی یا زنی جدی می‌کند. اما در این چند سال اخیر، درگیری‌های من با برخی رژیم‌های آمریکای لاتین - آرژانتین، شیلی، اوراگوئه - و مهمتر از همه، در حال حاضر، نیکاراگوئه مرا آنچنان شیفته و مجذوب کرده است که من خیال را در باره این موضوع در بعضی داستان‌های خود به کار برده‌ام. به عقیده من، این برداشت از خیال، به گونه‌ای به واقعیت بسیار نزدیک است. بنابراین، من کمتر از پیش احساس آزادی می‌کنم. بدین معنی که من سی سال پیش، چیزهایی می‌نوشتیم که به مغزم راه می‌یافت و آنها را تنها با معیارهای زیبایی‌شناسی می‌سنجیدم. امروزه، همچنان آنها را با معیارهای زیبایی‌شناسی می‌سنجم زیرا بیش از هر چیز دیگر، نویسنده‌ام؛ با این حال، من اکنون نویسنده‌ای هستم که شکنجه دیده و از وضع و حال آمریکای لاتین بسیار پریشان خاطر شده است. در نتیجه، این مسائل اغلب در نوشته‌هایم راه می‌یابد - خواه به شیوه‌ای خودآگاه یا به صورتی ناخودآگاه. اما بر خلاف داستان‌هایی که در آنها اشارات بسیار دقیقی به مسائل سیاسی و مربوط به ایدئولوژی شده است، داستان‌های من، در اصل، تغییری نیافته‌اند. آنها همچنان داستان‌هایی مبتنی بر خیال به شمار می‌روند.

مشکل نویسنده متعهد، همانطور که از آنها انتظار می‌رود، ادامه دادن به نویسندگی است. اگر آنچه او می‌نویسد صرفاً به صورت نوشته‌ای با محتوای سیاسی در آید، می‌توان آن را چیز بسیار متوسطی محسوب کرد و این بلائی است که بر سر تعدادی از نویسندگان آمده است. بنابراین، مسأله ایجاد موازنه است. برای من آنچه مهم است، ادبیات است. آنچه می‌نویسم پیوسته باید ادبیات

داستان‌های اخیر فاصله کمتری میان آنچه که خیال و آنچه که واقعیت می‌نامیم، وجود دارد. این فاصله در داستان‌های قبلی من بیشتر بود زیرا که خیال واقعاً خیال بود و گاه نیز به مرز مسائل ماوراءالطبیعه یا خارق‌العاده راه می‌یافت. بی‌شک، خیال حالتی از دگرگونی و مسخ به خود می‌گیرد و تغییر می‌پذیرد. برای نمونه، تصویری که ما از خیال در عصر رمان‌های گوتیک<sup>۱</sup> در انگلستان داشتیم، مطلقاً با برداشتی که امروزه از آن داریم، ارتباطی ندارد. امروزه، هنگام مطالعه «قصر اوترانتو» اثر هوریس والپول به خنده می‌افتیم؛ اشباح جامه‌های سفید به تن دارند؛ کالبدهایی که در اطراف گام بر می‌دارند با زنجیرهای خود

**من نویسنده‌ای هستم که  
شکنجه دیده و از وضع و حال  
آمریکای لاتین بسیار پریشان  
خاطر شده است. در نتیجه، این  
مسائل اغلب در نوشته‌هایم راه  
می‌یابد - خواه به شیوه‌ای  
خودآگاه یا به صورتی ناخودآگاه.**

سر و صدا به راه می‌اندازند. این روزها تصور من از خیال به آنچه که واقعیت می‌نامیم، نزدیکتر است و این شاید به این جهت است که واقعیت به مرز خیال نزدیکتر و نزدیکتر می‌شود.

وایس: در سال‌های اخیر، قسمت اعظم وقت شما صرف حمایت از مبارزات آزادی‌طلبانه گوناگون در آمریکای لاتین شده است. آیا این مسأله موجب نشده است که واقعیت و خیال برای شما ملموس‌تر شود و شما را جدی‌تر کند؟

استاد داستان‌های کوتاه جدید شهرت یافته، اما چهار رمانش، نه تنها از بدعت و خلاقیتی شگرف برخوردارند بلکه در عین حال، مسائل اساسی انسان در جامعه در آنها به تصویر کشیده شده است. Los premios (The Winner)؛ ۱۹۶۰، ۱۲: A Model Kit؛ ۱۹۶۸؛ که براساس پاره‌ای از تجربه‌های او به عنوان مفسر نوشته شده است، و نیز Libro de Manuel (translates to A manual for Manuel in English)؛ ۱۹۷۳؛ که موضوع آن در باره دزدیدن یک دیپلمات آمریکای لاتین است و بویژه از مسائل اساسی انسان در جامعه و بی‌عدالتی‌های اجتماعی صحبت می‌کند.

«آگران‌دیسمان» مشهورترین داستان کورتاسار است که اساس فیلم موفق و جالبی به همین نام از آنتونیونی قرار گرفت. بیش از پنج مجموعه داستان‌های کوتاه کورتاسار تاکنون به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است که تازه‌ترین آنها «ماگن‌دا را خیلی دوست می‌داریم» نام دارد. کورتاسار دو مجموعه از مقالات سیاسی خود را در باره نیکاراگوئه و آرژانتین نیز منتشر کرده است اما او، آنها را هرگز «ادبیات» نمی‌خواند چرا که میان «مبارز» و «روش‌نفکر» و «سیاست» و «ادبیات» - به گمان کورتاسار - تفاوت از زمین تا آسمان است!

در اینجا ترجمه بخش‌هایی از مصاحبه جیسون وایس را با کورتاسار می‌خوانید.

\*\*\*

وایس: چنین به نظر می‌رسد که در بعضی داستان‌های تازه‌تر کتاب شما، Deshoras، خیال بیش از پیش بر دنیای واقعیت چیره شده است. آیا شما خودتان احساس کرده‌اید که خیال و واقعیت‌های متعارف به صورت واحدی در آمده‌اند؟

کورتاسار: بله. احساس می‌کنم که در این

نوع بازی‌ها که انسان می‌تواند زندگی خود را یکسره وقف آن کند. انسان می‌تواند برای این بازی هر کاری که می‌خواهد بکند.

**وایس: از چه زمانی به مسأله خیال علاقه مند شدید؟ خیلی جوان بودید؟**

کورتاسار: این مسأله از کودکی با من بود. اغلب همشاگردی‌هایم برداشتی از خیال نداشتند. آنها همه چیز را آنچنان که بود، می‌پنداشتند: این گیاه است، آن صندلی است. اما برای من، اشیاء به این شکل بسیار مشخص، وجود ندارد. مادرم که هنوز هم در قید حیات است و زن بسیار خیالپردازی است، مرا در این راه ترغیب می‌کرد و به من نمی‌گفت: «نه، نه، باید جدی باشی.» از خیال پردازی من خیلی خشنود بود. وقتی که من به دنیای راز و خیال روی آوردم، با دادن کتاب‌هایی مرا یاری کرد. من آثار ادگار آلن پو را برای اولین بار، وقتی که هنوز بیش از نه سال نداشتیم، مرور و مطالعه کردم. آثار او مرا به وحشت انداخت و سه ماه آزار بیمار شدم زیرا آنها را باور کرده بودم. برای من خیال امری کاملاً طبیعی بود. ابدأ تردیدی نداشتیم که چیزهایی ممکن است وجود نداشته باشند. وقتی که من این کتاب‌ها را به دوستانم می‌دادم، به من می‌گفتند: «ما ترجیح می‌دهیم داستان‌های کابویی بخوانیم.» کابوی‌ها، بویژه در آن زمان، خیلی مورد پسند و دوست داشتنی بودند. من این را درک نمی‌کردم. دنیای فوق طبیعی، دنیای راز و خیال را بیشتر دوست می‌داشتیم.

**وایس: وقتی که شما آثار کامل ادگار آلن پو را سال‌ها بعد ترجمه کردید، آیا چیزهای**

گیرم و روی اشعار و داستان‌هایی که منحصرأً جنبه ادبی خواهد داشت، کار کنم. اما این نظامی‌ها هستند که برای من کار می‌تراشند.

**وایس: شما همه جا گفته‌اید که ادبیات برای شما، به منزله بازی است. چگونه می‌توان ادبیات را بازی تلقی کرد؟**

کورتاسار: ادبیات برای من یک نوع بازی است. البته پیوسته افزوده‌ام که دو نوع بازی وجود دارد. یکی فوتبال، برای نمونه، که اساساً یک بازی است و دیگری، بازی‌هایی را می‌توان نام برد که بسیار عمیق و جدی هستند. وقتی که بچه‌ها به بازی می‌پردازند، گرچه خود را سرگرم می‌کنند، اما

## کودکان و جوانان در رمان‌ها و داستان‌های من افرادی سرزنده و شادابند. من با عشق بسیار به آنها می‌پردازم.

بازی را خیلی جدی می‌گیرند. آن را مهم تلقی می‌کنند. بازی برای آنها، آنچنان جدی است که عشق در ده سال بعد، به یاد دارم زمانی را که کوچک بودم و پدر و مادرم به من می‌گفتند: «خیلی خوب، به اندازه کافی بازی کرده‌ای، حالا بیا حمام بکن.» به نظرم برداشت آنها از بازی من، ابلهانه بود. زیرا برای من حمام کردن موضوعی ابلهانه بود. هیچگونه اهمیتی نداشت. در حالی که بازی با دوستانم چیزی جدی بود. ادبیات به این بازی شبیه است - یک بازی است؛ اما از آن

تلقی شود، آن هم به متعالی‌ترین نوعی که می‌تواند تحقق یابد. از این رو، پیوسته باید به فراسوی امکانات دست یابیم. اما در عین حال می‌گویم که آمیزه‌ای از واقعیت امروزی را به دست دهم و این موازنه بسیار دشواری است. دررمان Deshoras که داستانی است در باره خیانتکار - در یکی از اپیزودها بنام «ساتارسا»، مبارزه علیه مجاهدین آرژانتینی را بررسی می‌کنم. در این اپیزود، قصدم فقط پرداختن به جنبه سیاسی آن بود.

**وایس: واکنش به این نوع داستان‌ها چگونه بوده است؟ تأثیرش بر اهل ادب بیش از تأثیر بر اهل سیاست بود؟**

کورتاسار: البته. خوانندگان بورژوازی آمریکای لاتین که نسبت به سیاست بی‌اعتنا هستند یا کسانی که خود را با جناح راست در یک ردیف می‌بینند، نگران مسائلی نیستند که ذهن مرا آشفته می‌کند؛ مسائلی چون بهره‌کشی از آدم‌ها، سرکوبی آدم‌ها، و غیره. این آدم‌ها از اینکه داستان‌های من اغلب حالتی سیاسی به خود گرفته‌اند، ابراز ناراحتی می‌کنند. خوانندگانی دیگر، مهمتر از همه، جوانانی هم یافت می‌شوند که خود را در احساسات من، نیاز من به مبارزه، سهیم می‌دانند. این‌ها ادبیات را - این داستان‌ها را - دوست دارند. کوبانی‌ها از خواندن «ملاقات» شادمان می‌شوند و مردم نیکاراگوئه «آخرزمان در سولن تی نامی» را می‌خوانند و از مطالعه مجدد آن بسیار لذت می‌برند.

**وایس: چه چیزی موجب درگیری فزاینده سیاسی شما شده است؟**

کورتاسار: نظامی‌ها در آمریکای لاتین، آنها موجب شده‌اند که من سخت‌تر کار کنم. اگر آنها برکنار شوند، اگر تغییر و تحولی در وضع آنجا روی دهد، آن وقت می‌توانم کمی آرام

من شخصیتی را می بینم، و وجود او کسی را به خاطر من می آورد که می شناسم یا گاهی دو نفری را که می شناسم به یادم می آورد که در شخصیت او کمی با هم در آمیخته اند. اما بعداً همه چیز متوقف می شود. پس از آن شخصیت داستانی بر اساس شخصیت خود عمل می کند. چیزهایی می گوید که من هرگز نمی دانم. در واقع نمی دانم هر کدام از آدم ها، وقتی که گفتگوها را می نویسم، چه خواهد گفت. همه چیز به آنها مربوط می شود. من فقط سخنانی را که آنها می گویند، ماشین می کنم. گاهی اوقات از خنده روده بُر می شوم یا صفحه ای را دور می ریزم و با خود می گویم: «اینجا، اینجا چیزهای مزخرفی می گوئید. گورتان را گم کنید!» و من صفحه دیگری را بر می دارم و کار نوشتن گفتگوی آنها را از سر می گیرم.

**وایس: بنابراین، این شخصیت هائی که می شناسید، آنهایی نیستند که شما را ناگزیر به نوشتن می کنند؟**

کورتاسار: نه، ابداً. اغلب من فکری برای داستانی دارم اما هنوز شخصیت هایم را پیدا نکرده ام. فکر عجیبی دارم: چیزی در خانه ای در بیلاق می بینم - وقتی که می نویسم خیلی عینی هستم. همه چیز را می بینم - و آنگاه ناگهان شروع به ساختن و پرداختن شخصیت ها می کنم. در اینجا، یکی از شخصیت ها ممکن است کسی باشد که من او را می شناسم. اما این مسأله قطعی نیست. اغلب شخصیت هایم، در پایان، خلق شده اند. در نتیجه، بی تردید، خصوصیات از خودم هم در آنها هست. در داستان Hopscotch اشارات بسیاری به تاریخچه زندگی خودم در شخصیت «اولیورا» شده

مقایسه با نبوغ او، به راحتی می توان این جنبه از کار او را نادیده گرفت! در آن زمان نوشتن داستان هائی از قبیل «سقوط خانواده آشر»، «لیجیا»، یا «گره سیاه» هر کدام نشانه ای از نبوغ پو به شمار می رفت.

**وایس: در نوشته های شما، علاوه بر خیال، نوعی گرمی و مهر و محبت نسبت به شخصیت های آثارتان احساس می شود.**

کورتاسار: وقتی این شخصیت ها را کودکان و جوانان تشکیل می دهند، من مهر و محبت بسیاری نسبت به آنها احساس می کنم. آنها در رمان ها و داستان های من افرادی سرزنده و شادابند. من با عشق بسیار به آنها می پردازم. وقتی داستانی می نویسم که قهرمان آن جوان است، خود را جوان احساس می کنم. با شخصیت های بزرگسال، مسأله فرق می کند.

**وایس: آیا اغلب این شخصیت ها یادآور اشخاصی هستند که آنها را می شناسید؟**

کورتاسار: نه اغلب آنها، بلکه تعدادی از آنها یادآور اشخاصی است که می شناسم. بسیاری اوقات شخصیت هایی هستند که آمیزه ای از دو یا سه آدم مختلف اند. من، برای نمونه، شخصیت زنی را بر اساس دو زن دیگری که می شناختم، ساخته و پرداخته ام. این امر شخصیت داستان ها را پیچیده تر می کند.

**وایس: منظورتان این است که وقتی احساس می کنید که احتیاج به پیچیده تر کردن شخصیتی دارید، دو نفر را با هم در می آمیزید؟**

کورتاسار: نه به این صورتی که شما بیان می کنید. این شخصیت ها هستند که مرا راهنمایی می کنند. یعنی که

**تازه ای کشف کردید؟**

کورتاسار: چیزهای بسیاری کشف کردم. من به جستجو و مکاشفه زبان پو پرداختم؛ زبانی که هم انگلیسی ها و هم آمریکائی ها آن را به باد انتقاد گرفته بودند چرا که آن را بسیار غریب و بی تناسب یافته بودند. از آنجا که من نه انگلیسی و نه آمریکائی هستم، به زبان پو با دید دیگری می نگرم. می دانم که جنبه هایی از زبان پو کهنه و مبالغه آمیز است اما در





است. من « اولیویرا » نیستم، اما خیلی چیزها در او هست که از نخستین روزهای دوران زندگی کولی وار من در پاریس مایه گرفته است. با این حال، خوانندگانی که « اولیویرا » را به منزله کورتاسار در پاریس می بینند، اشتباه می کنند. نه، نه، من با او خیلی فرق دارم.

**وایس: آیا شهرت و موفقیت لذتبخش بوده است؟**

کورتاسار: آه! گوش بدهید. می خواهم داستانی برای شما نقل کنم که هیچکس باورش نمی شود. اما موفقیت برای من لذتبخش نیست. خوشحالم که می توانم از درآمد نوشته های خود امرار معاش کنم؛ بنابراین باید با جنبه انتقادی و اجتماعی آن نیز بسازم. با این حال، وقتی که ناشناس بودم زندگی برایم لذتبخش تر و بسیارشادمان تر بود. حالا وقتی به آمریکای لاتین یا اسپانیا می روم بی درنگ در هر ده قدمی شناخته می شوم. از من امضاء می خواهند و مرا در آغوش می گیرند ... خیلی هیجان انگیز و متاثر کننده است زیرا اینها همه خوانندگان آثارم هستند که اغلب نیز کاملاً جوانند. خوشحالم که آثارم را دوست دارند اما این امر از نظر زندگی خصوصی ام بسیار پریشان کننده است. در اروپا حتی نمی توانم به کنار دریا بروم. در عرض چند دقیقه عکاس ها ظاهر می شوند. ظاهر جسمانی من طوری است که نمی توانم خودم را از دیگران پنهان کنم و تغییر قیافه بدهم. اگر کوتاه قامت بودم می توانستم ریشم را بتراشم و عینکی بزنم،

من نزدیک شد. کیکی در دست داشت و به من تعارف کرد که: « خولیو تکه ای بردار. » من هم تکه ای برداشتم و خوردم و به او گفتم: « خیلی ممنونم از اینکه نزد آمدید و کیکی به من دادید. » او به من گفت: « اما، گوش بده، چیزی که من به شما دادم در مقابل چیزی که شما به من داده اید، خیلی ناچیز است. » گفتم: « تعارف نکنید، تعارف نکنید. » همدیگر را در آغوش گرفتیم و آن وقت مرا ترک گفت. خوب، حوادثی از این قبیل، بهترین پاداش برای کار من به عنوان نویسنده است. اینکه دختری یا پسری نزد شما می آید و تکه کیکی به شما تعارف می کند، بسیار عالی است؛ به دروسهای نویسندگی می ارزد.

اما با قامت بلند و بازوان درازی که دارم می توانم مرا از دور بشناسند. از سوی دیگر، حوادث بسیار زیبایی هم رخ می دهد. ماه گذشته در بارسلون بودم. یک شب در یکی از محله های گوتیک قدم می زدم. یک دختر آمریکائی که بسیار زیبا بود و خیلی خوب گیتار می نواخت و آواز می خواند، روی زمین نشست. او برای گذران زندگی خود آواز می خواند؛ آواز خواندنش کمی شبیه جون بائز بود. صدائی صاف و ناب داشت. عده ای از جوانان بارسلون دورش جمع شده بودند و به آواز او گوش می دادند. من توقف کردم تا به آوازش گوش دهم. در تاریکی ایستادم. یک وقت یکی از این جوانان که بیست ساله می نمود و خیلی جوان و خوش سیما بود به

۱- رمان گوتیک یکی از انواع رمان است که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم از محبوبیت خاص و فوق العاده ای برخوردار بود. از آن پس تا کنون نیز تاثیر زیاد و قابل ملاحظه ای بر سایر انواع رمان گذاشته است.

**ایران**

# BONYAD

برگزار می کند **بنیاد**

## سیزده بدر ۱۳۹۳

یکشنبه ۶ آپریل ۲۰۱۴

### گرد همایی سالانه ایرانیان

**موزیک زنده**



**D.J. شهر روز**

با هنرمندی **قاسم گلی**  
شومن و کمدین بی رقیب صحنه ها

**Sunday, April 6th, 2014**  
**Bear Creek Park, Pavilion 6**

برای اسپانسر شدن، رزرو میز و یا کمک های داوطلبانه لطفاً با شماره های زیر تماس بگیرید

**جشن شب چهارشنبه سوری** در محوطه پارکینگ "بنیاد"

**سه شنبه: ۱۸ مارچ**  
Tuesday March 18  
7:00 pm

**آتش بازی و سرگرمی برای کودکان**  
10125 Emnora Ln. Houston, TX 77080

تلفن اطلاعات: (832) 466-8849  
تلفن پیام گیر بنیاد: (713) 461-4726

بقیه از صفحه ۵۱

## ادامه گفتگو با داریوش

است، بیماری تنهایی و انزوا و خلاء معنوی است؛ بیماری دور شدن از خود و دور شدن از خداست. من اینها را می دانم و تجربه کرده ام. در نتیجه، از خانواده ها خواهش می کنم پنهانکاری و توجیه نکنند و این مسأله را شوخی نگیرند. بیماری اعتیاد، مثل سرماخوردگی قابل سرایت است؛ قابل سرایت به همه اقشار و رده های جامعه، از فقیرترین تا غنی ترین.

**احمد آدم: خیلی ها به این بیماری، صفت خانمانسوز می دهند. چرا که بسیاری از خانواده ها به خاطر اعتیاد از هم پاشیده شده اند.**

داریوش اقبالی: بله، خیلی ها به دلیل اعتیاد از هم جدا می شوند. من فکر می کنم این مسأله بیشتر به دلیل عدم آگاهی اتفاق می افتد. خانمی که شوهرش معتاد است به من مراجعه کرد و گفت: «من باید چکار کنم؟» من به او گفتم: «شما هیچ کاری نباید بکنی. شما باید ببینی آیا همسرت کمک می خواهد! اگر او کمک می خواهد، باید خودش با ما تماس بگیرد. الان شما می خواهی او ترک کند؛ شاید او نمی خواهد ترک کند؛ شاید هنوز دارد لذت می برد. اگر او با ما تماس بگیرد، او را برای ترک به بیمارستان های دولتی معرفی می کنیم و او بدون پرداخت هیچ هزینه ای درمان می شود. اما باید متوجه باشید که او وقتی بعد از ترک به خانه می آید، تغییر شخصیت می دهد؛ یعنی حالت روحی و روانی اش تغییر

باید بدانید یک سازمانی مثل «آیین» وجود دارد که درباره اعتیاد به شما اطلاعات می دهد. تماس بگیرید، موضوع را بگویید و پپرسید چکار باید انجام دهیم! چطور باید با فرزندم که معتاد شده برخورد کنم! یادتان باشد که دعوا، کتک کاری، حبس کردن و موارد مشابه درباره فرد معتاد کارایی ندارد. شما این کارها را از روی ناشیگری می کنید و تنها باعث می شود فرد معتاد از شما دور شود.

**احمد آدم: فکر می کنید پنهانکاری در مورد اعتیاد چه مشکلاتی برای فرد معتاد یا خانواده اش ایجاد می کند؟**

داریوش اقبالی: زمانی که یک فرد معتاد، به هر طریقی (گاهی با تلفن و گاهی با ایمیل) به من مراجعه می کند، من بدون اینکه او را نصیحت کنم ابتدا از خودم حرف می زنم. می گویم من این راه را رفتم؛ این حالت را داشتیم؛ این طور فکر می کردم و... بعد آن فرد متوجه می شود که دردش مثل درد من است، ولی او تا حالا آن را پنهان کرده است. اعتیاد، بیماری پنهانکاری

**\* اعتیاد، بیماری پنهانکاری است، بیماری تنهایی و انزوا و خلاء معنوی است؛ بیماری دور شدن از خود و دور شدن از خداست. من اینها را می دانم و تجربه کرده ام.**



آنها مثل زندگی موشی است که در چرخه آزمایشگاه می دود؛ می دوند که زندگی کنند و زندگی می کنند که بدوند. متأسفانه قضیه انکار در قشر متمول جامعه بیشتر دیده می شود. آنها فکر می کنند معتاد کسی است که بی خانمان شده و در خیابان افتاده است. می گویند، ما که معتاد نیستیم. حالا طرف الکلی، تریاکی، قرصی، کوکائینی است، اما انکار می کند. حتی دیده ام که طرف می گوید آقا! من سی سال است که دارم مواد مصرف می کنم اما معتاد نشده ام! که باید به او گفت: واقعاً شما شاهکاری! اتفاقاً قشر متمول جامعه چون به مسأله مالی شان می نازند، بیشتر در معرض خطر هستند و تا زمانی که اقرار نکنند و خودشان نخواهند هیچکس نمی تواند به آنها کمک کند. ای کاش جامعه ما از حالت انکار بیرون بیاید. الان دیگر تابوی ایدز و اعتیاد برداشته شده. همانطور که یک فرد مبتلا به سرطان، درباره بیماری اش صحبت می کند، یک فرد معتاد هم باید بداند که اعتیادش هم یک نوع بیماری است و باید بتواند از بیماری اش حرف بزند تا از دیگری که این راه را رفته اند، کمک بگیرد. اعتیاد خیلی از هنرمندان را از ما گرفته؛ خیلی از هنرپیشه ها، شعرا و ادبا... چه در ایران و چه در همین جا، آنها به خاطر همین بیماری زمینگیر و نابود شدند. همه، بیماری آنها را انکار می کردند. چقدر زیبا بود اگر می گفتیم: شاعر خوبی بود،

شخص در انزوا زندگی می کردند و زمانی که هم صحبت می شوند، الکل را فراموش می کنند. آنها متوجه می شوند که مثلاً سه روز است لب به الکل نزده اند. تعجب می کنند از این که توانسته اند این مدت مشروب نخورند. این هم صحبتی را ادامه می دهند و همینطور بر شمار روزها افزوده می شود؛ روزهایی که آنها سراغ الکل نمی روند. همان طور که گفتیم، بیماری اعتیاد، بیماری روحی و روانی - رفتاری است؛ افراد می توانند همدیگر را حمایت کنند. این دقیقاً همان چیزی است که در برنامه ۱۲ قدم مطرح می شود. این برنامه می گوید: اگر آزادی را می خواهی، به راحتی آن را در اختیار تو نمی گذارم. باید خودت بگردی و پیدایش کنی. باید بخواهی و طالب باشی تا آن را به تو هدیه کنم. در همین شهر، جلسات دوازده قدم، هم به زبان انگلیسی و هم به زبان اسپانیسی، برگزار می شود. کافی است به [na.org](http://na.org) (narcotics anonymous) مراجعه یا [aa.org](http://aa.org) (alcoholic anonymous) کنید و اطلاعات بگیرید. معتادان گمنام و الکلی های گمنام، دو سازمانی هستند که یکی ۸۰ سال و دیگری ۷۰ سال قدمت دارد. این سازمان ها یک فرمول دارند. معتادان الکلی و معتادان مواد مخدر در این جلسات دور هم جمع می شوند و از طریق یکدیگر حمایت روحی می شوند. باور کنید که این جلسات معجزه می کند. من هم دوست دارم این جلسات را برگزار کنم اما ممکن است به دلیل بیماری پنهانکاری که در جامعه ما ریشه دوانده، خیلی ها از شرکت در آن خودداری کنند.

### احمد آدم: می ترسند که دیگران متوجه اعتیاد آنان شوند؟

داریوش اقبالی: بله این خاصیت بیماری اعتیاد است. من این درد را می فهمم، بخاطر آن رنج برده ام و برای همین دلم می خواهد کمک کنم. بعضی وقت ها می بینی یک کلمه می گویی و زندگی طرف عوض می شود. اما بعضی ها همیشه در انکار هستند. زندگی

می کند. به قول قدیمی ها که می گفتند جن رفته بوده در وجودش، بعد از ترک، این جن بیرون می آید. بنابراین اگر شما می خواهی خانواده ات را داشته باشی، خودت هم باید در جلسات مشاوره خانواده ها شرکت کنی. برای اینکه اعتیاد او، شما را هم خسته و بیمار کرده و غیر از این، شما باید بدانید با این فردی که تغییر شخصیت داده چطور باید رفتار کنید.»

### احمد آدم: وقتی به خانواده ها می گوید خودشان هم باید در جلسات مشاوره شرکت کنند، برخوردشان چطور است؟

داریوش اقبالی: متأسفانه خیلی از افراد ناراحت می شوند. مثلاً می گویند: من که مواد مصرف نمی کنم، برای چه باید بروم جلسه؟ ما به آنها می گوئیم: شما هم به جلسه احتیاج دارید، چون در جلسه، شما را راهنمایی می کنند؛ به شما یاد می دهند که چطور آرامش داشته باشید؛ تا شما مشکل را از دریچه چشم و ذهن خودتان ببینید و یاد بگیرید چطور باید با همسران که تازه ترک کرده، برخورد کنید. خدا را شکر در بنیاد آینه، این بخش، کنار بخش های دیگر، مثل برنامه هایی که برای پناهنده ها در نظر گرفته شده یا بخش سمینارها، یا کلاس های ۱۲ قدمی، قرار می گیرد و در کل نوعی روش زندگی را مطرح می کند؛ روشی که از ۸۰ سال پیش توسط دو شخص الکلی که یکی از آنها دکتر و دیگری تاجر بوده، پا گرفته است. این دو



Photo by: Heather Dehghan



Photo by: Stars Photography

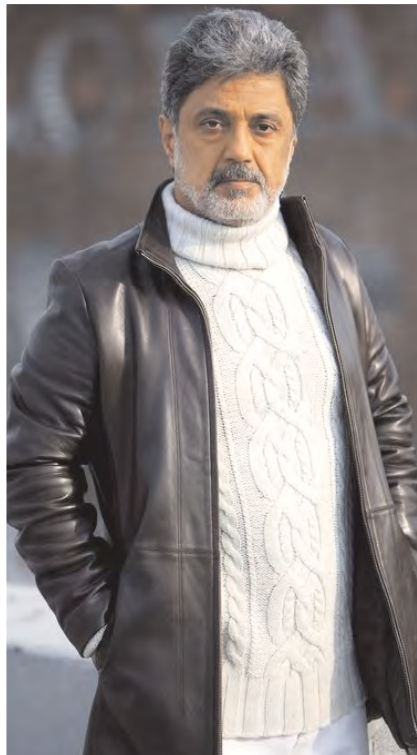
این موضوع و اهمیت آن را درک می کنند؛ ولی یک عده هم اصلاً متوجه نمی شوند.

### احمد آدم: انتظار شما از مردم چیست؟ از کسانی که الان در حال خواندن مجله عاشقانه هستند چه انتظاری دارید؟

داریوش اقبالی: من فکر می کنم همانطوری که یک جامعه به بیمارستان و مدرسه نیاز دارد، به یک مرکز و بانک اطلاعاتی رایگان هم برای آسیب های اجتماعی نیاز دارد. هدف من این است که یک مرکز برای پیام رسانی و دادن اطلاعات (بانک اطلاعاتی) که به رایگان در خدمت مردم باشد، به وجود بیاورم. وظیفه مردم هم هست که همت کنند و در این راه، به خاطر خودشان و فرزندانشان، دست یاری به هم بدهند. در هر شهری با کمک همدیگر چنین مراکزی را به وجود بیاورند و روانشناسان هفته ای یک روز، رایگان در خدمت مردم باشند. یکی دیگر از رویاهایم این است که یک شبکه تلویزیونی بین المللی با هدف ارائه راهکارهایی برای بیماری اعتیاد تأسیس کنم و با ملیت های مختلف به جنگ این بیماری جهانی بروم. البته شبکه ای که برنامه های سرگرم کننده هم داشته باشد و اهدافم را در کنار این برنامه ها مطرح کنم. ناگفته نماند که قرار بود چند نفری مرا در انجام این طرح ها کمک کنند، اما، آنها نامیدم کردند. یعنی قول دادند و عمل نکردند و رفتند. یک بار یکی به من گفت: من ۴۰ مدرسه در ایران ساخته ام. در جواب گفتم: کنار مدرسه هایت، قبرستان هم بساز! برای اینکه در مملکتی که مواد مخدر زیاد است، آموزش و آگاهی دادن درباره مواد مخدر از آموزش درس مهمتر است.

شنیده ام کسی برای ترک اعتیاد، ۵۰، ۶۰ هزار دلار هزینه می کند، می رود کنار ساحل ملیبو می خوابد. اینها ترک کردن با ناز و اطوار است. برای ترک کردن باید به باغ رفت، از آن باغ هایی که درهای قدیمی دارند

شود. در یک ضلع این مثلث، «ان.جی.او»ها کنارهم قرار بگیرند. ضلع دیگر را رسانه ها تشکیل دهند؛ که این سازمان های مردم نهاد را تشویق و معرفی می کنند، و ضلع سوم، مردم هستند. در حال حاضر من با یک «ان.جی.او»ی حقوق بشری و یک «ان.جی.او»ی دیگر که برای ایدزی ها برنامه هایی برگزار می کند، به عنوان یک سرباز همکاری می کنم. این «ان.جی.او» که توسط برادران اعلایی پایه گذاری شده، بحث هزینه درمان را هم مورد نظر قرار داده و کلینیک هایی را برای آنها می که بیمه ندارند، در نظر گرفته است. به نظر من، اگر این مثلث تشکیل شود و «ان.جی.او»ها کنار هم باشند و سازمان های مردمی قدرت بگیرند، شاید بتوانند یک نماینده به پارلمان بفرستند؛ آنوقت اگر سناتورهای از جمله به عراق صحبت کند، نماینده «ان.جی.او» از حقوق بچه ها دفاع می کند. من این رؤیا را در سر دارم. برای همین هم سمینار برگزار می کنم، پیام می دهم و با «ان.جی.او»های مختلف همکاری می کنم. یک عده از مردم



اما اعتیاد داشت؛ بیمار بود. بنابراین از اعتراف به این بیماری شرم نداشته باشیم. زمانی که یک بیمار، خودش کمک بخواهد، گروه دو، سه هزار نفری بنیاد آیین به درهر جای دنیا از هیچ کمکی دریغ نخواهند کرد. این عشق بلاعوض در بچه های بهبود یافته عجیب است و معجزه می کند. آنها واقعاً مثل یک سرباز آماده به خدمت هستند، و به افراد تازه وارد خدمت بیشتری می کنند، یعنی مثل پروانه دورسر تازه واردها می گردند. بعضی وقت ها محبت و عشق آنها را که می بینم، فکر می کنم کاش جامعه ما از اینها الگوبرداری کند.

### احمد آدم: چرا به تازه واردها بیشتر توجه می شود؟

داریوش اقبالی: برای اینکه می دانند آنها در شرایطی هستند که به توجه و مراقبت بیشتری احتیاج دارند. برای آنکه خودشان آن دوران را فراموش نکرده اند و می دانند هیچ چیز مثل دادن عشق و محبت کارایی ندارد. آنها خودشان را برای تازه وارد تعریف می کنند و بعد سرتاپا گوش می شوند و حرف ها و درد دل های او را می شنوند.

### احمد آدم: در ایران وضعیت چطور است؟ آیا بنیاد آیین می تواند به افرادی که داخل ایران هستند، کمک کند؟

داریوش اقبالی: در آنجا نمی گذارند بنیاد آیین به طور رسمی کار کند، اما بچه های ایران دارند با ما کار می کنند. اگر شما برنامه های تلویزیونی را نگاه کنید، بچه های داخل ایران را می بینید. ما شعار نمی دهیم. دنبال قدرت هم نیستیم. ما فقط سربازانی هستیم که پیام رهایی و آزادی را می رسانیم. کسی که پیام را دریافت کند در مسیر بهبودی می افتد. متأسفانه امروزه شیشه و کراک دارد در ایران نسل کشی می کند و باز هم تأکید می کنم که خانواده ها باید بیشتر در مورد اعتیاد بدانند. من فکر می کنم برای داشتن یک جامعه سالم باید یک مثلث تشکیل



بمیری، مثل خیلی ها که مردند، و یا به زندگی برگردی. من در پنج سال آخر قبل از سال ۲۰۰۰، در شرایط روحی بسیار بدی بودم. خدا را صد هزار مرتبه شکر می کنم که آن روزها گذشته است. زندگی ام در آن روزها بسیار آشفته بود. هیچکس نمی دانست خواننده شناخته شده در خلوت و انزوای خودش چه رنجی می کشد. جلوی آینه قیافه خودم را می دیدم و هزار تا فحش و لعنت به خودم می دادم. حدود سال ۹۸ بود؛ خسته و درمانده، رفتم سراغ یلوبیج، یک بیمارستان پیدا کردم و رفتم خودم را معرفی کردم. بعد از پنج روز برگشتم خانه، اما چون مجهز نبودم و کسی که بهبود یافته باشد دور و برم نبود، دوباره لغزش کردم. ببینید! کمک بهبود یافته ها خیلی موثر است. این بیماری، بیماری گردن کلفتی است و برای مقابله با آن باید یار جمع کنی. بهبود یافته ها بهترین یاران هستند؛ چون همدرد بوده اند و می دانند طرف چه می کشد. به قول معروف غم مرگ برادر را برادر مرده می داند. الان در ایران، بچه ها بدون دارو، با کمک افراد بهبود یافته ترک می کنند؛ چون مطمئن هستند که بیماریشان روحی-روانی است و احتیاجی به دارو نیست. هفته اول، چهار، پنج نفر بهبود یافته دور و بر تازه وارد را می گیرند؛ به او می رسند و محبت و نوازشش می کنند تا آن دوره طی شود. بعد از آن هم او را تنها نمی گذارند و مدام او را حمایت روحی می کنند؛ یعنی هر وقت، حتی ساعت سه نصف شب، فرد به آنها احتیاج داشته باشد، خودشان را می رسانند. این افراد می شوند حامی (اسپانسر) فردی که ترک کرده و به قول معروف نقش برادر بزرگ (big brother) را ایفا می کنند. فرمول ۱۲ قدم را همه روانشناسان دنیا قبول دارند. این که برای آزادی و رهایی باید خودت قدم برداری و از تجربیات همدردهایت استفاده کنی. اما من آن زمان این فرمول را نمی شناختم.

بقیه در صفحه ۸۰

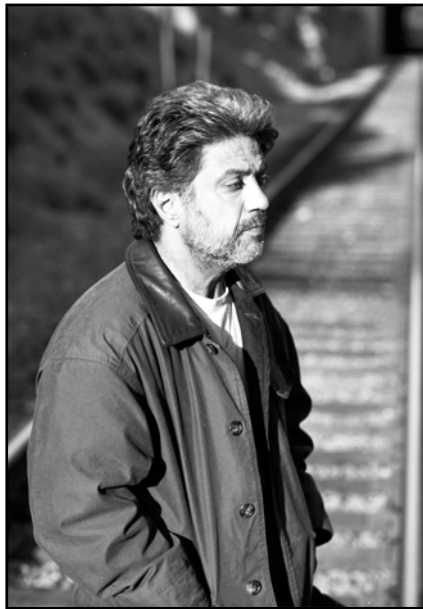


Photo by: Navid Soheilian

می خواست خیلی مهمان نوازی کند، گفت: آقا داریوش! من مخصوص خودت یک بست سلطنتی درست کردم، شیر و تریاک را قاطی کرده ام و می خواهم خودم برایتان بگیرم. گفتم: قربان شما. در همان موقع نگاهم افتاد به روی چوب وافورش که نوشته شده بود: «این دم شیر است، به بازی نگیر.» من آن وقت نفهمیدم این جمله چه معنایی دارد. هیچ کس هم به من نگفت این کار را نکن. اگر کسی آن زمان مرا آگاه کرده بود و یا من آگاهی داشتم، سی سال با اعتیاد نمی جنگیدم. بعد از سی سال فهمیدم این بیماری که گریبان من را گرفته، ۹۵ درصد آن روحی-روانی و فقط ۵ درصد آن جسمی است. قبل از آنکه با ۱۲ قدم آشنا شوم، سعی می کردم با فکر و مغز خودم جلو بروم و خودم را نجات بدهم، اما تنهایی امکان پذیر نبود. همه راه ها به یک قصه ختم می شد. اوایل که اعتیاد سراغت می آید دور و اطرافت شلوغ است اما کم کم رفقا می روند و به انزوا می رسی. بعد شکنجه روحی آغاز می شود. مواد مصرف می کنی و می شود بلای جان. آگاهی نداری و از هر طرف که می روی به دیوار می رسی. دو راه می توانی انتخاب کنی: یا

و برای وارد شدن باید سینه خیز وارد شوی. من اینطوری ترک کردم. به من گفتند برو بیمارستان بخواب و ترک کن. گفتم: نه، من می خواهم بروم سربازخانه. سربازخانه ای که ۳۰ تا دزد و قاچاقچی و امثالهم کنارم بودند؛ آدم هایی که اگر در خیابان ببینید، می ترسید به آنها نزدیک شوید. اما در آنجا فهمیدم آنها هم اسیر بیماری هستند و قلب های مهربانی دارند. خیلی از آنها از رفقای من شدند. من هدفم این است که در یک مکان عمومی و رایگان، راه های درست رسیدن به بهبودی را آموزش دهم، راه خودم را نشان بدهم.

**احمد آدم: به نظر من به جای ۳ نفر می توانیم ۳۰ نفر پیدا کنیم و کمک کنند.**

داریوش اقبالی: واقعیت این است که بعضی ها آمدند و من قبول نکردم. چون می گفتند ما اسپانسر می شویم اما اسم مان باید مطرح شود. من دنبال کسی هستم که هدفش فقط خدمت باشد، وگرنه کاسه گدایی دستم می گرفتم و تقاضای کمک می کردم. راستش من آبرویم را به میلیون ها هم نمی دهم و الان هم می خواهم اعتماد بخرم. چون معتقدم جامعه به چنین مکانی احتیاج دارد. مردم باید آموزش ببینند و باید بدانند.

**احمد آدم: من دو سوال دارم که اگر دوست دارید می توانید جواب بدهید .... دوست دارم برای اینکه مردم بدانند، بگویند چه اتفاقی افتاد که شما گرفتار اعتیاد شدید و دوم این که چه شد که به فکر ترک آن افتادید؟**

داریوش اقبالی: در فرهنگ ما اعتیاد به تریاک وجود داشته است. من تا ۱۸ سالگی که وارد دنیای خوانندگی شدم، لب به هیچ چیز نزده بودم. اما وقتی وارد دنیای هنر شدم، دیدم انگار این کار هم جزئی از دنیای هنر است. مهمانی می رفتیم، تریاک بود. دوستان دور هم جمع می شدند، باز هم تریاک در میان بود. همیشه در بیشتر محافل بود. یادم می آید یک بار رفتیم جایی، طرف

## «نجات آقای بنکر»:

# دو برداشت متفاوت از یک روایت واحد



جمال آریان

در چند جلد به شرح داستان خود بپردازد. در حالی که در سینما، فیلمنامه در مدت زمانی خاص - دو یا حداکثر سه ساعت - باید روایت شود. هر چند که تلویزیون این شانس را دارد که داستان را به مدت طولانی و به صورت سریال پیش ببرد. علاوه بر محدودیت زمانی، باید تفاوت زبانی دو رسانه و محدودیت های مالی را نیز اضافه کرد که باعث می شود که فیلمساز برای وفادار ماندن به اصل اثر و بازسازی کامل اثر ادبی در تنگنا قرار گیرد. موضوع اقتباس ادبی در سینما به تازگی سوژه فیلمی قرار گرفته به نام «نجات آقای بنکر» (Saving Mr. Banks) که از چندی پیش به روی پرده سینماها آمده است. این فیلم به مسأله تفاوت سینمای خیالپرداز و

گاه وفاداری به اصل ادبی مورد تحسین قرار گرفته، گاه محصول جدید با توجه به توانایی فیلمساز، اثری مستقل یا فراتر از اصل ادبی آن قلمداد شده است.

مدتی پیش دوستی عکسی از یک قطعه یخ کوه مانند در آب برایم فرستاد. در عکس، قسمت کوچکی از یخ، از آب بیرون مانده و قسمت اعظم آن در آب پنهان بود. او زیر عکس نوشته بود: «تفاوت میان فیلم و اثر ادبی».

این نکته مورد اشاره درست می نماید. اما آنچه که باعث می شود یک اثر ادبی به طور کامل در سینما به تصویر کشیده نشود، به محدودیت زمانی سینما بر می گردد. نویسنده اثر ادبی برای خلق شخصیت ها و روایت حوادث، زمان کافی دارد و می تواند حتی

هالیوود را «کارخانه سازنده رؤیا» لقب داده اند، زیرا هیچگاه علاقه ای به نمایش واقعیت نداشته است؛ و این موضوع تازه ای برای بحث نیست.

هالیوود، واقعیت را به شکل دلخواه خود بازسازی می کند، موقعیت های مطلوب خود را می آفریند و شخصیت های به یادماندنی خلق می کند؛ اما، موقعیت ها و شخصیت هایی که در دنیای واقعی در دسترس نیستند. از طرفی، هر زمان که هالیوود یک اثر ادبی را اقتباس کرده و به فیلم بر گردانده، جدا از ویژگی های رسانه ای و هنری هر یک که زبان و بیان خاص خود را می طلبد، محصول نهایی از زوایای مختلف مورد بحث و گفت و گوی تماشاگران و منتقدان قرار گرفته است.

سال ۱۹۶۴ توسط کمپانی والت دیزنی تهیه شده است. فیلمنامه این فیلم را «بیل والش» و «دان گراوی» بر اساس طرح آزادی از سلسله کتاب های «پی . ال . تراورس» نوشته اند. این فیلم در سیزده رشته نامزد دریافت اسکار بود و دست آخر پنج اسکار را از آن خود کرد. «جولی اندروز» برای بازی در این فیلم در نقش مری پاپینز، اسکار بهترین بازیگر اصلی را دریافت کرد. چهار اسکار دیگر برای «بهترین تدوین»، «بهترین موسیقی»، «بهترین تأثیرات تصویری» و «بهترین آواز اصیل» به این فیلم تعلق گرفت. در سال ۲۰۱۳ این فیلم توسط «کتابخانه کنگره» به دلیل اهمیت فرهنگی، تاریخی و زیبایی شناختی به دست ترمیم مجدد سپرده شد و سپس در لیست آثار ارزنده کتابخانه کنگره ثبت شد.

داستان این فیلم در سال ۱۹۱۰ در لندن می گذرد. آقای بنکز به دنبال پرستار جدیدی برای فرزندانش، جین و مایکل، می گردد و یک آگهی می نویسد که در آن مشخصات یک پرستار جدی قید شده است. جین و مایکل نیز آگهی پرستار رویایی خودشان را که باید فردی مهربان و دوستدار بازی با آنها باشد، می نویسند؛ اما پدر آگهی آنها را پاره کرده و در شومینه می اندازد. تکه های کاغذ از فراز دودکش به پرواز در می آیند و صبح روز بعد، بانویی به خانه آقای بنکز می رود در حالی که تکه های کاغذی را در دست دارد و خواستار کار پرستاری می شود. او مری پاپینز نام دارد و از همان ابتدا با رفتار و کردار خاصش، توجه بچه ها و آقای بنکز را به خود جلب کرده و آنها را تحت تاثیر قرار می دهد و سرانجام از آنها خانواده جدیدی می سازد.

فیلم «نجات آقای بنکز» را حتماً ببینید و از بازی آقای «هنکس» و خانم «تامپسون» که مورد تحسین جشنواره های مختلف قرار گرفته، لذت ببرید؛ اما توصیه می کنم حتماً اول فیلم «مری پاپینز» را ببینید و در رویاهای کودکی غرق شوید.

فیلمساز در همان داستان، دنبال چیزهایی است که مایه سرگرمی، نشاط و شادی کودکان می شود. فیلم «نجات آقای بنکز» با تلخی و سردی و تضاد بین این دو خالق آغاز می شود و با رسیدن به نقطه تفاهم و درک متقابل پایان می یابد. آنگاه که تفاهم شکل می گیرد، درام در نقطه اوج دلنشین خود است.

داستان زندگی خانم خالق «مری پاپینز» در خانواده ای متوسط رخ می دهد. پدر عاشق اوست و به ایده هایش امکان رشد می دهد، اما در زندگی واقعی الکلی است و این



باعث نابودی اش در دوران کودکی نویسنده می شود. یادآوری و شرح داستان زندگی تلخ خانوادگی که در کارزار مشکلات اقتصادی، الکلی بودن پدر و مهربانی های او نسبت به دختر، حوادث تلخ و شیرینی در بر دارد، بر زندگی روزمره و آینده نویسنده سایه افکنده است. اما هالیوود، و والت دیزنی به عنوان نماینده آن، قصه زندگی دختر را از نگاه و دید خود در راه سرگرم سازی و لذت های کودکانه می بیند.

ادای دین نویسنده و فیلمساز «نجات آقای بنکز» به فیلم «مری پاپینز» قابل تحسین است. «مری پاپینز» که یکی از آثار درخشان سینمای کودک به شمار می رود، فیلمی است تخیلی - موزیکال ساخته «رابرت استیونسون» که در

سرگرم کننده هالیوود با اصل اثر ادبی می پردازد. تهیه و توزیع این فیلم را والت دیزنی پیکچرز بر عهده دارد.

نگاه «والت دیزنی» به واقعیت همان نگاه هالیوود است که می گوید: «واقعیت تا حدی مهم است که به سرگرمی و تخیل صدمه نزند». این موضوع به وضوح در محصولات سینمایی والت دیزنی مشاهده می شود؛ از «تام و جری»، «موش و گربه ای که دائم در تعقیب و گریز و خلق حوادث در متنی واقعی نما اما تخیلی اند تا انیمیشن های دیجیتال تولید جدید؛ که همگی

در خدمت همین نگاه هستند.

فیلم «نجات آقای بنکز» با رویکرد به یکی از مشهورترین فیلم های کودکان تاریخ سینما، «مری پاپینز»، به قضیه اقتباس سینمایی پرداخته است. در این فیلم، والت دیزنی رئیس کمپانی بزرگ فیلمسازی دیزنی که نقش او را تام هنکس به عهده دارد، سعی دارد که نویسنده داستان مری پاپینز - «پی . ال . تراورس» - (با بازیگری اما تامپسون) را راضی کند تا داستانش را به صورت فیلمنامه برای یک فیلم کودکانه بازنویسی کند. تفاوت نگاه دو خالق اثر یعنی نویسنده و فیلمساز به یک داستان واحد، سوژه اصلی این فیلم است. نویسنده با داستانی تلخ و واقعی رو به رو است، که شرح زندگانی و رویاهای خودش است. اما

# آبجی خانم

صادق هدایت

صادق هدایت در سه شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۲۸۱ در خانه پدری در تهران تولد یافت. پدرش هدایت قلی خان هدایت (اعتضادالملک) فرزند جعفرقلی خان هدایت (نیرالملک) و مادرش خانم عذری - زیورالملک هدایت دختر حسین قلی خان مخبرالدوله دوم بود. پدر و مادر صادق از تبار رضا قلی خان هدایت یکی از معروفترین نویسندگان، شعرا و مورخان قرن سیزدهم ایران می باشد که خود از بازماندگان کمال خجندی بوده است. او در سال ۱۲۸۷ وارد دوره ابتدایی در مدرسه علمیه تهران شد و پس از اتمام این دوره تحصیلی در سال ۱۲۹۳، دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون آغاز کرد. در سال ۱۲۹۵ ناراحتی چشم برای او پیش آمد که در نتیجه در تحصیل او وقفه ای حاصل شد ولی در سال ۱۲۹۶ تحصیلات خود را در مدرسه سن لویی تهران ادامه داد که از همین جا با زبان و ادبیات فرانسه آشنایی پیدا کرد.

در سال ۱۳۰۴ صادق هدایت دوره تحصیلات متوسطه خود را به پایان برد و در سال ۱۳۰۵ همراه عده ای از دیگر دانشجویان ایرانی برای تحصیل به بلژیک اعزام گردید. او ابتدا در بندر گان در بلژیک، در دانشگاه این شهر به تحصیل پرداخت ولی از آب و هوای آن شهر و وضع تحصیل خود اظهار نارضایتی می کرد تا بالاخره او را به پاریس در فرانسه برای ادامه تحصیل منتقل کردند. صادق هدایت در سال ۱۳۰۷ برای اولین بار دست به خودکشی زد و در ساموا حوالی پاریس عزم کرد خود را در رودخانه مارن غرق کند ولی قایقی سر رسید و او را نجات دادند. سرانجام در سال ۱۳۰۹ او به تهران مراجعت کرد و در همین سال در بانک ملی ایران استخدام شد. در این ایام گروه ربهه شکل گرفت که عبارت بودند از: بزرگ علوی، مسعود فرزاد، مجتبی مینوی و صادق هدایت. در سال ۱۳۱۱ به اصفهان مسافرت کرد و در همین سال از بانک ملی استعفا داده و در اداره کل تجارت مشغول کار شد.

در سال ۱۳۱۲ سفری به شیراز کرد و مدتی در خانه عمویش دکتر کریم هدایت اقامت داشت. در سال ۱۳۱۳ از اداره کل تجارت استعفا داد و در وزارت امور خارجه اشتغال یافت. در سال ۱۳۱۴ از وزارت امور خارجه استعفا داد. در همین سال به تأمینات در نظمیته تهران احضار و به علت



مطالبی که در کتاب وغ وغ ساهاب درج شده بود مورد بازجویی و اتهام قرار گرفت. در سال ۱۳۱۵ در شرکت سهامی کل ساختمان مشغول به کار شد. در همین سال عازم هند شد و تحت نظر محقق و استاد هندی بهرام گور انکل ساریا زبان پهلوی را فرا گرفت. در سال ۱۳۱۶ به تهران مراجعت کرد و مجدداً در بانک ملی ایران مشغول به کار شد. در سال ۱۳۱۷ از بانک ملی ایران مجدداً استعفا داد و در اداره موسیقی کشور به کار پرداخت و ضمناً همکاری با مجله موسیقی را آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹ در دانشکده هنرهای زیبا با سمت مترجم به کار مشغول شد.

در سال ۱۳۲۲ همکاری با مجله سخن را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۴ بر اساس دعوت دانشگاه دولتی آسیای میانه در ازبکستان عازم تاشکند شد. ضمناً همکاری با مجله پیام نور را آغاز کرد و در همین سال مراسم بزرگداشت صادق هدایت در انجمن فرهنگی ایران و شوروی برگزار شد. در سال ۱۳۲۸ برای شرکت در کنگره جهانی هواداران صلح از او دعوت به عمل آمد ولی به دلیل مشکلات اداری نتوانست در کنگره حاضر شود. در سال ۱۳۲۹ عازم پاریس شد و در ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ در همین شهر به وسیله گاز دست به خودکشی زد. او به هنگام مرگ ۴۸ سال داشت و مزارش در گورستان پرلاشز در پاریس قرار دارد.

خواهرش به او لگد می زد می گفت: «لنگه ظهر است، پس کی پا می شوی نمازت را به کمرت بزنی؟» آن بیچاره هم بلند می شد خواب آلود وضو می گرفت و می ایستاد به نماز کردن. از اذان صبح، بانگ خروس، نسیم سحر، زمزمه نماز، یک حالت مخصوصی، یک حالت روحانی به آبیجی خانم دست می داد و پیش وجدان خویش سرفراز بود. با خودش می گفت: «اگر خدا من را نبرد به بهشت پس کی را خواهد برد؟» باقی روز را هم پس از رسیدگی جزئی به کارهای خانه و ایرد گرفتن به این و آن یک تسبیح دراز که رنگ سیاه آن از بسکه گردانیده بود زرد شده بود در دستش می گرفت و صلوات می فرستاد. حالا همه آرزویش این بود که هر طوری شده یک سفر به کربلا برود و در آنجا مجاور بشود.

ولی خواهرش در این قسمت هیچ توجه مخصوصی ظاهر نمی ساخت و همه کار خانه را می کرد، بعد هم که به ۱۵ سالگی رسید رفت به خدمتکاری. آبیجی خانم ۲۲ سالش بود ولی در خانه مانده بود و در باطن به خواهرش حسادت می ورزید. در مدت یک سال و نیم که ماهرخ رفته بود به خدمتکاری یکبار نشد که آبیجی خانم به سراغ او برود یا احوالش را بپرسد. پانزده روز یک مرتبه هم که ماهرخ برای دیدن خویشانش به خانه می آمد، آبیجی خانم یا با یک نفر دعواش می شد یا می رفت سر نماز دو سه ساعت طول می داد. بعد هم که دور هم می نشستند به خواهرش گوشه و کنایه می زد و شروع می کرد به موعظه در باب نماز، روزه، طهارت و شکیات. مثلاً می گفت: «از وقتی که این زن های

نجار، کل حسین او را نخواست. ولی آبیجی خانم هر جا می نشست می گفت: «شوهر برایم پیدا شد ولی خودم نخواستم. پوه، شوهرهای امروزه همه عرق خور و هرزه برای لای جرز خوبند! من هیچ وقت شوهر نخواهم کرد.»

ظاهراً از این حرف ها می زد ولی پیدا بود که در ته دل کل حسین را دوست داشت و خیلی مایل بود که شوهر بکند. اما چون از پنج سالگی شنیده بود که زشت است و کسی او را نمی گیرد، از آنجائی که از خوشی های این دنیا خودش را بی بهره می دانست، می خواست به زور نماز و طاعت اقبال مال دنیای دیگر را دریابد. از این رو برای خودش دلداری پیدا کرده بود. آری این دنیای دو روزه چه افسوس می دارد اگر از خوشی های آن برخوردار نشوی؟ دنیای جاودانی و همیشگی مال او خواهد بود، همه مردمان خوشگل همچین خواهرش و همه آرزوی او را خواهند کرد. وقتی ماه محرم و صفر می آمد هنگام جولان و خودنمایی آبیجی خانم می رسید، در هیچ روضه خوانی نبود که او در بالای مجلس نباشد. در تفریح ها از یک ساعت پیش از ظهر برای خودش جا می گرفت. همه روضه خوان ها او را می شناختند و خیلی مایل بودند که آبیجی خانم پای منبر آنها باشد تا مجلس را از گریه، ناله و شیون خودش گرم بکند. بیشتر روضه ها را از بر شده بود، حتی از بسکه پای وعظ نشسته بود و مسئله می دانست اغلب همسایه ها می آمدند از او سهویات خودشان را می پرسیدند، سپیده صبح، او بود که اهل خانه را بیدار می کرد، اول می رفت سر رختخواب

آبیجی خانم خواهر بزرگ ماهرخ بود، ولی هر کس که سابقه نداشت و آنها را می دید ممکن نبود باور بکند که با هم خواهر هستند. آبیجی خانم بلند بالا، لاغر، گندمگون، لب های کلفت، موهای مشکی داشت و روی هم رفته زشت بود. در صورتی که ماهرخ کوتاه، سفید، بینی کوچک، موهای خرمایی و چشم هایش گیرنده بود و هر وقت می خندید روی لپ های او چال می افتاد. از حیث رفتار و روش هم آنها خیلی با هم فرق داشتند. آبیجی خانم از بچگی ایرادی، جنگره و با مردم نمی ساخت، حتی با مادرش دو ماه سه ماه قهر می کرد. بر عکس خواهرش مردم دار، تو دل برو، خوشخو و خنده رو بود. ننه حسن همسایه شان اسم او را خانم سوگلی گذاشته بود. مادر و پدرش هم بیشتر ماهرخ را دوست داشتند که ته تغاری و عزیز نازنین بود. از همان بچگی، آبیجی خانم را مادرش می زد و با او می پیچید ولی ظاهراً روبروی مردم روبروی همسایه ها برای او غصه خوری می کرد دست روی دستش می زد و می گفت: «این بدبختی را چه بکنم، هان! دختر به این زشتی را کی می گیرد؟ می ترسم آخرش بیخ گیسم بماند! یک دختری که نه مال دارد، نه جمال دارد و نه کمال، کدام بیچاره است که او را بگیرد؟» از بسکه از اینجور حرف ها جلو آبیجی خانم زده بودند او هم کلی ناامید شده بود و از شوهر کردن چشم پوشیده بود، بیشتر اوقات خود را به نماز و طاعت می پرداخت. اصلاً قید شوهر کردن را زده بود یعنی شوهر هم برایش پیدا نشده بود. یک دفعه هم که خواستند او را بدهند به کل حسین شاگرد

را می خورد. همین که مطلب را دانست، دیگر نتوانست باقی بله بری هایی که شده گوش بدهد، به بهانه نماز بی اختیار بلند شد رفت پائین در اطاق پنج دری، خودش را در آئینه کوچکی که داشت نگاه کرد، بنظر خودش پیر و شکسته آمد، مثل اینکه این چند دقیقه او را چندین سال پیر کرده بود. چین میان ابروهای خودش را برانداز کرد. در میان زلف هایش یک موی سفید پیدا کرد با دو انگشت آن را کند. مدتی جلو چراغ به آن خیره نگاه کرد، جایش که سوخت هیچ حس نکرد.

چند روز از این میان گذشت، همه اهل خانه بهم ریخته بودند، می رفتند بازار می آمدند. دو دست رخت زری خریدند، تنگ، گیلاس، سوزنی، گلاب پاش، مشربه، شبکلاه، جعبه بزک، وسمه جوش، سماور برنجی، پرده قلمکار و همه چیز خریدند و چون مادرش خیلی حسرت داشت هر چه خرده ریز و ته خانه به دستش می آمد برای جهاز ماهرخ کنار می گذاشت. حتی جانماز ترمه ای که آبجی خانم چند بار از مادرش خواسته بود و به او نداده بود، برای ماهرخ گذاشت. آبجی خانم در این چند روزه خاموش و اندیشناک زیر چشمی همه کارها و همه چیزها را می پایید، دو روز بود که خودش را به سردرد زده بود و خوابیده بود، مادرش هم پی در پی به او سرزنش می داد و می گفت: «پس خواهری برای چه روزی خوبست هان؟ می دانم از حسودی است، حسود به مقصود نمی رسد، دیگر زشتی و خوشگلی که به دست من نیست کار خداست، دیدی که خواستم تو را بدهم به کلب حسین اما تو را نپسندیدند. حالا دروغکی خودت را به ناخوشی زده ای تا دست به سیاه و سفید نرنی؟ از صبح تا شام برایم جا نماز آب می کشد! من بیچاره هستم که با این چشم های لت خورده ام باید نخ و سوزن بزنم!»

آبجی خانم هم با این حسادتی که در دل او

سر شب که پدرش با کلاه تخم مرغی که دوغ آب گچ رویش شتک زده بود از بنائی برگشت، رختش را در آورد، کیسه توتون و چپقش را برداشت رفت بالای پشت بام. آبجی خانم هم کارهایش را کرده و نکرده گذاشت، با مادرش سماور حلبی، دیزی، بادیه مسی، ترشی و پیاز را برداشتند و رفتند روی گلیم دور هم نشستند. مادرش پیش درآمد کرد که عباس نوکر همان خانه که ماهرخ در آنجا خدمتکار است، خیال دارد او را به زنی بگیرد. امروز صبح هم که خانه خلوت بود ننه عباس آمده بود خواستگاری. می خواهند هفته دیگر او را عقد بکنند، ۲۵ تومان شیر بهما می دهند، ۳۰ تومان مهر می کنند با آئینه، لاله، کلام الله، یک جفت ارسی، شیرینی، کیسه حنا، چارقند، تافته، تنبان، چیت زری... پدرش همینطور که با بادبزن دور شله دوخته خودش را باد می زد، و قند گوشه دهانش گذاشته چایی دیشلمه را بسر می کشید، سرش را جنبانید و سر زبانی گفت: خیلی خوب، مبارک باشد عیبی ندارد. بدون اینکه تعجب بکند، خوشحال بشود یا اظهار عقیده بکند. مانند اینکه از زنش می ترسید. آبجی خانم خون خونش

قری و فری پیدا شدند نان گران شد. هر کس روزه نگیرد در آن دنیا با موهای سرش در دوزخ آویزان می شود. هر که غیبت بکند سرش قد کوه می شود و گردنش قد مو. در جهنم مارهایی هست که آدم پناه به ازدها می برد...» و از این قبیل چیزها می گفت. ماهرخ این حسادت را حس کرده بود ولی به روی خودش نمی آورد. یکی از روزها طرف عصر ماهرخ به خانه آمد و مدتی با مادرش آهسته حرف زد و بعد رفت. آبجی خانم هم رفته بود در گاه اطاق روبرو نشسته بود و پُک به قلیان می زد ولی از آن حسادتی که داشت از مادرش نپرسید که موضوع خواهرش چه بوده و مادر او هم چیزی نگفت.



یک احساس مخلوط از تنفر و حسادت به آبجی خانم دست داد.

پرده را انداخت، رفت روی رختخواب بسته که کنار دیوار گذاشته بودند نشست بدون اینکه چادر سیاه خودش را باز بکند و دست ها را زیر چانه زده به زمین نگاه می کرد، به گل و بته های قالی خیره شده بود. آنها را می شمرد و به نظرش چیز تازه ای می آمد، به رنگ آمیزی آنها دقت می کرد. هر کس می آمد، می رفت او نمی دید یا سرش را بلند نمی کرد که ببیند کیست. مادرش آمد دم در اطاق به او گفت: «چرا شام نمی خوری؟ چرا گوشت تلخی می کنی هان، چرا اینجا نشسته ای؟ چادر سیاهت را باز کن، چرا بدشگونی می کنی؟ بیای روی خواهرت را ببوس، بیا از پشت شیشه تماشا بکن عروس و داماد مثل قرص ماه، مگر تو حسرت نداری؟ بیا آخر تو هم یک چیزی بگو، آخر همه می پرسن خواهرش کجاست! من نمی دونم که چه جواب بدهم.»

آبجی خانم فقط سرش را بلند کرد گفت: من شام خورده ام.

نصف شب بود، همه به یاد شب عروسی خودشان خوابیده بودند و خواب های خوش می دیدند. ناگهان مثل اینکه کسی در آب دست و پا می زد صدای شلپ شلپ همه اهل خانه را سراسیمه از خواب بیدار کرد. اول به خیالشان گریه یا بچه در حوض افتاده سر و پا برهنه چراغ را روشن کردند، هر جا را گشتند چیز فوق العاده ای رخ نداده بود، وقتی که برگشتند بروند بخوابند ننه حسن دید کفش دم پای آبجی خانم نزدیک دریچه آب انبار افتاده. چراغ را جلو بردند دیدند نعش آبجی خانم آمده بود روی آب، موهای بافته سیاه او مانند مار به دور گردنش پیچیده شده بود، رخت زنگاری او به تنش چسبیده بود، صورت او یک حالت با شکوه و نورانی داشت مانند این بود که او رفته بود به یک جایی که نه زشتی و نه خوشگلی، نه عروسی و نه عزاء، نه خنده و نه گریه، نه شادی و نه اندوه در آنجا وجود نداشت. او رفته بود به بهشت.

انشا الله مبارک بادا...»

همین را پی در پی تکرار می کرد، می آمدند می رفتند دم حوض سینی خاکستر مال می کردند، بوی قرمه سبزی در هوا پراکنده شده بود، یکی گریه را از آشپزخانه پیشت می کرد. یکی تخم مرغ برای شش انداز می خواست، چند تا بچه کوچک دست های یکدیگر را گرفته بودند می نشستند و بلند می شدند و می گفتند: «موم! مورچه داره، بشین و پا شو» سماورهای مسوار را که کرایه کرده بودند آتش انداختند. اتفاقا خبر دادند که خانم ماهرخ با دخترهایش سر عقد خواهند آمد. دو تا میز را هم رویش شیرینی و میوه چیدند و پای هر کدام دو صندلی گذاشتند. پدر ماهرخ متفکر قدم می زد که خرجش زیاد شده، اما مادر او پاهایش را در یک کفش کرده بود که برای سر شب خیمه شب بازی لازم است ولی در میان این هیاهو حرفی از آبجی خانم نبود، از دو بعد از ظهر او رفته بود بیرون کسی نمی دانست کجاست، لابد او رفته بود پای وعظ!

وقتی که لاله ها روشن بود عقد برگزار شده بود و همه رفته بودند مگر ننه حسن. عروس و داماد را دست به دست داده بودند و در اطاق پنج دری پهلوی یکدیگر نشسته بودند، درها هم بسته بود. آبجی خانم وارد خانه شد. یکسر رفت در اطاق بغل پنج دری تا چادرش را باز بکند، وارد که شد دید پرده اطاق پنج دری را جلو کشیده بودند؛ از کنجاوی که داشت گوشه پرده را پس زد، از پشت شیشه دید خواهرش ماهرخ بزک کرده، وسمه کشیده، جلو روشنایی چراغ خوشگلتر از همیشه پهلوی داماد که جوان بیست ساله بنظر می آمد جلو میز که رویش شیرینی بود نشسته بودند. داماد دست انداخته بود به کمر ماهرخ، چیزی در گوش او گفت مثل چیزی که متوجه او شده باشند، شاید هم که او خواهرش را شناخت اما برای اینکه دل او را بسوزاند با هم خندیدند و صورت یکدیگر را بوسیدند. از ته حیا صدای دنبک ننه حسن می آمد که می خواند: ((ای یار مبارک بادا...))

لبریز شده بود و خودش را می خورد، از زیر لحاف جواب می داد:

«خوب، خوب، سر عمر داغ به دل یخ می گذارد! با آن دامادی که پیدا کردی! چوب به سر سگ بزنند لنگه عباس توی این شهر ریخته. چه سر کوفتی به من می زنی، خوبست همه می دانند عباس چه کاره است، حالا نگذار بگویم که ماهرخ دو ماهه آستن است، من دیدم که شکمش بالا آمده اما به روی خودم نیاوردم. من او را خواهر خود نمی دانم...»

مادرش از جا در رفت: «الهی لال بشوی، مرده شور ترکیبت را ببرد، داغت به دلم بماند. دختره بی شرم، برو گم بشو، می خواهی لک روی دخترم بگذاری؟ می دانم اینها از دلسوزه است. تو بمیری که با این ریخت و هیکل کسی تو را نمی گیرد. حالا توی قرآن خودش نوشته که دروغگو کذاب است هان؟ خدا رحم کرده که تو خوشگل نیستی و گر نه دو ساعت به بهانه وعظ از خانه بیرون می روی، بیشتر می شود بالای تو حرف در آورد. برو، برو، همه این نماز و روزه هایت به لعنت شیطان نمی ارزد، مردم گول زنی بوده!»

از این حرف ها در این چند روزه ما بین آنها رد و بدل می شد. ماهرخ هم مات به این کشمکش ها نگاه می کرد و هیچ نمی گفت تا اینکه شب عقد رسید. همه همسایه ها و زنکه شلخته ها با ابروهای وسمه کشیده، سرخاب و سفید آب مالیده، چادرهای نقده، چتر زلف، تنبان پنبه دار جمع شده بودند. در آن میان ننه حسن دور به دستش افتاده بود، خیلی لوس یا لبخند گردنش را کج گرفته نشسته بود دنبک می زد و هر چه در چنته اش بود می خواند: «ای یار مبارک بادا، انشا الله مبارک بادا!»

- آمدیم باز آمدیم از خونه داماد آمدیم

همه ماه و همه شاه و همه چشم ها بادومی.

- ای یار مبارک بادا، انشا الله مبارک بادا!

- آمدیم، باز آمدیم از خونه عروس آمدیم

همه کور و همه شل و همه چشم ها نم نمی.

یار مبارک بادا، آمدیم حور و پری را ببریم،

بقیه از صفحه ۷۳  
ادامه گفتگو با داریوش

**احمد آدم: گفتید که سال ۲۰۰۰ برای شما سال تحول بود. این تحول چطور شکل گرفت؟**

داریوش اقبالی: بعد از آن ترک ناموفق که صحبتش را کردم، سراغ دوست خوبم دکتر ایرج شمسیان رفتم، که برای من مثل برادر می ماند. ایشان هم بهبود یافته است؛ یعنی بیست سال است که بهبود پیدا کرده و الان روان شناس بالینی است. من راجع به بیماری اعتیاد هیچ آگاهی نداشتم. او من را تنها نگذاشت. حدود پنج، شش ماه هر شب به خانه من می آمد، می نشست و با من وقت صرف می کرد. او با عشق بلاعوض به من اطلاعات می داد یا حرف های من را گوش می کرد. بعد از شش ماه گفتیم: ایرج جان، من دارم عاصی می شوم، من را یک جایی ببر، نمی توانم خانه بمانم؛ برای اینکه رابطه داخلی خانه هم خراب بود و فضا پر از غم و درد بود. حمایتی در خانه وجود نداشت. حال من هم طوری بود که زمین را گاز می گرفتم. گفت: برویم بیمارستان یا کلینیک و... در نهایت رفتم کمپ. اگر جایی می رفتم که نازم را می کشیدند و از من پذیرایی می کردند، نمی شد. آنجا یک سربازخانه بود که آن را در اختیار کمپ گذاشته بودند. محل سربازخانه در کوه و کمرهای اطراف

لس آنجلس بود. من تازه وارد بودم، دیدم یکی می گوید: من ده روز است که پاک هستم؛ دیگری می گوید: من دو ماه است که پاک پاکم؛ و همه برایشان کف می زدند. خلاصه، آدم ها می آمدند و داستان های خودشان را می گفتند.

**احمد آدم: بعد متوجه شدید که چقدر این آدم ها شبیه خودتان هستند.**

داریوش اقبالی: دقیقاً مثل خودم بودند. روش های مختلفی برای ترک اعتیاد وجود دارد؛ اما من نرفتم جایی که پول بدهم و نازم را بکشند. رفتم مفت و مجانی ترک کردم. البته یک واقعیت دیگر هم وجود دارد؛ این که شما نمی توانی بیماری را ترک کنی، بلکه می توانی به بیماری خوراک ندهی. من بیماری هستم که بیماری با من همراه است؛ اما چون مصرف مخدر را متوقف کرده ام، به بیماری ام خوراک نمی دهم.

**احمد آدم: یعنی معتقدید این بیماری در درون انسان باقی می ماند؟**

داریوش اقبالی: بله این بیماری در درون باقی می ماند. مثل کسی که مرض قند دارد و باید به خودش انسولین بزند و دیابتش را کنترل کند، من هم باید این بیماری را کنترل کنم. کنترل بیماری هم به این نحو است که به بیماری خوراک ندهم. من الان بالای ۱۳ سال است که لب به الکل و قرص مخدر نزده ام؛ مواد که جای خودش را دارد. رفتم بیمارستان

عمل جراحی داشتیم، اما رضایت نمی دادم به من مسکن بزنند. خیلی می ترسیدم. در نهایت، زنگ زدم و جریان را برای اسپانسرم تعریف کردم. گفت: بگذار برایت تزریق کنند. آن موقع که آلوده شدم، نمی دانستی این چیست، اما الان که می دانی.

**احمد آدم: من فکر می کنم این فعالیت های شما در بنیاد آئینه و غیره برای خودتان هم یک نوع روان درمانی است.**

داریوش اقبالی: دقیقاً همینطور است. زمانی که فردی با من تماس می گیرد، من قبل از اینکه به او کمک کنم، دارم به خودم کمک می کنم. چون هر بار خاطرات آن دوران برایم زنده می شود و اینکه چه درد ورنجی کشیده ام. من بچه طلاق بودم. دو تا از برادرهایم را به خاطر همین بیماری از دست دادم. خودم گرفتار شدم؛ اما بهبودی، دنیای دیگری به من داد. همانوقت با خدای خودم عهد بستم تا جایی که می توانم در راه بهبود وضعیت افراد گرفتار کمک کنم.

یکی از شعارهای ما در بنیاد آئینه این است: این زخم ها متعلق به فرد، فرد ماست، هر کس به سهم خودش، انکارش نکند.

**احمد آدم: داریوش عزیز، خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. به امید اینکه دست های توانا و یاری دهنده بسیاری بیابید و شما را در این کار خیر و انسانی همراهی کنند.**



**جانانان سید**

**بازنشسته مشاور**

**انواع بیمه ها و مالیات دولتی**

**۷۱۳-۸۱۸-۷۲۹۴**

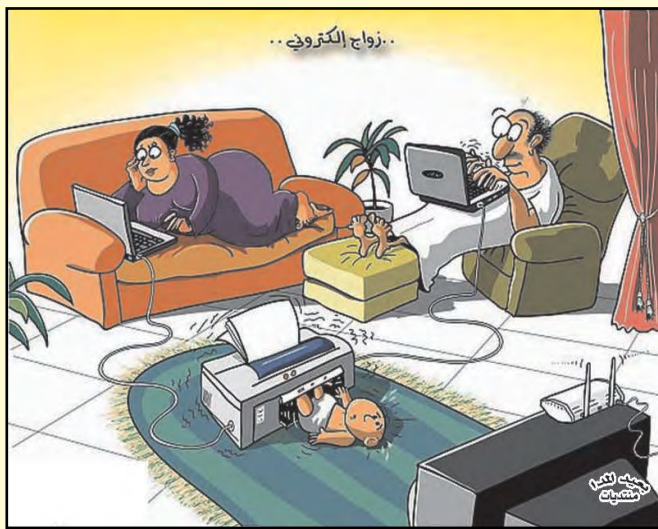
**PERSIAN LAPTOP CLINIC**  
WE FIX ALL COMPUTERS: PCs, LAPTOPS, NOTEBOOKS, TABLETS  
WE SPECIALIZE IN APPLE PRODUCTS (IMAC, IPAD & MACBOOK FAMILY)  
IF YOU'RE DESPERATE TO REPAIR YOUR LAPTOP, PLEASE CALL US  
**832-461-5177**  
WWW.HAMID\_A\_IR@YAHOO.COM

MULTI BRAND LAPTOP SERVICES  
HARDWARE MAINTENANCE & REPAIR  
PROFESSIONAL DATA RECOVERY  
IT SERVICES & NETWORK  
در خدمت تمامی هموطنان گرامی  
**HAMIDREZA**



## طنزی از عمران صلامی

شیره را از حبه انگور سرقت می کنند  
 شهد را از لانه زنبور سرقت می کنند  
 دست مالیدم به خود ، چیزی سر جایش نبود  
 سارقان بی پدر بدجور سرقت می کنند  
 احتیاجی نیست از دیوار و در بالا روند  
 سارقان با « کنترل از دور » سرقت می کنند  
 عده ای راحت میان مبل خود لم می دهند  
 از طریق عده ای مزدور سرقت می کنند  
 روز روشن ، زنده ها را از میان کوچه ها  
 مرده را هم نیمه شب از گور سرقت می کنند  
 برق را از سیم ها و آب را از لوله ها  
 دود را از حقه و افور سرقت می کنند  
 می برندت سوی خلوت ، می کنندت پشت و رو  
 با زبان خوش نشد با زور سرقت می کنند  
 جای اینکه سکه ای در کاسه ی کوری نهند  
 کاسه را هم از گدای کور سرقت می کنند  
 نیست چون تفریح و شادی توی این شهر بزرگ  
 عده ای تنها به این منظور سرقت می کنند  
 خواستم دنبال مأموری روم ، دیدم ولی  
 سارقان در پوشش مأمور سرقت می کنند ...



جوانی پیش پدر خود رفت و گفت : پدر یادت هست که می گفتمی اولین دفعه ای که ماشین پدرت را سوار شدم ، تصادف کردی و ماشین خرد شد .  
 گفت : بله ، به یاد دارم .  
 گفت : باز هم به یاد داری که همیشه به من می گفتمی ، تاریخ تکرار می شود!  
 گفت : آن را هم به یاد دارم . مقصودت چیست ؟  
 گفت : امروز باز هم تاریخ تکرار شد .

\*\*\*

یک منتقد ادبی از نویسنده ای پرسید : شما از اصطلاح خلأ دردناک زیاد استفاده می کنید. مگه ممکنه چیزی هم خالی باشه هم دردناک ؟ نویسنده گفت : عجیبه ! مگه شما تا حالا سردرد نگرفته اید ؟!!

\*\*\*

یکی از افسران خارجی به ناپلئون گفت: ما برای کسب شرف و فرانسوی ها برای پول جنگ می کنند .  
 ناپلئون گفت: بله؛ انسان همیشه طالب چیزی است که ندارد !

\*\*\*

شاعری غزلی بی معنا و بی قافیه سروده بود. آن را نزد جامی برد. پس از خواندن آن گفت : « همان طوری که دیدید ، در این غزل از حرف الف استفاده نشده است. » جامی گفت : « بهتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی کردید ! »

## Professional Satellite Installer



نصب دوربین های امنیتی برای

منازل و محل کسب شما

GL Box Available

برای خرید و نصب دیش های ۲۴ ساعته  
فارسی، ترکی، کردی، عربی و رادیوهای فارسی زبان



"سهراب"

**281-507-0662**

Houston, San antonio, Austin

حفاظت و امنیت در محل کار را به ما بسپارید

## Houston Security



Services:

- Commercial & Residential
- Education & Health care facilities
- Entertainment & Events
- Hotel, Parkings
- Executive Protection

**Tel: 281-990-3838**

**EMAIL: INFO@SOPSEC.ORG**

## INDEPENDENT INSURANCE AGENCY

کمک برای بیمه سلامتی

We are authorized to sell:

## AFFORDABLE CARE (OBAMA CARE)

You pay No fees, to us

IF your income is less than:

4 persons (family): \$94200.00

3 persons: \$78120.00

2 persons: \$62040.00

1 person : \$45960.00

The government pays for most of your premium.

You may pay as little as less than \$100 a month.

Other insurance: Auto – Home – Life –  
Commercial – Flood – IRA'S 20% bounce

**(713) 355-7228**



Air Conditioning, Heating & Mechanical Services

COMMERCIAL • RESIDENTIAL • INDUSTRIAL

کولر و تهویه مطبوع  
فروش، تعمیر و نصب

FREE ESTIMATE on NEW EQUIPMENT!

شاهپور معتزیدیان

پاسخگویی سریع - کار خوب - قیمت مناسب

Emergency Service Available  
Licensed - EPA Certified - Insured Contractor

TACLBO17158C

**(281) 235-6305**

**A.S.A****(Contractors)**with 35 years experience  
با ۳۵ سال سابقه**LOOKING TO  
REMODEL  
OR MAINTENANCE ?****بازسازی و تجهیز و نگهداری ساختمان شما**

- تغییرات داخلی • لوله کشی و برق کشی • محوطه سازی
- رفع پوسیدگی اسکلت ساختمان • کاشیکاری کف و دیوار
- تعمیرات بام • نرده های چوبی و فلزی • فنس
- تعویض و بازسازی کابینت و صفحه کابینت قدیمی • نقاشی
- رفع گرفتگی لوله ها و نم ساختمان • آتشپزخانه

بازدید و برآورد قیمت به صورت مجانی

**832-343-0676**

asacontractor@mail.com

**ABC****Fire Fighting  
Equipment**

نصب سرویس و Inspection کپسول ها  
سیستم های آتش نشانی رستوران ها  
واحد های تجاری صنعتی مسکونی  
کپسول های مطمئن و ارزان را از ما بخرید

به مدیریت پرویز مینوئی

**713-952-7233****Cool Rain****Air-Conditioning and Heating**

Commercial

**24h Service**

Residential

Call For Maintenance Contract  
Free Estimates on Replacements

Financing Available

Licenced and Insured

TACL B26903E



Carrier



YORK



TRANE



RUUD



bryant

**سرما ریز**

کولر - تهویه مطبوع  
فروش، نصب، سرویس

**713-829-0006**

جواد علیشاهی

**713-900-4428**

• سرویس بموقع • کیفیت برتر • قیمت مناسب

# رابطه بین سرطان و کمبود ویتامین



دکتر طناز ارمغانی

Tannaz Armaghany MD  
Hematology and Oncology



در خون باعث کاهش ریسک ابتلا به بعضی از سرطان‌هایی چون سرطان مثانه، کلیه، تخمدان، رحم، سرطان خون (Hodgkin's and non-Hodgkin's) می‌شود. (Grant; ۲۰۰۹)

بر اساس دیگر مشاهدات علمی و مطالعات پژوهشگرانی همچون Garland، در سال ۲۰۰۹، اعلام شد که مصرف مداوم ویتامین D، در حدی که سطح خونی آن را بین ۴۰-۶۰ ng/ml نگهداری کند، می‌تواند سالانه از حدود ۵۸۰۰۰ مورد سرطان سینه و ۴۹۰۰۰ مورد سرطان روده بزرگ جلوگیری کرده و حدود ۷۵ درصد از مرگ و میر این دو نوع سرطان را کاهش دهد.

باید اشاره کرد که گزارش‌ها در مورد ارتباط اشعه ماورای بنفش خورشید و ویتامین D با سرطان لوزالمعده (پانکراس)، پروستات و نوعی سرطان پوست (Melanoma) ضد و نقیض می‌باشد.

گرچه ارتباط بین کمبود ویتامین D و بعضی بیماری‌ها شناخته شده است، ولی تمامی تحقیقات بطور یکپارچه نشان نمی‌دهند که افزودن این ویتامین به رژیم غذایی روزانه باعث پیشگیری یا درمان این بیماری‌ها شود. Wang, Jorde 2012 تحقیقات جاری، مصرف مقادیر زیاد (high dose) ویتامین D را به منظور جلوگیری از سرطان توصیه نمی‌کند. همچنین باید اضافه کرد که مصرف این ویتامین توسط کسانی که سطح ویتامین خون‌شان به اندازه طبیعی بوده، مفید نمی‌باشد. انجمن‌های علمی مختلف در مورد سطح طبیعی ویتامین در خون اختلاف نظر دارند. جامعه غددشناسان آمریکا (Endocrinology Society) سطح قابل قبول این ویتامین در خون را در کودکان و بزرگسالان ۴۰-۶۰ ng/ml توصیه می‌کند.

در حال حاضر توصیه خاصی در مورد

ویتامین D تاثیرات زیادی در استخوان و دیگر سیستم‌های بدن دارد و کمبود آن باعث بیماری‌های مختلفی می‌شود. بطور مثال کمبود این ویتامین باعث کمبود کلسیم و فسفر شده که به نوبه خود باعث نرمی استخوان و ریکتز (نرمی استخوان در کودکان) می‌شود.

ریکتز و نرمی استخوان در کشورهای جهان سوم شایع است. این در حالیست که کمبود خفیف ویتامین D (Sub-clinical Vit. D deficiency) که یکی از علل مهم پوکی و شکستگی استخوان می‌باشد، در کشورهای پیشرفته شایعتر است. از دیگر مشکلات ناشی از کمبود این ویتامین می‌توان از ضعف عضلات و در نتیجه افزایش احتمال افتادن، افزایش فشار خون، بیماری‌های قلبی مثل آنزین و حمله قلبی، مرض قند و حتی ضعف سیستم ایمنی را نام برد.

بعضی مطالعات علمی، رابطه بین کمبود ویتامین D و سرطان را روشن نموده است. در سال ۱۹۴۱، Apperly مشاهدات خود را که در مورد ارتباط بین سرطان و زندگی در مناطق شمالی کشور بود، منتشر کرد. (در این مناطق به علت سرما مردم کمتر در معرض نور خورشید هستند). چند سال بعد، Garlan مشاهدات خود را درباره ارتباط بین زندگی در مناطق شمالی و اشعه ماورای بنفش خورشید و تأثیر احتمالی آن در مقدار ویتامین D بدن انتشار داد. در سال‌های اخیر رابطه بین ویتامین D و تقسیم سلولی و در نتیجه، سرطان، نظر پژوهشگران را جلب نموده است.

پژوهشگران سازمان بهداشت جهانی (WHO) کمبود ویتامین D را از جمله عوامل مهم ایجاد سرطان روده بزرگ شناسایی کرده‌اند. این دانشمندان همچنین اعلام کردند که شواهد موجود نشان می‌دهند که طبیعی بودن سطح ویتامین D

ویتامین D مشهور به ویتامین آفتاب است چرا که قرار گرفتن در معرض تابش خورشید، حتی به مدت کوتاه، کفایت که مقدار مورد نیاز بدن به این ویتامین تامین شود.

این ویتامین به فرم‌های مختلف در بدن ما و در طبیعت وجود دارد. ویتامین D<sub>3</sub> (Cholecalciferol) در پوست بدن و ویتامین D<sub>2</sub> در گیاهان ساخته می‌شود. تولید ویتامین در پوست به عوامل مختلفی همچون مقدار رنگدانه‌های پوست، مدت قرار گرفتن در معرض نور خورشید، طول مدت روز، آب و هوای منطقه و علل دیگر بستگی دارد.

علم جدید ویتامین D را به عنوان پیش‌ساز هورمون در نظر می‌گیرد؛ زیرا این ویتامین و مشتقات آن، دستگاه‌های مختلفی را در بدن تحت تاثیر قرار داده و تنظیم می‌کند. اشعه خورشید باعث تولید ویتامین D<sub>3</sub> در پوست می‌شود که این ویتامین به نوبه خود در کبد و بعد کلیه تغییر داده شده و به موثرترین فرم ویتامین D<sub>3</sub> که Calcitriol می‌باشد، تبدیل می‌شود.



## References:

1. Influence of season and latitude on the cutaneous synthesis of vitamin D3: exposure to winter sunlight in Boston and Edmonton will not promote vitamin D3 synthesis in human skin. Webb J Clin Endocrinol Metab. 1988;67(2):373.
2. The relation of solar radiation to cancer mortality in North America Apperly FL, Cancer Res. 1941;1:1991.
3. Serum 25-hydroxyvitamin D and colon cancer: eight-year prospective study. Garland et al. Lancet. 1989;2(8673):1176.
4. How strong is the evidence that solar ultraviolet B and vitamin D reduce the risk of cancer?: An examination using Hill's criteria for causality.» Grant WB. Dermato-endocrinology 1(1):17-24 Jan, 2009
5. «Vitamin D for cancer prevention: global perspective.» Garland CF, Gorham ED, Mohr SB, Garland FC. Vitamin D for cancer prevention: global perspective. Annals of epidemiology 19(7):468-83 Jul, 2009
- 6.»Plasma 25-hydroxyvitamin D and prostate cancer risk: the multiethnic cohort.» Park SY, Cooney RV, Wilkens LR, Murphy SP, Henderson BE, Kolonel LN. European journal of cancer (Oxford, England : 1990) 46(5):932-6 Mar, 2010
7. No improvement in cardiovascular risk factors in overweight and obese subjects after supplementation with vitamin D3 for 1 year., Jorde R, Sneve M, Torjesen P, Fjengschau Y J Intern Med. 2010;267(5):462.
8. Influence of vitamin D supplementation on plasma lipid profiles: a meta-analysis of randomized controlled trials., Wang H, Xia N, Yang Y, Peng DQ Lipids Health Dis. 2012;11:42. Epub 2012 Mar 20.

سرشار از ویتامین D می باشند. کمبود ویتامین D در مردمان خاورمیانه شایع است که یکی از علل شیوع پوکی استخوان در میان آنها محسوب می شود.

## نتیجه:

- کمبود ویتامین D بدون عوارض بالینی واضح (Subclinical) شیوع جهانی دارد و افراد در معرض خطر این کمبود باید برای این بیماری غربال (Screen) شوند.  
- در صورت کمبود شدید این ویتامین، مصرف مقادیر زیاد (High Dose) مکمل ها ضروری است و در این شرایط توصیه می شود که با پزشک خود مشورت کنید. دوز بالا فقط با نسخه پزشک در دسترس قرار می گیرد.  
کمبود این ویتامین در بیماران اکثراً ناشناخته می ماند و پزشکان گاهی غربالگری آن را در افراد مستعد فراموش می کنند.

## مترجم: دکتر همایون عطایی



افزودن ویتامین D به رژیم غذایی روزانه، اضافه بر آنچه که برای جلوگیری از پوکی استخوان لازم است، وجود ندارد و این احتمالاً به دلیل پیچیدگی تأثیر عوامل مختلف بر سوخت و ساز ویتامین D در بدن می باشد.

برای انجام پژوهش های عملی و مطالعات علمی در ارتباط با اضافه کردن تجربی ویتامین D به رژیم روزانه باید عوامل زیادی را در نظر گرفت.

سلول های بدن در تماس دائم با محیط پیرامون خود بوده و تحت نفوذ عوامل زیادی هستند، از قبیل عادت های غذایی، استرس، بهم خوردن تعادل هورمونی، خواب، ورزش روزانه و بیماری های موجود در هر شخص.

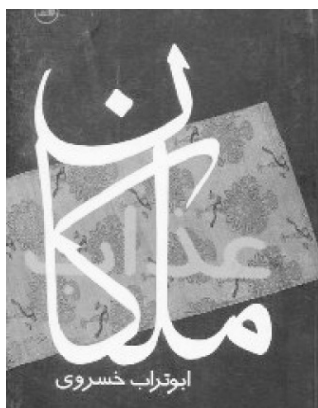
امروزه محققین سعی می کنند برای مطالعات خود افرادی را انتخاب کنند که حتی الامکان دارای شرایط یکسان هستند و در آنها فقط تأثیر یک عامل را بررسی کنند تا بدین وسیله بتوانند به نتایج قطعی تری برسند. یافتن گروه بزرگ اشخاصی که دقیقاً و صد درصد مشخصات بالینی و سلولی یکسانی داشته باشند غیر ممکن است که این مسأله به پیچیدگی این گونه تحقیقات می افزاید.

مصرف غذاهای سرشار از ویتامین D برای طبیعی نگه داشتن سطح این ویتامین در بدن الزامی است و اگر جذب این ویتامین در بدن از طریق روده مختل نباشد، مصرف روزانه این نوع مواد غذایی کافی می باشد. فقط در صورت کمبود این ویتامین است که مصرف مکمل (Supplement) توصیه می شود. با همه اینها اکثریت افراد مقدار کافی روزانه این ویتامین را از طریق غذا دریافت نمی کنند و معمولاً مکمل غذایی روزانه توسط پزشکان توصیه می شود. شیر و لبنیات غنی شده از ویتامین D، تخم مرغ، قارچ خوراکی، روغن کبد ماهی کاد (Cod liver oil)، ماهی، گوشت داخل صدف (oyster)، خاویار از جمله مواد غذایی غنی و

# کتابخانه عاشقانه



## ملکان عذاب؛ ابوتراب خسروی



قتل او، بعد از دستگیری‌اش در جریان کودتای ۲۸ مرداد است. یکی از ویژگی‌های خاص این رمان، چند زبانه و چند لحنی بودن آن با توجه به شخصیت‌هایش است.

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲. در همان دوران دانشجویی، زکریا از طرف پدرش به خانقاه احضار می‌شود و ...

ملکان عذاب، مجموعه‌ای از روایت‌هایی موازی است که به‌خوبی به هم متصل شده‌اند. یک روایت، روایت زکریاست. روایت دیگر، روایت پسر زکریا به نام شمس شرف و عشق ناکام اوست. همچنین روایت مکتوبات صوفیانه پدر زکریا و روایت پسر زکریا و نیز روایت مکتوبات زکریاست. خرده روایت دیگر رمان، داستان سرهنگ سلیمی و

قبلی‌اش در ناز و نعمت در عمارت‌های اربابی زیسته اما او فرزند اولین شوهر مادر است که خان نبوده، بلکه زاندارم قلدری بوده که با سربازانش مدتی در روستای زادگاه مادر اطراق کرده و مادر را برای مدت کوتاهی به عقد خود درآورده و بعد هم طلاق داده و رفته است. زکریا بعداً می‌فهمد پدرش متحول شده و لباس ژاندارمری را در آورده و به کسوت تصوف درآمده است. دوران دانشجویی زکریا با وقایع شهریور ۲۰ همزمان می‌شود و میان‌سالی او مقارن با

«ملکان عذاب» نوشته ابوتراب خسروی تازه‌ترین و سومین رمان از رمان‌های سه‌گانه اوست که دو رمان قبلی «اسفار کاتبان»، «رود راوی» نام دارند. «ملکان عذاب» رمانی است درباره سه نسل از یک خانواده که هرکدام راوی سرنوشت خود و دیگری‌اند و راوی دیگری که سرنوشت‌شان به نوعی با سرنوشت آنها گره خورده است. داستان از منظر اول شخص و از زبان یک خان‌زاده به نام زکریا روایت می‌شود. زکریا هر چند به واسطه مادرش و شوهران

## سکته‌ی سگ مصب؛ اکبر ذوالقرنین



آه  
هر سپیده  
عطر نفس‌های تو را  
نسیم می‌آورد پناه پنجره  
آه  
پاهایم چفت و  
دستانم بسته است  
تا پرستار بیاید و  
پرده را بکشد کنار  
هزار بار آه می‌کشم  
آه،  
آه!

«منظومه‌های کوچک»، «زندگی»، «دیلیم». او همچنین مجموعه داستانی به نام «بر می‌گردیم ایران» منتشر کرده است. ذوالقرنین در «سکته‌سگ مصب» از تأثرات درونی و دل‌نگی‌های خود، از رودرویی‌اش با انفاکتوس، از چالش و نبرد با مرگ سخن می‌گوید.

«سکته سگ مصب» مجموعه شعر جدیدی از اکبر ذوالقرنین، شاعر و ترانه‌سرای مقیم سوئد است که توسط نشر باران روانه بازار کتاب شده است. از این شاعر پیش از این هشت مجموعه شعر منتشر شده است به نام‌های: «مثل راهوار نسیم»، «سحر»، «دنیا سرزمین کوچکی است»، «دنیای کوچک ما»، «با زبان گل‌ها»، «نان و ترانه»؛

بقیه از صفحه ۱۲

## چرا ایران بار دیگر عقب ماند؟

بطور خلاصه سلطه نهاد دین بر اقتصاد و سیاست و به خدمت گرفتن شوالیه‌های ماجراجو، به قصد گستراندن سرزمین‌های زیر سلطه خود و دست یابی به ثروت و به اصطلاح پس گرفتن «اماکن مقدس» در خاور میانه، سبب گسستی بزرگ میان تمدن باستان اروپا (روم و یونان قدیم) و تمدن مدرن غرب گردید. ادغام دین و دولت و در نتیجه دینی کردن قدرت سیاسی، مناسبات اقتصادی، قضایی، گسترش خرافات، نه تنها مانع رشد و پیشرفت جامعه شد، بلکه کلیسا را هم به فساد کشاند. با گسترش فساد در دستگاه کلیسا، فروپاشی اقتصادی اروپا، پیدایش رنسانس، سلطه نهاد دین بر ارکان جامعه رو به افول گذاشت. رنسانس، انشعاب در مسیحیت و اصلاح دینی که در برابر فساد کلیسا سر بر آورده بود، و در پی آن، نهضت روشنگری، پیدایش سرمایه‌داری، انقلاب صنعتی، رشد علوم و سرانجام جدایی دین از دیگر نهادهای اجتماعی، تحول بی‌نظیری در جهان غرب به وجود آورد. این دگرگونی‌های اجتماعی و انقلابات سیاسی علیه متحدان اصلی کلیسا، یعنی فئودال‌ها و پادشاهای مستبد، و با زمینی کردن قوانین، سرانجام به سلطه نهاد دین در این حوزه‌ها پایان داد. با رشد بورژوازی، قدرت اقتصادی و سیاسی نیز از دست کلیسا و متحدان آن خارج شد و سرنوشت انسان از آسمان به زمین منتقل و به دست خودش سپرده شد. نمی‌توان شک کرد که اگر کلیسا به سلطه قرون وسطایی خود ادامه می‌داد، جامعه بشری از تمدن امروزی برخوردار نبود. غرب اینگونه از شرق جلو افتاد. این همه اما به معنای پایان نهاد دین و دین‌داری مردم و قدرت اجتماعی کلیسا نبود. این دگرگونی‌ها، دین را بر مسند واقعی و فلسفی خود هدایت کرد. برخی از کشورهای غیرغربی در دهه‌های

اخیر با شناخت درست از مکانیزم‌های رشد اقتصادی و پیشرفت و با بهره‌گیری از دست آوردهای بشری که در غرب شکوفا شده است، در زمانی بسیار کوتاه‌تر از غرب به پیشرفت‌های چشمگیر مشابه آنها دست یافتند. اما این واقعیت ارزشمند در ایران ناشناخته ماند و یا درحاشیه قرار گرفت.

با پیروزی انقلاب در ایران و شکل‌گیری حکومت روحانیت، آیت‌الله خمینی خواستار سلطه اسلام بر جهان گردید. خمینی به لزوم تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی تأکید می‌ورزید و می‌گفت: «یک دولت بزرگ اسلامی باید بر همه جهان غلبه کند.»<sup>[۳]</sup> صدور انقلاب و ارزش‌های آن، اهرم دستیابی به این خواست بود. چنین خواستی با ابتدایی‌ترین دانش درباره مناسبات جهانی و نقش تمدن غرب در دست آوردهای علمی، تکنولوژیک و اقتصادی، که ایران نیز از آنها بهره‌مند گردیده، در تضاد است.

بنیادگرایان سنی، مانند القاعده، نیز با خواست تسلط بر جهان، روش‌های تخریب تمدن مدرن غرب را پی گرفته‌اند. نتایج این دو تلاش، یکی برای «تشکیل دولت بزرگ اسلامی» و غلبه بر غرب و دیگری برای نابود کردن تمدن غرب، هر دو به قصد احیای امپراتوری اسلامی و برگشت به گذشته، زیان‌های بیشتری به مردم مسلمان و کشورهای آنها وارد نموده است. در ایران یگانگی دین و دولت همچنان ادامه دارد و رابطه با جهان غرب که کشورهای غیر غربی همدیاف ایران را به پیشرفت‌های بزرگی رسانده است قطع است. برای رفع موانع رشد و پیشرفت ایران، این دو عامل باید تغییر یابند.

## \* سلطه نظامیان

در زیر به چند نمونه از سلطه نظامیان بر جامعه و اثرات منفی آن به نقل از نوشته کنت بولدینگ (Kenneth E. Boulding)، از کتاب «جنبش‌های خشونت پرهیز» (Nonviolent Social Movements) اشاره

می‌کنم.<sup>[۴]</sup>

زمانی که کشورهای شمال اروپا با تکیه بر مناسبات سرمایه‌داری، صنعت جدید، تولید انبوه، رشد علوم و مقابله با بیماری‌های واگیر، افزایش میزان غذا، به رشد و پیشرفت تصاعدی رسید، اسپانیا هنوز زیر سلطه «تفتیش عقاید» (Inquisition) کلیسای کاتولیک و اشتباهی کشورگشایی بی‌ثمر نظامیان قرار داشت، در نتیجه از قافله رشد تمدن مدرن غرب عقب ماند. تلاش ناموفق کشورگشایی هاپزبرگ در سده پانزدهم برای گسترش کاتولیسم در سراسر اروپا، اسپانیا را به ورشکستگی کشاند و عقب‌ماندگی این کشور را نهادینه و تاریخی کرد، بطوری که اسپانیا قادر نشد نقشی برجسته در رشد فرهنگی، فلسفی، علمی و اقتصادی اروپا ایفا کند.

نمونه دیگر امپراتوری عثمانی است که رشد اقتصادی خود را فدای نظامی‌گری و کشورگشایی کرد. دولت عثمانی در سالی ۱۴۵۳ بر بیزانس (روم شرقی) تسلط یافت، بی‌آنکه بتواند نقش مثبتی جز ادامه سلطه خود بر این سرزمین داشته باشد. این امر سبب شد که امپراتوری عثمانی نزدیک به ۵۰۰ سال از رشد اقتصادی خود نیز باز بماند.

کشور ژاپن با «نوسازی میجی» (Meiji Restoration) از سال ۱۸۶۸ موانع پیشرفت اقتصادی خود، یعنی مناسبات کهنه فئودالی و سپاهی‌گری سامورایی را کنار زد. این فرایند با گسیل هزاران دانشجو به غرب و بهره‌بری از آموزش‌های علمی و تکنولوژیک آنها باعث رشد اقتصادی ژاپن گردید. اما این روند با سلطه ارتش بر دولت و باز شدن اشتباهی کشورگشایی آنها که منجر به اشغال چین و کره در دهه ۱۹۳۰ و سرانجام در گیرشدن در جنگ جهانی دوم شد، متوقف گردید. شکست ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم و حذف سلطه آنها در اقتصاد و سیاست، زمینه رشد و پیشرفت مجدد ژاپن را فراهم نمود.

کشور شوروی نیز این فرایند را تجربه کرد.



آرای مردم را جلب کرد. اقتصاد نظامی در دوره او اجازه بازسازی آلمان را نداد. تا زمانی که همانند ژاپن، پس از شکست ارتش آلمان در جنگ جهانی دوم، به پشتوانه کمک آمریکا در طرح مارشال و خارج شدن اقتصاد و سیاست از سلطه نظامیان، اقتصاد آن کشور باردیگر بازسازی و شکوفا گردید.

در هر دو کشور ژاپن و آلمان روند پیشرفتی که از نیمه قرن نوزدهم آغاز شده بود با سلطه نظامی گری صدمه بزرگی خورد و رشد آن نزدیک به نیم قرن به تأخیر افتاد. با توجه به تجارب تاریخی، پایان یافتن سلطه نظامیان و روحانیان بر اقتصاد و سیاست و تمام ارکان جامعه ضرورت رفع موانع رشد و پیشرفت جامعه ایران است. غرض از نقش نهاد روحانیت و نظامیان، مشارکت افراد شایسته و کارشناس از این دو گروه، حتی در بالاترین مقامات دولتی نیست. این موضوع همراه با نمونه‌هایی در بخش سوم مقاله توضیح داده خواهد شد.

[1] Kazem Alamdari, Religion and Development Revisited: Comparing Islam and Christianity With Reference to the Case of Iran, JOURNAL OF DEVELOPING SOCIETIES, Vol 20(1-2): 125-144. DOI: 10.1177/0169796X04048307,

همچنین نگاه کنید به:

کاظم علمداری، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران، نشر توسعه، فصل سوم، دلایل سقوط روم باستان، ۲۰۰۰-۲۰۱۳، چاپ های ۶ تا ۱۸. نویسنده در این کتاب جزئیات این دگرگونی را توضیح داده است. در صورت علاقه مندی می توانید به این نوشته مراجعه کنید.

[2] Peter Burger, Christian and Democracy, Global Picture, Journal of Democracy, Vol. 15, No. 2, April 2004.

[۳] روزنامه جمهوری اسلامی، تهران، ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ و اول اردیبهشت ۱۳۵۹، نقل از حمید احمدی، جستارهایی درباره جنگ ایران و عراق

[4] Stephen Zunes, Lester R. Kurtz, and Sarah Beth Asher (Eds.), Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspectives, Blackwell Publishing, 2004.

[۵] برای اطلاع بیشتر از روند موج سوم رشد اقتصادی و

پیشرفت نگاه کنید به:

Alvin Toffler, Power Shift: Knowledge, Wealth, and Violence at the Edge of the 21st. Century. Bantam Books, 2004.

این خواست و سیاست نه تنها از جانب آیت‌الله خمینی در آغاز جمهوری اسلامی اعلام گردید، سه دهه پس از آن نیز از زبان محمود احمدی‌نژاد، در مقام ریاست جمهوری اسلامی، با عنوان «مدیریت جهانی» بارها تکرار شد.

رقبای سیاسی و دینی جمهوری اسلامی در منطقه نیز همانند آنها در فکر سلطه خود بر دیگرانند. این خواست‌های غیرواقعی تنها به گسترش تنش و کشمکش و درگیری بیشتر و عقب ماندن جوامع اسلامی می‌انجامد. دوران سلطه بر دیگران سپری شده است، بویژه سلطه دینی و عقب ماندگی بر دموکراسی و پیشرفت. قدرت نیز بر علم و رشد فزاینده تکنولوژی و مدیریت اقتصادی کارآمد استوار است، نه سلاح‌های پیشرفته. فروپاشی ابرقدرت شوروی با ده هزار کلاهک اتمی از یک سو و توان مالی یک نهاد خدماتی مانند «فیس بوک» با ارزش یکصد و بیست میلیارد دلار و با بیش از ششصد میلیون مصرف کننده روزانه آن از دگرسو، پشتوانه این واقعیت است.[۵]

همچنین شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌هایی رشد داخلی امپراتوری‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان فدای کشورگشایی‌های نظامی آنها شد. برعکس، کشورهای کوچک اروپایی مانند سوئد و دانمارک که به رشد داخلی خود تکیه کردند از آنها پیشی گرفتند. آلمان در قرن هیجدهم مرکز فرهنگی اروپا به حساب می‌آمد و بزرگانی چون باخ، بتهوون، کانت و هگل را در حوزه فلسفه و موسیقی به جهان عرضه کرد.

اقتصاد آلمان نیز مانند ژاپن تا نیمه سده نوزده میلادی خارج از کنترل دولت به طور وسیعی رشد کرد. اما بعد از صدارت بیسمارک، و قدرتمند شدن آلمان و ساخت امپراتوری، روحیه نظامی‌گری و کشورگشایی همه‌جا حاکم شد و همه چیز در خدمت ارتش قرار گرفت. اما با جنگ جهانی اول، اقتصاد آلمان ویران شد.

این وضع با افت و خیز و کمک آمریکا تا سال ۱۹۳۳ ادامه یافت. هیتلر بر بستر ویرانی اقتصاد و بیکاری ۳۰ درصدی و تکیه بر ملی‌گرایسی افراطی و هویت و قدرت ضربه خورده آلمانی،

پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، بویژه در دوران استالین، عمده توان اقتصادی کشور صرف ساخت و گسترش صنایع نظامی و سنگین شد و این کشور در زمینه‌های دیگر عقب ماند. این فرایند با ادامه اقتصاد دولتی سبب شد که این کشور نتواند با پیشرفت‌های غرب رقابت کند و سرانجام از درون فرو بپاشد. به این فهرست می‌توان کشورهای چین تا دهه هفتاد، کره شمالی در حال حاضر و تا حدی کشور جمهوری اسلامی پاکستان را نیز اضافه کرد. کره شمالی در حالی که در زمینه نظامی بسیار پیشرفت کرده است، قادر به تأمین نیازمندی‌های غذایی خود نیست. ایران کدام راه بر گزیده است؟

برخی از فرماندهان نظامی ایران از اینکه توان موشکی ایران چنان رشد کرده است که می‌توانند اهدافی را در دو هزار کیلومتری نشانه روند، افتخار می‌کنند. به همین دلیل آنها از پی‌گیری راهی که بتوانند نیازمندی‌های اولیه و غذای روزانه جامعه مانند گندم و برنج را تأمین کنند غافل مانده‌اند. آقای روحانی، رئیس جمهور، اخیراً اعلام کرده است که: «از نیاز ۱۰۰ درصدی کشور به محصولات کشاورزی تنها ۴۴ درصد در کشور تولید می‌شود و بقیه سهم واردات از سایر کشورهاست.»

مدیریت نظامی - روحانی اقتصاد و تکیه روی تکنولوژی نظامی، سبب شده است که از توسعه کشاورزی و تولیدات صنعتی کشور باز بماند؛ به طوری که امروز مجبور است افزون بر تکنولوژی صنعتی، بخشی از نیازمندی‌های غذایی خود را نیز از کشورهای دشمن می‌خوانند و خواهان نابودی آنهایند، مانند آمریکا و کانادا وارد کند. دلایل این وضعیت، یکی نگرش نادرست درباره پدیده استقلال کشور و دیگری سلطه مدیریت نظامی - روحانی است.

نظامیان قدرت را تنها در اسلحه می‌بینند و روحانیان بیشتر از آنکه به پیشرفت و استقلال جامعه فکر کنند به وادار کردن مردم به اجرای احکام فقهی و نقش بی‌پایه خود در جهان اسلام با نام «رهبر مسلمین جهان» می‌اندیشند.

**آذر: November 22 - December 24**

اگر مجرد هستید، اکنون زمان مساعد برای انتخاب همسری دلخواه فرا رسیده است. این ماه برای مشاوره گرفتن زمان مناسبی برای شما خواهد بود. تمامی نگرانی‌های مالی شما تا چند ماه آینده برطرف خواهد شد. در زمینه کار باید تصمیم مهمی بگیرید که برای آینده شغلی شما تعیین کننده خواهد بود. هدیه‌ای از یک دوست می‌رسد که شما را کاملاً خوشحال خواهد کرد.

**دی: December 22 - January 19**

همواره این مثل معروف را به یاد آورید: زمانی که دوستانان پشت سرتان حرف می‌زنند، حتم داشته باشید که در مسیر صحیحی در حال حرکت و پیشروی هستید. بهتر است به مکان‌هایی بروید که جو اجتماعی مناسبی برای خیالپردازی‌های شما وجود داشته باشد. در دوره‌ای هستید که باید انتقادها را تحمل کنید و در مقابل بی‌احترامی‌ها عکس‌العمل نشان ندهید.

**بهمن: January 20 - February**

در اواخر این ماه با تغییر ناگهانی شخصیت مواجهه خواهید شد، پس، از لحظه لحظه فرصت‌ها نهایت لذت را ببرید. شما همیشه عاشق خانه و خانواده هستید. حتی المقدور، برای انجام وظایف‌تان، اوقات خاصی را در نظر بگیرید. از راه دور خبر خوشی به شما می‌رسد و به زودی با شخصی آشنا می‌شوید که نقش مهمی در زندگی‌تان بازی خواهد کرد.

**اسفند: February 19 - March 20**

بعضی خانم‌های متولد این ماه در زمینه مدیریت، موفقیت و کار و کسب، بسیار توانا و خوش‌شانس هستند ولی معمولاً قدرشان را کمتر می‌دانند. حضور بعضی پدر و مادرهای عاقل و دور اندیش در جمع متولدین این ماه سبب شده خیلی از اختلافات و جدایی‌ها در نطفه اول متوقف شود و باید قدر این انسان‌ها را بدانند. اگر نمی‌خواهید از شما بدگویی بشود، پشت سر دیگران بدگویی نکنید.

**مرداد: July 22 - August 22**

این ماه، متولدین مرداد روزهای پرکاری را در پی خواهند داشت. از این رو، مسافرت هر چند کوتاه به این گروه توصیه می‌شود. از یک بحران مالی سخت و دشوار رنج می‌برید و به نظر می‌رسد که هیچ راه حلی برای آن وجود ندارد. با دور ساختن ناامیدی و یأس، قدرت و اراده شما فراتر از تصور خواهد شد و به راه‌های جدیدی دست خواهید یافت. این ماهی است که بایستی شروع به تلاش کنید.

**شهریور: August 23 - September**

ممکن است به همراه شخصی عزیز سفری داشته باشید، شخصی که همیشه به او علاقه مند بودید. این سفر یکی از پر حادثه‌ترین و ماجراجویانه‌ترین سفرهای عمرتان خواهد بود. این ماه زمانی بسیار مساعد برای ابراز علاقه به شخص مورد علاقه‌تان محسوب می‌شود. به آینده‌ای بهتر فکر کنید، به اینکه هر چه پیش می‌آید، بهترین است.

**مهر: September 23 - October 22**

ذهن خود را به مسائل حاشیه‌ای معطوف نکنید. همیشه مسائل مهمتری وجود دارد که به آنها بپردازید. خوش بینی و مثبت‌اندیشی مهم‌ترین ویژگی و امتیاز در شرایطی است که در حال حاضر دارید. به هیچ عنوان اجازه ندهید در مورد سخنان دیگران روحیه شما تضعیف شود. چرا که با تضعیف روحیه، مشکلات شما نه تنها حل نمی‌شود بلکه به سنگینی آن نیز اضافه خواهد شد.

**آبان: October 24 - November 21**

بحث‌ها و نگرانی‌های‌تان بیشتر بر سر مسائل مالی است. مرتب از این شاخه به آن شاخه می‌پرید. اگر یک شغل ثابت داشته باشید، نگران آینده مالی خود نخواهید بود. از نظر مالی در این نیمه به موفقیت‌چندانی نمی‌رسید، پس در خرج کردن کمی دقت کنید. کمی ناامید هستید، اما بزودی، اوضاع بر وفق مرادتان می‌شود، هم از نظر شغلی و هم از نظر خانوادگی.

**فروردین: March 21 - April 19**

چرا این روزها در مورد وظایف خود سهل‌انگاری می‌کنید. درست است که گرفتاری‌های متعددی دارید اما این دلیل نمی‌شود به کسانی که دوستشان دارید و یا آنها شما را دوست دارند، بی‌توجه باشید. اوضاع مالی شما خوب است پس زیاده‌خواهی و طمع نکنید. خیلی‌ها آرزو دارند جای شما باشند، پس سکرگزار باشید.

**اردیبهشت: April 20 - May 20**

تغییراتی در زمینه خانوادگی و شغلی برایتان پیش می‌آید که شما را به یاد خاطرات گذشته می‌اندازد. این ماه، زمان آن است که یک تصمیم جدید در برداشتن گام‌های خود اتخاذ کنید. عشق را شوخی نگیرید، چرا که ممکن است سرنوشت انسان‌ها را تغییر دهد. اوضاع مالی و اقتصادی گروهی از متولدین این ماه تا پایان این نیمه رو به بهبودی خواهد رفت.

**خرداد: May 21 - June 21**

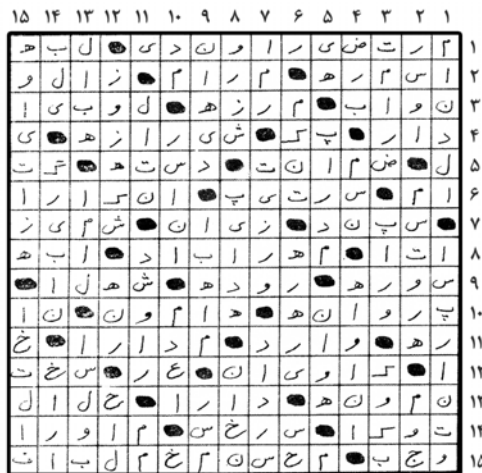
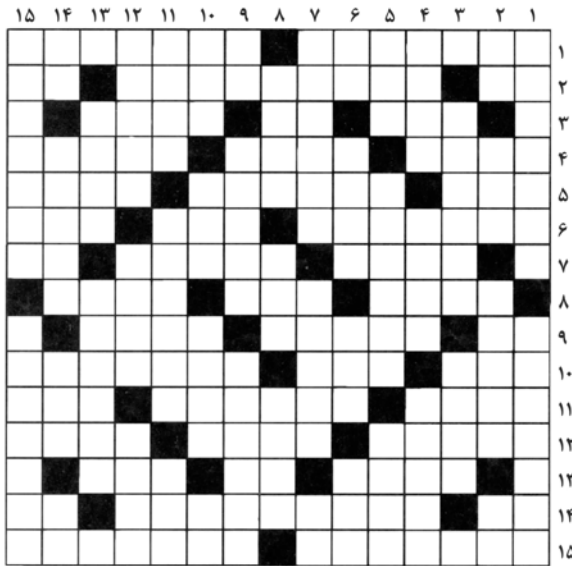
شخصی خوبی شمارا می‌خواهد که از این موضوع با خبرید. اما از نحوه رفتار او که می‌خواهد نشان دهد از شما بهتر می‌تواند به شرایط مسلط باشد، عصبی می‌شوید. به حرف‌های او گوش کنید و با دیدی باز به صحبت‌هایش فکر نمایید. به فکر کینه و انتقام از کسی نباشید. گذشت از خطاهای دیگران، در درجه اول به خود فرد آرامش می‌دهد.

**تیور: June 22 - July 22**

یک بار دیگر شما روحیه‌ای خوش مشرب و اجتماعی پیدا کرده‌اید و می‌خواهید هر جایی که می‌روید مانند خورشید بدرخشید. اگر می‌توانید انتخاب کنید که وقتتان را با چه کسی بگذرانید، مایل به کسانی هستید که کمی غیرمعمول، چندملیتی و یا بسیار با فرهنگند. اگر مجردید و به دنبال عشق می‌گردید، احتمالاً این ماه شخص بسیار جذابی را ملاقات خواهید کرد.



# جدول و سرگرمی



حل جدول ۳۴۵

				۱۴	
۶		۸	۵	۷	۳
			۴		
۲			۸	۷	
۹			۳		۴
	۷		۱		۶
			۱		
۸	۶	۹	۵		۱
	۳	۲			



چهارگوش باید از شماره های در هر ردیف افقی و عمودی و ۱ تا ۹ باشد و عدد تکراری در آن نداشته باشد.

۸	۵	۶	۷	۴	۸	۱
۱	۸	۵	۶	۸	۴	۷
۷	۴	۸	۱	۸	۵	۶
۴	۸	۷	۶	۸	۱	۵
۸	۷	۴	۸	۶	۱	۵
۸	۶	۸	۱	۵	۷	۴
۵	۶	۸	۱	۵	۷	۴

## افقی:

- انجام آن در زمینه های گوناگون جامعه، خواستی همگانی است - اثری از افلاطون فیلسوف یونانی
- دشمن سرسخت - به مقطعه برداشتن - کلان و بزرگ.
- کودن و دیر فهم - شناگری گردن فراز - پناه و ملجا
- کلام تحسین - منسوب به شهر و تمدن - شهری در آذربایجان باختری.
- طاغی و سرکش نیست - «کجایید ای ... خدایی» - دیگر وجود ندارد.
- حکیم و ریاضیدانی از یونان باستان - خونابه تزریقی و خوراکی - دومین حرف از الفبای یونانی.
- بیماری سگان - فنا و نابودی - درختی است بی میوه.

- فصلش فرا رسیده - سالمند - عالی و بلند مرتبه.
- آکنده است - یکی از سه شعار اصلی انقلاب - فریب و خدعه.
- بدهی بانکی - هواپیمایی ملی ایران - ایرانیان از دیرباز شهرت نیکی در این باره دارند.
- سرپیچی و عصیان - «بوی جوی ... آید همی» - از مواضع مربوط به مناسک حج.

- خواباندن شورش و فتنه که نباشد طعن و ملامت است - گرمی و گرمی تر - ابزاری در مطبخ.
- شکلی از آب - حرف نغی - مدخل غذا.
- از حروف ربط - از نهادهای دولتی - ویتامینی است.
- در استان زنجان است - پایتخت نیوزیلند.

## عمودی:

- معروف ترین روزنامه مصر - شهری در حومه برلین آلمان که به سبب کنفرانس سران آمریکا و انگلیس و شوروی در پی جنگ جهانی دوم، معروف شد.
- عدد قرن - پسوند شباهت - دستور زبان - مخفف زایمان.
- شهر و بندری در جنوب - سوارش می شوند.
- نمایشی فرنگی با ساز و آواز - عنوان دیگر قابله - از وظایف درزی.
- در مقام افسوس و دریغ گویند - ته بندی دفتر و کتاب - اسم مصدر از باریدن.
- مادر عرب - نامی مردانه - جمع امت - سود حرام پول.
- لایه های خمیده در پوسته کره زمین - درمان معالجه - پولی است شرفی.
- پیک تیز تک - فراموشکاری - گرفتگی زبان.
- بالابر - سی و ششمین سوره قرآن - از سیاستمداران و خطیبان دوران انقلاب فرانسه .
- مادر وطن - پرستار بیمارستان - غلاف شمشیر - جایگاه مهر و کین.
- بیم و ترس - همسنگ و موزون - فرومایه و پست.
- از آلات موسیقی - الهی و خدایا - خردسال ترین.
- جاندار ذره بینی و تک سلولی - ملامت گران و سرزنش کنندگان.
- بستنی معروف! - کمربند فرضی زمین - لوس و زیاده خواه - پوشاکی است.
- «این ره که تو می روی به ... است» - سربازان عرصه شطرنج.

## مرا بیوس

ترانه سرا: حیدر رقابی

آهنگساز: مجید وفادار

خواننده: حسن گلنراقی

مرا بیوس، مرا بیوس

برای آخرین بار، تو را خدا نگهدار که می روم به سوی سرنوشت

بهار ما گذشته، گذشته ها گذشته، منم به جستجوی سرنوشت

گذشته از جان باید بگذشت از توفان ها

در میان توفان هم پیمان با قایقران ها

که بر فروزم آتش ها در کوهستان ها

به نیمه شب ها دارم با یارم پیمان ها

شب سیاه سفر کنم، ز تیره ره گذر کنم

نگر تو ای گل من، سرشک غم بدامن، برای من میفکن

دختر زیبا امشب بر تو مهمانم، در پیش تو می مانم، تا سر بگذاری بر سر من

دختر زیبا از برق نگاه تو، اشک بی گناه تو، روشن گردد یک امشب من

آموزشگاه ماد

آموزش موسیقی

توسط نامدار ایلام پور

تدریس:

ویولن

کمانچه

تار

سه تار

سنتور

عود

تنبک

تعلیم آواز خوانی  
تعمیر آلات موسیقی

832-814-1479

## نیازمندی ها و بازار عاشقانه

فقط با پرداخت ۲۵ دلار شما می توانید

آگهی های فروش اجناس، جویای کار، استخدام، اجاره و هم خانه و ...  
خود را در این قسمت درج نمایید

## استخدام

به یک نفر طراح و صفحه بند با داشتن تجربه و سابقه کار در نشریات که آشنا با Quick Book, Microsoft, Indesign, CorelDraw و قادر به تایپ سریع فارسی و انگلیسی و مسلط به زبان فارسی و انگلیسی نیازمندیم

713-973-8686

## همکاری

عاشقانه به منظور همکاری در برنامه های هنری، کنسرت ها و نمایش های خود داوطلب می پذیرد.  
**Asheghaneh now accepts application for volunteers for concerts and shows**  
برای اطلاعات بیشتر به شماره 713-973-8686 تماس حاصل فرمایید.

## خدمات

## سایت عاشقانه آگهی می پذیرد

بیش از صدها بازدید کننده از تمامی جهان

WWW.ASHEGHANEH.COM

برای اطلاعات بیشتر ما تماس بگیرید

713-973-8686

## CLASSY DESIGN FLORIST



FLOWERS, BALLOONS &amp; GIFTS

Delivery & Decoration  
for all OCCASSIONS

(713) 782-ROSE (7673) 24 Hrs.

Toll free: 1-800-252-4535

www.classydesignflorist.net

9717 Westheimer - Houston, Texas 77042

## SUBSCRIPTION FORM

Please fill out the subscription form and send with a check to Asheghaneh Publication.

## فرم اشتراک مجله عاشقانه

لطفاً فرم اشتراک زیر را پر نموده، همراه با

چک وجه اشتراک به نشانی عاشقانه ارسال فرمائید.

 Change of Address تغییر آدرس  
 New Subscription آبونمان جدید

نام: \_\_\_\_\_ First Name:

نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ Last Name:

آدرس: \_\_\_\_\_ Address:

شهر: \_\_\_\_\_ City:

ایالت: \_\_\_\_\_ Zip: \_\_\_\_\_ State:

تلفن: \_\_\_\_\_ Phone:

فاکس: \_\_\_\_\_ Fax:

پست الکترونیک: \_\_\_\_\_ Email:

## SUBSCRIPTION FEE FOR ONE YEAR

حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره)

دولار	\$45	آمریکا <input type="checkbox"/> U.S.A.	\$45
دولار	\$70	کانادا <input type="checkbox"/> Canada	\$70
دولار	\$100	اروپا <input type="checkbox"/> Europe	\$100
دولار	\$120	آسیا <input type="checkbox"/> Asia	\$120

## تغییر مکان داده‌اید؟

لطفاً آدرس جدید خود را در فرم آبونمان مرقوم دارید،

زیرا در غیر این صورت اداره پست، عاشقانه را به

آدرس جدید تحویل نخواهد داد.

1403 Brittmoore Rd., Houston, Texas 77043

Tel: (713) 973-8686

Fax: (713) 722-0153

www.asheghaneh.com

email: info@asheghan.com



LUMINEERS  
BY CERINATE



**ZOOM!**

For a brilliant smile  
in 45 minutes...

Put some Zoom!  
in your life today

## One Hour Teeth Whitening

**ZOOM!**

Professional Whitening System

**Save \$100**



**invisalign**  
straight teeth, no braces

### You Owe It To Yourself!

Take your first step to feeling good, looking great and making a memorable impression every time you smile.

کلیه خدمات دندانپزشکی و زیبایی

سفید کردن دندانها

پیدا کردن هرگونه خرابی دندان با استفاده از لیزر

آخرین پدیده‌های تکنولوژی دندانپزشکی

بازسازی دندانها بدون درد، تزریق و بدون تعویض یا تغییر محل دندان

Call Now **713-781-9444**

**Kaviani Cosmetic  
& Family Dentistry**

[www.KavianiDental.com](http://www.KavianiDental.com)



10001 Westheimer, #2920  
Carillion Shopping Center, Inside The Beltway



دکتر افشین کاویانی

دکتر افشان کاویانی



# Houston Family Physicians P.A.

## دکتر بیتا جعفری

پزشک خانواده

- Board Certified Family Physician
- Member of American Academy of Facial Esthetics

### خدمات پزشکی تست های تشخیصی در کلینیک

- تشخیص و درمان بیماری های قند، چربی و فشار خون
- درمان بیماری های داخلی، پوست، مفاصل، کبدی و تیروئید
- معاینه سالانه اطفال و بزرگسالان
- تشخیص بیماری های زنان و انجام پاپ اسمیر
- بخیه و نمونه برداری از ضایعات پوستی
- درمان دردهای عضلانی و مفصلی
- Joint and Trigger Point Injection

- سی تی اسکن
- ام. آر. آی
- عکس استخوان
- سونوگرافی
- نوار قلب
- تست ریه
- آزمایش خون و ادرار

### خدمات پوست و زیبایی

- بوتاکس و فیلر
- پیشگیری و رفع خطوط اطراف چشم، پیشانی، دور لب، و خط خنده با مشاوره رایگان

8968 Kirby Drive, Houston TX , 77054

Phone: 713-492-0433 • Fax: 713-391-8413

Email: [Bitapour-jafari@hfpmdpa.com](mailto:Bitapour-jafari@hfpmdpa.com)

[www.hfpmd.com](http://www.hfpmd.com)

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود Medicare, Medicaid, and private insurance



**RESPONSIBLE PRINTING**  
Digital Signs & Banners  
با مدیریت احمد آدم

**WE DO SIGNS NOW!**

Our Expert Team will help you with all your marketing needs.  
From the initial design to the printing & shipping.

انجام کلیه امور چاپی از طرح تا اجرا به هر زبانی با قیمت مناسب در اسرع وقت

<b>Full Color Banners</b>	<b>Magnetic Vehicle Sign</b>
2x8 .....\$80	12x24
Vinyl Letter Banners	2 Signs
2x8 .....\$55	\$60.00

**Color Copies 25¢**  
on white bond paper one sided

**713-722-0100**

**1403 Brittmoore Rd.**

**[www.responsibleprinting.com](http://www.responsibleprinting.com)**

TALABI & ASSOCIATES, P.C.  
ATTORNEYS AT LAW



*"Competent. Aggressive. Creative."*

**Personal Injury:**

Auto & Truck Accidents  
Slip & Falls  
Medical Malpractice  
Dog Bites/Attacks  
Sexual Harrasment  
Refinery Explosions  
Medical Device  
Medicine (prescription drugs) litigation

**Criminal Law**

**Family Law**

**Wills and Probate**

وکلاي مجرب ما آماده ارائه خدمات حقوقی

در هر یک از حوزه های ذیل میباشند:

• مهاجرت

• صدمات بدنی و تصادفات

• وصیت نامه و گواهی حصر وراثت

• جرایم

• خانواده

**CALL**

**713-266-0529**

*Mehran Talabi, Sean Palavan, and Atousa Nezamabadi*

6420 Richmond Ave., Suite 600

Houston, TX 77057

Tel: (713) 266-0529

Fax: (713) 266-2203

Email: [info@talabilawfirm.com](mailto:info@talabilawfirm.com)

**Immigration:**

Green Cards through investment, family, and work

H1B & L Visas

U.S. Citizenship

Deportation Defense and Asylum

Asheghaneh Publication, Inc.  
1403 Brittmooore Road • Houston, Texas 77043  
[asheghanehpublication@gmail.com](mailto:asheghanehpublication@gmail.com)  
[www.asheghaneh.com](http://www.asheghaneh.com)  
Tel: 713/973-8686